

شماره ۲۱۰



پیام  
برادر مجاهد مسعود رجوی  
مسئول شورای ملی مقاومت  
به کنفرانس بین المللی کار

\* وصیت نامه ها...!  
از: اسماعیل وفا - یغمائی  
در صفحه ۷  
\* سروده های مقاومت  
در صفحه ۹

سال پنجم - پنجشنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۶۳ - شماره ۱۰۰ رباع (خارج از کشور معادل یک دلار)

گزارشاتی از عملیات و فعالیت های  
تبلیغی - اجتماعی  
هسته های مقاومت در "هفته شهدا  
و اسرای انقلاب نوین ایران" (۴)  
\* آنچه که فعالیت سراسری اخیر هسته های  
مقاومت را از مجموعه فعالیت های قبلی آنها  
(برگزاری "هفته میلشیا"، "هفته صلح"،  
"هفته تحریم انتخابات") متمایز می کرد،  
علاوه بر افزایش چشمگیر حجم کلی عملیات اخیر،  
گسترش کمی و کیفی عملیات نظامی غیررودرو  
بود که از جمله در هفته مزبور ۳۲ خودروی  
مزدوران دشمن بدست واحدهای هسته های  
مقاومت به آتش کشیده شد.  
(در صفحات ۱۳ تا ۱۶)

محکومیت رژیم خمینی  
در کنفرانس بین المللی کار  
توسط نمایندگان سندیکا های کارگری  
کشورهای مختلف جهان  
\* گزارشی از هفتادمین کنفرانس بین المللی کار  
\* پیام برادر مجاهد مسعود رجوی درباره ی نقض و  
تجاوز مستمر رژیم خمینی به حقوق کارگران و به بند کشیدن  
هزاران کارگر مجاهد و مبارز، در ۴۰۰ نسخه به زبان های  
رسمی سازمان ملل متحد، برای رئیس کنفرانس و مدیرکل  
دفتر بین المللی کار و نیز کلیه روسای هیئت های  
نماینده ی کنفرانس ارسال شد.  
\* در روزهای اول شروع کار کنفرانس، نماینده ی  
شورای ملی مقاومت در سوئیس در کنفرانس حضور یافت و  
ضمن ملاقات و مذاکره با نمایندگان اغلب اتحادیه های  
کارگری در ژنوا و در مورد نقض کنوانسیون ها  
و معاهدات بین المللی از جانب رژیم خمینی به آنها  
اشاره نمود.  
در صفحه ۶

اطلاعیه ستاد بخش اجتماعی  
سازمان مجاهدین خلق ایران  
در باره پایان موفقیت آمیز فعالیت های  
تبلیغی - اجتماعی و عملیات نظامی  
هسته های مقاومت  
در هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران  
هم میهنان آگاه و مبارز،  
خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی،  
نیروها و رزمندگان هسته های مقاومت مجاهد خلق،  
میلشیا قهرمان!

ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران، پایان  
موفقیت آمیز فعالیت های تبلیغی، نظامی مربوط به هفته شهدا و  
اسرای انقلاب نوین ایران را به خانواده های شهدا و زندانیان  
سیاسی و نیروهای دلیر و رزمنده ی هسته های مقاومت مجاهد خلق  
و عموم هم میهنان آگاه و مبارز، تبریک می گوید.  
چنانکه می دانید، بدنبال اعلام روز ۳۰ خرداد، به عنوان  
روز "شهدا و زندانیان سیاسی"، از سوی فرماندهی عالی مان برادر  
مجاهد مسعود رجوی، و پیام ویژه ی فرماندهی سیاسی - نظامی  
سازمان برادر مجاهد علی زرکش مبنی بر برگزاری "هفته شهدا و  
اسرای انقلاب نوین ایران" در هفته منتهی به ۳۰ خرداد، ستاد  
بخش اجتماعی با صدور اطلاعیه ای در رابطه با برگزاری چهارمین مرحله  
از فعالیت های دستجمعی و سراسری در هفته شهدا و اسرا، از تاریخ  
اول خردادماه، فعالیت های ویژه ی خود را در رابطه با تدارک  
برگزاری هرچه باشکوهتر این مراسم، آغاز نمود.  
بنابه رهنمودهای فرماندهی سیاسی - نظامی سازمان، از  
همان آغاز، فعالیت های گسترده ی تبلیغی - اجتماعی و همچنین  
عملیات نظامی کوچک و غیررودرو و در این مقطع بطور خاص  
به آتش کشیدن خودروهای دشمن و انفجار بمب های قوی صوتی،  
به عنوان پراتیک های اصلی و محوری این مرحله از عملیات نظامی  
غیررودرو انتخاب شده و در دستور کار نیروهای هوادار  
هسته های مقاومت قرار گرفت.  
بقیه در صفحه ۲

بودجه سال ۶۳ خیانت عظیم يك رژیم  
فقر و ستم زدگی يك خلق (قسمت آخر)

\* استقراض از سیستم بانکی یا چاپ بدون پشتوانه اسکناس  
\* تورم و گرانی محصول بلافصل چاپ اسکناس و افزایش  
نقدینگی  
• بر اساس اطلاعات موثقی که از آمار و ارقام درونی رژیم در سازمان برنا مه و  
بودجه و بانک مرکزی در دست داریم، اسکناس منتشر شده از سال ۵۷ تا پایان  
سال ۶۲ نزدیک به ۵ برابر شده است. در حالیکه میزان اسکناس منتشر شده در  
سال ۵۷، رقمی نزدیک به ۴۰۰ میلیارد ریال بوده است، در پایان سال ۶۲ تا  
رقمی نزدیک به ۲۰۰۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرده است. یعنی طی ۵ سال،  
حاکمیت ننگین خمینی، ۴۰۰ درصد بر میزان حجم اسکناس چاپ شده ی بدون  
پشتوانه افزوده شده است.  
اخیراً نیز رژیم خیانت پیشه ی خمینی دوبار اقدام به چاپ اسکناس بدون  
پشتوانه در شرکت انگلیسی "دالرو Doll ۳۰" در لندن نموده است.  
در صفحه ۳

زندان  
وزندانی  
سلسله خاطرات  
گزارشات و نوشته هائی از  
زندان ها و شکنجه گاه های  
رژیم ضد بشری خمینی  
گزارش دوم  
(زندان مشهد - قسمت هفتم)  
در صفحه ۸

انعکاس گسترده تظاهرات سراسری  
اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان  
و عملیات و فعالیت های  
تبلیغی - اجتماعی هسته های مقاومت  
در رسانه های جمعی جهان  
\* با انعکاس وسیع و گسترده ی آکسیون ها و تظاهرات  
با شکوه اتحادیه ی انجمن های دانشجویان مسلمان  
به مناسبت سالگرد ۳۰ خرداد - روز شهدا و اسرا - در  
مطبوعات جهان، فریاد مظلومیت و حقانیت مقاومت  
عادلانه ی خلقمان به گوش جهانیان رسید و بیشترین  
حمایت های افکار عمومی را در اقصی نقاط جهان  
جلب کرد.  
در صفحه ۱۱

سندی دیگر از بیشمار جنایات خمینی جلاد  
عکسی از پیگر بی جان مجاهد شهید کاظم زینعلی که به همراه ۲ تن دیگر از  
همرزمانش مجاهدین شهید علی شعبانی و هرمز عزیزی در برابر چشمان  
حیرت زده ی مردم و منجمله خانواده های این شهدا در تاریخ ۹ اردیبهشت ۶۳  
در شهر لنگرود بدر آویخته شدند. در عکس فوق، اثر حلق آویز شدن،  
بر گردن مجاهد شهید زینعلی مشاهده می شود.  
در صفحه ۱۸

گرامی باد خاطرۀ تابناک  
شهدای مجاهد خلق  
فرازهائی از زندگی انقلابی:  
\* مجاهد شهید کاظم زینعلی  
در صفحه ۱۸  
\* مجاهد شهید محمود جعفرزاده مرندی  
در صفحه ۱۸  
\* اطلاعیه انجمن های دانشجویان  
مسلمان خارج از کشور در رابطه با شهادت  
مجاهد خلق محمود جعفرزاده  
در صفحه ۱۹

## اطلاعیه ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران در باره پایان موفقیت آمیز فعالیت های تبلیغی - اجتماعی و عملیات نظامی هسته های مقاومت در هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران

بقیه از صفحه اول

از جمله اقدامات ستاد بخش اجتماعی در زمینه تدارک برگزاری مراسم هفته شهدا و اسرا، تنظیم و تدوین سلسله آموزش های تاکتیکی و تکنیکی ویژه این مرحله از فعالیت ها بود. این آموزش ها از تاریخ ۵ خرداد ماه، بطور متوالی از طریق "صدای مجاهد" پخش شد و به آگاهی عموم هواداران و رزمندگان هسته های مقاومت رسید. علاوه بر این، بمنظور تعمیق آموزش ها و حل و فصل مشکلات اجرایی نیروها در رابطه با اجرای خطوط ارائه شده از سوی ستاد بخش اجتماعی، مسئولین و فرماندهان هسته ها نیز، راسا اقدام به ارسال پیام های رادیویی ویژه نمودند و در این رابطه بار سنگینی از آموزش را به دوش کشیدند.

علاوه بر این، ضروری بود قبل از ورود به صحنه فعالیت، سازماندهی نیروها و هسته ها متناسب با مضمون تبلیغی و نظامی فعالیت های مرحله ای تغییر یابد. بر این اساس در فاصله اول تا پنجم خرداد ماه، از طریق ارتباطات مستقیم تشکیلاتی و تحت نظارت مسئولین و فرماندهان، نیروها و هسته های عملیاتی حتی المقدور در تیم های ۲ تا ۳ نفره سازماندهی شده و هسته های تبلیغی نیز در تیم های ۳ تا ۴ نفره سازمان یافتند.

پس از تغییر سازماندهی، همزمان با پخش آموزش ها از رادیو "صدای مجاهد"، از تاریخ پنجم تا سیزدهم خرداد ماه، نیروها و هسته های مقاومت، بطور سازمان یافته و بر اساس تقسیم کار مشخص بین نفرات، وارد مرحله آماده سازی تدارکات و همچنین شناسائی شدند. طی این مرحله، تیم های عملیاتی بر اساس دستورالعمل های آموزشی ستاد، اقدام به شناسائی دقیق سوزدهای مناسب و همچنین منطقه عملیات نمودند. هسته های تبلیغی نیز دست به تهیه وسایل ضروری کار، نظیر تهیه پلی گپی دستی، گلیشه و نظایر آن زدند. پس از آماده سازی تدارکات لازم و اتمام مرحله شناسایی، تیم های عملیاتی می بایست بنابه رهنمودهای مشخص فرماندهی ستاد، به منظور رفع نواقص و تکمیل کار، طرح ها و برنامه های عملیاتی خود را بطور دقیق و حساب شده "مانور" نمایند. هسته های تبلیغی نیز در این تاریخ، مسئولیت تهیه و تکثیر تراکت های حاوی اسامی و مشخصات شهدا و همچنین اسامی و مشخصات جاسوسان و شکنجه گران رژیم و شعارهای ویژه هفته شهدا و اسرا را بر عهده داشتند.

پس از کسب آمادگی های لازم در زمینه های مختلف کار، اعم از تهیه تدارکات، "مانور" عملیات و یا تکثیر تراکت، از تاریخ ۲۰ خرداد ماه، میلیشیای قهرمان و نیروهای دلیر و رزمندگان هسته های مقاومت مجاهد خلق همدوش با خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، و سایر هم میهنان آگاه و مبارز، با آرایش مناسب و تحت فرماندهی مستقیم ستاد بخش اجتماعی، پا به میدان رزم نهاده و فعالیت های شورانگیز و حماسی را در سراسر خاک میهن خونبارمان، آغاز نمودند. با شروع فعالیت گسترده هسته های مقاومت، همانگونه که انتظار می رفت، رژیم درمانده و رو به زوال خمینی، سراسیمه و وحشت زده، به کلیه ارگان های سرکوبگر خود، اعم از بسیج، سپاه، گمیت و... از تاریخ ۲۰ الی ۳۰ خرداد، آماده باش سرخ داده و کلیه مرخصی های ایادی خود را لغو نمود. تمامی این ارگان ها تلاش نمودند تا با افزایش گشتی های سواره و پیاده خیابانی بویژه در تهران، غلظت نظامی شهر را بالا برده و بدین وسیله از فعالیت های گسترده رزمندگان هسته های مقاومت و دیگر نیروهای هوادار سازمان جلوگیری بعمل آورند. این اقدامات سرکوبگرانه و زبونانه تا آنجا افزایش یافت که علاوه بر کنترل خیابان ها، گوجه ها و گلوگاه های

شهر، رژیم به کلیه جاسوسان و خبرچینان خود در انجمن های ضد اسلامی و دیگر مراکز جاسوسی دستور داد تا بر مراقبتشان نسبت به ساختمان ها و مراکز دولتی افزوده و همی کارکنان و مراجعات را تحت نظارت گرفته و موارد مشکوک را به رؤسایشان گزارش کنند. اما علیرغم بسیج و آماده باش کامل نیروهای سرکوبگر رژیم و سایر اقدامات مذبحانه اش، بدلیل انطباق موفقیت آمیز و چشمگیر نیروها و هسته های مقاومت با شرایط اختناق حاکم، نه فقط از دامنه فعالیت های تبلیغی و عملیاتی گاسته نشد، بلکه هر روز گسترش و اوج تازه ای یافت. بطوریکه طی روزهای بیستم تا سیام خرداد ماه، نیروها و هسته های مقاومت مجاهد خلق، تحت فرماندهی مستقیم ستاد بخش اجتماعی با مجاهدتی پیگیر و دلیرانه که در همه جا از حمایت ها و همکاری های وسیع مردمی نیز برخوردار بودند، در سراسر شهرهای میهن مان منجمله در شهرهای تهران، تبریز، شیراز، اصفهان، رشت، مشهد، ارومیه، گرگان، اهواز، بابل، کرمان، خرم آباد، کرمانشاه، زنجان، خوی و قائمشهر دست به فعالیت های تبلیغی و عملیات نظامی زدند.

در جریان عملیات نظامی کوچک و غیر رودررو، ۵۰ تیم از رزمندگان دلیر هسته های مقاومت مجاهد خلق طی یک سلسله عملیات موفقیت آمیز، ۳۲ خودروی دشمن را به آتش کشیده و ۷۰ بمب صوتی را در نزدیکی مراکز سرکوبگر رژیم منفجر ساختند. همچنین صداها هسته های تبلیغی در سراسر کشور، صداها هزار تراکت و اعلامیه های حاوی عکس و مشخصات شهدا، اسامی و مشخصات شکنجه گران و خبرچینان رژیم و شعارهایی در گرامیداشت هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران را به شیوه ها و تاکتیک های ابتکاری پخش نموده و یا بصورت شعار بر در و دیوار اماکن عمومی شهرها نگاهداشتند.

علاوه بر فعالیت های نظامی و تبلیغی فوق الذکر، طی هفته شهدا و اسرا، نیروها و هسته هایی که در راستای شکستن سد خبری، مسئولیت رساندن اخبار مقاومت به گوش جهانیان و افشای ماهیت پلید و جنایتکارانه خمینی را بر عهده داشتند، به شایستگی مسئولیت خود را در این زمینه نیز به انجام رسانده و بطور تلفنی، اخبار مربوط به فعالیت های تبلیغی و نظامی را به رادیوها، خبرگزاری ها و مطبوعات بین المللی منتقل ساختند. بطوریکه طبق اطلاعات واصله، طی این مدت، اکثر رادیوها و مطبوعات بین المللی، اخبار فعالیت های سراسری مربوط به هفته شهدا و اسرا را منعکس ساخته و افکار عمومی جهانیان را بطور هرچه وسیعتری متوجه اوج گیری مقاومت در ایران و خشم و نفرت توده های مردم از رژیم ضد بشری خمینی، نموده اند.

نیروها و رزمندگان دلیر هسته های مقاومت مجاهد خلق، پیروزی چشمگیر و درخشان شما در چهارمین مرحله از فعالیت های اجتماعی، بویژه ناشی از تاکتیک های موثر و ویژه ای است که به مناسبت بزرگداشت هفته شهدا تعیین و اعلام گردید. چنانچه بخاطر دارید در پیام فرماندهی سیاسی - نظامی سازمان، برادر مجاهد علی زرکنش، آمده بود: "آن دسته از هسته هایی که کیفیت نظامی لازم را کسب نمودند، تحت نظر ستاد بخش اجتماعی، عملیات نظامی غیر رودررو را بعنوان پراتیک اصلی خود انتخاب کرده و از پراکنده ساختن انرژی خود در سایر زمینه ها خودداری ورزند" این رهنمود جدید فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین باعث شد تا هسته های مقاومتی که در جریان فعالیت های تبلیغی - اجتماعی خود در هفته های میلیشیای صلح، و تحریم انتخابات تجربیات و کارآیی های لازم را بدست آورده بودند، بتوانند در این مرحله نیز یک گام کیفی فعالیت های خود را ارتقاء داده و با اتخاذ تاکتیک های حساب شده و

پیچیده تر نظامی وارد سرفصل جدیدی از فعالیت های انقلابی خود در راستای قیام مسلحانه ی رها نشی بخش عمومی گردند. اینک با پایان موفقیت آمیز فعالیت های اجتماعی و سراسری مربوط به گرامیداشت هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران نیز، کلیه نیروها و هسته های مقاومت می بایست با توجه به کیفیت نوینی که طی این مرحله از فعالیت ها کسب کرده اند، تجارب عملی خود را جمع بندی نموده و ضمن ایجاد آمادگی های ارتباطی، امنیتی و تشکیلاتی لازم، به کمک مسئولین و فرماندهان سطح و مدار کار خود را از این پس یک گام ارتقاء دهند. در این رابطه، ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران، توجه عموم نیروها و هسته های مقاومت مردمی را به رهنمودهای زیر، جلب می نماید:

۱ - هسته های رزمنده ی مقاومت، می بایست جهت دریافت خطوط و برنامه های مرحله ای و دریافت ضوابط و رهنمودهای ستاد فرماندهی، مستمرا تلاش کرده و در این رابطه حلقه های ارتباطی خود را تحکیم نمایند. مسلما برای آن طیف از نیروهای مقاومت که در هسته ها متشکل نیستند و یا ارتباطات سازمان یافته ندارند، تشکیل هسته های جدید با مراعات کامل ضوابط امنیتی و تلاش برای وصل ارتباطات، وظیفه ی مقدم، محسوب می شود. در زمینه ی مکانیسم های ارتباطی، توجه به رهنمودهای مسئولین و فرماندهان که از طریق رادیو پخش می شود، ضروری است.

۲ - سازماندهی مناسب برای هسته های عملیاتی، تشکیل تیم های ۲ تا ۳ نفره می باشد؛ همچنین هسته های تبلیغی نیز می بایست نیروهای خود را در گروه های ۳ تا ۴ نفره سازمان دهند. تغییر سازماندهی هسته ها متناسب با مضمون کار آنها، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۳ - با توجه به توانمندی ها و آمادگی هایی که عموم نیروها و هسته های تبلیغی، طی فعالیت های اجتماعی و سراسری اخیر کسب کرده اند، ضروری است این دسته از نیروها فعالیت های ضد اختناق ایذائی را بعنوان یک پراتیک مستمر و مداوم در دستور کار خود قرار دهند. تاکتیک ها و اهداف اینگونه فعالیت ها بعدا اعلام خواهد شد.

۴ - تیم های عملیاتی نیز که در جریان فعالیت های مربوط به هفته شهدا و اسرا، فعالانه شرکت داشته و به پیروزی های درخشانی نیز دست یافته اند، می بایست آمادگی های لازم جهت شرکت در حرکات پیچیده تر نظامی که متعاقبا اعلام خواهد شد، در مناسبات خود ایجاد نمایند.

۵ - بدنبال موفقیت درخشان شما در فعالیت ها و عملیات مربوط به هفته شهدا و اسرا، دشمن زبون مترصد فرصتی است تا بهر نحو ممکن به جبران رسوائی و شکست خود بپردازد. از این رو کسب آمادگی برای فعالیت های بعدی، مقدمات مستلزم آن است که امکان وارد آوردن هر ضربه ای را از دشمن سلب ننمائید. بخصوص از آنجا که در هیچ شرایطی نمی بایست بطور تاکتیکی به دشمن کم بها داده شود، باید با تمام قوا کانال های ضربه ای احتمالی را شناخته و ضمن مسدود کردن آن، روابط و مناسبات خود را از تهدیدات رژیم ضد بشری خمینی مصون نمائید تا همچنانکه فعالیت ها و عملیات اخیر را با حداقل آسیب ممکن به انتها رساندید، در روزها و هفته های آینده نیز دشمن را ناگام بگذارید.

۶ - در اسرع وقت به جمع بندی فعالیت هایتان در هفته شهدا و اسرا نشسته و ضمن مشخص کردن اشکالات و نواقص کارتان در این هفته، جهت ارتقاء هسته، برنامه ریزی های لازم را برای رفع آنها بنمائید. همچنین گزارشی از فعالیت هایتان در این هفته و جمع بندی نهایی آن برای ما ارسال کنید.

مرگ بر خمینی - درود بر رجوی

سلام بر شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران

ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران

۲/ تیر/ ۱۳۶۳

## بودجه سال ۶۳

(قسمت آخر)

### خیانت عظیم يك رژيم، فقر و ستم زدگی يك خلق

در بخش‌های پیشین، به بررسی سیاست‌ها و ترفندهای ضد خلقی رژیم در تنظیم بودجه، که منجر به کسری‌های نجومی ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و سرکوب می‌گردد، پرداختیم. ضمناً در بررسی منابع درآمدهای رژیم مشاهده کردیم که منابع "نفت، مالیات و استقراض خارجی" نیز قادر به تامین کسر بودجه‌ی بیش از "هزار میلیارد ریالی" رژیم در سال ۶۳ نخواهند بود. اینک در آخرین بخش این مقاله به ارزیابی تنها منبع تامین کسر بودجه، یعنی دست زدن به سیاست خائنانه‌ی "چاپ اسکناس بدون پشتوانه" و آثار خائنانه برانداز آن که به فقر و ستم‌زدگی هر چه بیشتر مردم میهنمان منجر شده است، می‌پردازیم:

#### استقراض از سیستم بانکی یا

#### چاپ بدون پشتوانه اسکناس

در بررسی‌هایی که تاکنون از منابع مختلف درآمدهای رژیم - بجز استقراض از سیستم بانکی - کردیم، مشخص گردید که هیچکدام از آن منابع (نفت، مالیات‌ها و استقراض خارجی) قادر به جبران کسری بودجه‌ی نجومی (۱۰۰۰ میلیارد ریالی) رژیم نیستند. بویژه آنکه در مورد ۲ منبع نفت و مالیات‌ها در سال ۶۳ - بنا به دلایل و شواهدی که برشمرديم - دیدیم که حتی نقش افزایش‌دهنده‌ی کسری بودجه را خواهند داشت. بنابراین تنها منبعی که برای تامین کسری‌های بودجه‌ی رژیم طی سال‌های گذشته و بویژه امسال (۶۳) باقی می‌ماند، همان منبعی است که رژیم آنرا استقراض از سیستم بانکی می‌نامد، که در واقع - همانطور که خواهیم دید - به معنی چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس می‌باشد. امری که برای رژیم متداول شده و در واقع راه دیگری جز مدد گرفتن از این شیوه برای او وجود ندارد.

کسری‌های بودجه طی سال‌های اخیر عمدتاً ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور جنگ بوده است و همانطور که در بررسی کسری بودجه‌ی رژیم در سال‌های گذشته و در سال ۶۳ دیدیم، رقم کسری بودجه تقریباً چیزی نزدیک به هزینه‌های جنگ و سرکوب است. حال به نسبت همان میزان که هزینه‌های جنگ افزایش پیدا می‌کند (بطریق اولی وقتی با کسری بودجه مواجه می‌شود) ناچار است و می‌باید بهر طریق ممکن آنرا بمنظور ادامگی جنگ تامین کند، اینجاست که بروشنی می‌توان به این نتیجه دست یافت که وقتی تامین این کسری بودجه از

راه‌های دیگر (یعنی نفت و مالیات) میسر نباشد، تنها راه باقیمانده چاپ اسکناس (بدون پشتوانه) خواهد بود که رژیم بدان متوسل می‌شود.

وقتی مکانیزم دستیابی به درآمد حاصل از "منابع درآمدها" را بررسی می‌کنیم، ملاحظه می‌شود که از آنجا که دستیابی به درآمد منابعی که تاکنون برشمرديم (یعنی نفت و مالیات‌ها) تماماً در حیطه‌ی اختیارات خود رژیم نیست و در عوض از آنجا که شیوه‌ی چاپ اسکناس - علیرغم تمامی عواقبی که حتی برای خود رژیم در پی دارد - تماماً در حیطه‌ی اختیارات رژیم است، دست زدن به آن، امری قطعی و مسلم و در عین حال ساده می‌باشد.

از اینروست که "استقراض از سیستم بانکی" جزء لاینفک "ماده‌ی واحده‌ی لایحه‌ی بودجه‌ی هر ساله‌ی رژیم شده است. چون تنها منبع درآمدی که تا حدودی قابل انطباق با تمایلات و مقدرات رژیم می‌باشد، همین شیوه‌ی خائنانه و البته سهل و آسان نسبت به سایر شیوه‌ها است.

البته این شیوه بتدریج به دارمکافات رژیم تبدیل می‌گردد. چرا که این شیوه، بحران‌های اقتصادی عظیمی همچون گرانی و تورم و بیکاری می‌زاید و فشارهای اقتصادی را بر مردم آنچنان افزایش می‌دهد که از یکطرف همین بحران‌های اقتصادی و از طرف دیگر بحران اجتماعی ناشی از اوجگیری نارضایتی‌های مردم، گریبان رژیم را سخت می‌فشارد.

اما رژیم پوسیده و لرزانی که بطور روزمره به حل مسائلش می‌پردازد و روز بروز می‌کشد، گریزی از پذیرفتن چنین شیوه‌هایی و گرفتار شدن در عواقب آینده‌ی آن ندارد. در همین جالزم است توضیحی

مختصر در باره‌ی چاپ اسکناس بدون پشتوانه بدهیم: - چرا نتیجه‌ی بلا فصل استقراض از سیستم بانکی در رژیم خمینی، چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس است؟

رژیم در طول سال، درآمد مشخصی دارد (فرض کنید همان میزانی که در ابتدای هر سال پیش‌بینی می‌کند)، اما این درآمدها نمی‌تواند جوابگوی تمام هزینه‌های - فزاینده‌ی - رژیم باشد. برای پاسخگویی به تمامی هزینه‌ها، رژیم باید به میزان تفاضل بین هزینه‌ها و درآمد‌ها، پول (پول به معنای واقعی یعنی ارزش افزوده) وارد معادلات اقتصادی بکند. اما این پول (واقعی) هنگامی می‌تواند (بلحاظ اقتصادی) وارد جامعه گردد، که در ازای آن ارزش افزوده بوجود آمده باشد، به بیان روشنتر از آنجا که منابع بررسی شده‌ی رژیم (در مباحث گذشته) پاسخگوی نیازهای هزینه‌ها نیست، پس باید تولیدات داخلی افزایش پیدا کرده باشد تا بتوان به همان نسبت یعنی به اندازه‌ی ارزش این تولیدات، پول نیز وارد معادلات اقتصادی جامعه گردد. یعنی در چنین شرایطی تنها در اثر افزایش تولید ناخالص داخلی (۱)، یعنی افزایش تولیدات کالا که قادر به ایجاد ارزش است، می‌تواند پول واقعی ایجاد شده و وارد سیکل اقتصادی جامعه گردد.

اما تولید ناخالص داخلی، بدلیل انهدام میانی تولید از سوی رژیم نابودکننده‌ی حرث و نسل - خمینی - از بعد از حاکمیت ارتجاعی، مرتباً رو به کاهش رفته است؛ فی‌المثل در حالیکه تولید ناخالص داخلی (با احتساب نفت) در سال ۵۸، معادل ۳۰۶۹ میلیارد ریال بوده است، در سال ۶۱ به ۲۸۰۳ میلیارد ریال کاهش یافته است.

پاورقی:

۱ - کل ارزش کالاها و خدمات تولید شده در عرض یکسال را، تولید ناخالص ملی یا داخلی می‌گویند که اگر استهلاک کالاها، سرمایه‌های، مثل ماشین‌آلات و... را از تولید ناخالص کم کنیم، تولید خالص ملی بدست می‌آید.

اما در اینجا آن بخش از تولید ناخالص داخلی که زاینده‌ی ارزش واقعی است -

(کبهان دوشنبه ۱۵/اسفند/۶۲ - اظهارات غلامحسین نادى در مجلس ضد خلقی) همچنین اگر صادرات غیرنفتی را معیاری (بطور نسبی) برای تولیدات غیرنفتی بگیریم، با نگاهی به روند آن، ابعاد خیانت خمینی در انهدام تولید داخلی روشنتر می‌گردد. به جدول زیر که از هفته‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۸ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن رژیم مورخ شنبه ۱۷/دی/۱۳۶۲ اخذ شده، توجه کنید:

تراز تطبیقی بازرگانی خارجی در هشت ماهه ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۲

سال	واردات		صادرات		نسبت واردات به صادرات به درصد
	وزن به هزارتن	ارزش به میلیون ریال	وزن به هزارتن	ارزش به میلیون ریال	
۱۳۵۸	۷۵۰۷	۴۳۴۷۱۱	۴۸۹	۲۳۹۲۱	۹۳
۱۳۵۹	۸۱۰۹	۶۱۲۹۲۵	۲۷۲	۴۰۷۸۷	۹۶
۱۳۶۰	۱۰۲۰۶	۸۴۹۲۵۲	۱۴۵	۲۰۹۲۱	۹۸
۱۳۶۱	۱۱۶۴۰	۷۸۹۲۶۲	۱۵۰	۱۶۹۳۴	۹۸
۱۳۶۲	۱۴۰۴۹	۱۰۳۲۹۲۴	۱۳۹	۱۷۴۰۹	۹۹

#### يك ارزیابی

#### از میزان چاپ اسکناس

#### بدون پشتوانه

نخست‌وزیر خائن رژیم در آذر ماه گذشته، هنگام ارائه لایحه‌ی بودجه به مجلس ضد خلقی میزان استقراض از سیستم بانکی را بمنظور جبران کسر بودجه‌ی سال ۶۳، ۳۱۲/۲ میلیارد ریال اعلام کرد. (اطلاعات ۹/آذرماه/۶۲). از آنجا که این عنصر خیانت‌پیشه می‌دانست این میزان استقراض تامین‌کننده‌ی کسر بودجه‌ی پنهان شده توسط خود او در لابلای لایحه‌ی بودجه نیست، در همانجا اعلام کرد که جهت تامین هزینه‌های جنگ و بمنظور ایجاد امکان برنامه‌ریزی و سرعت عمل در اجرای برخی طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های عمرانی واجد اولویت!! و طرح‌های بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده که با تحقق شرایطی از قبل

همانطور که مشاهده می‌کنید میزان صادرات غیرنفتی طی سال‌های ۵۸ تا ۶۲ از ۴۸۹ هزار تن به ۱۳۹ هزار تن کاهش یافته است و نسبت صادرات غیرنفتی رژیم به واردات در هشت ماهه‌ی اول سال ۱۰۶۲ به ۹۹ می‌باشد و این نسبت در سال ۶۲ به ۱ سال ۵۸ تقلیل یافته است. (۲) به همین ترتیب اگر روند تولید ناخالص داخلی (بدون احتساب نفت) را از سال ۵۸ تاکنون در نظر بگیریم، ابعاد فاجعه‌ی عظیمی که خمینی بر سر تولید و اقتصاد کشور آورده، روشن‌تر می‌گردد.

باین ترتیب وقتی که بخش عظیمی از کارخانجات و صنعت از بین رفته و آنچه باقیمانده نیز عمدتاً ضرر می‌دهد، و هنگامی که کشاورزی کشور در مرز نابودی کامل قرار گرفته، دیگر ارزش افزوده‌ای وجود ندارد که در ازای آن پول واقعی وارد اقتصاد جامعه گردد. در اینصورت تنها منبع افزایش پول برای جبران کسری بودجه، "استقراض

یعنی تولید کالاها و صنایع و کشاورزی و دستی و... - مورد نظر ماست. و وقتی از آن بعنوان زاینده‌ی ارزش نام می‌بریم، خدمات را محسوب نمی‌کنیم.

۲ - اگر در ستون ارزش، نرخ پایین آمدن ارزش پول را نیز در نظر بگیریم، فاصله‌ی بین درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی در سال ۵۸ و سال ۶۲

بیشتر عیان می‌گردد چرا که در اثر بالا رفتن قیمت‌ها ارزش تولید ناخالص داخلی نیز افزایش می‌یابد در حالیکه این اساساً رشد واقعی نیست. رشد واقعی در رابطه با توسعه‌ی اقتصادی به معنای افزایش تولید، گسترش کارخانه‌ها و... مفهوم پیدا می‌کند. عبارت دیگر مقایسه‌ی ارقام در ستون وزن گویاترست.

بودجه سال ۶۳

خیانت عظیم یک رژیم، فقر و ستم زدگی یک خلق

قابل پیش بینی نیست، تا مبلغ ۴۶۹/۲ میلیارد ریال دیگر از طریق سیستم بانکی نامین اعتبار خواهد گردید. (همان منبع)

به این ترتیب وی، استقراض از سیستم بانکی (یعنی چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس) را طی سال ۶۳، ۷۸۱/۴ میلیارد ریال برآورد کرد.

البته بعداً کمیسیون برنامه و بودجه‌ی مجلس ضدخلقی که اعلام این میزان استقراض از سیستم بانکی را به صلاح مرتجعین نمی‌دانست، با حذف تبصره‌ی ۳۴، استقراض از سیستم بانکی را برای جبران کسری بودجه ۳۱۹ میلیارد ریال و تامین اعتبار برای طرح‌های عمرانی اساسی!! و طرح‌های بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده را ۴۵ میلیارد، یعنی مجموعاً ۳۶۴ میلیارد ریال اعلام کرد. (کیهان ۱۳/اسفند/۶۲)

اما روشن است چاپ اسکناس بدون پشتوانه و یا آنچه که رژیم "استقراض از سیستم بانکی" می‌خواند را چیزی نزدیک به کسر بودجه‌ی هر سال باید در نظر گرفت. بویژه آنکه در تشریح سایر منابع تامین اعتبار در سال ۶۳ دیدیم که منبع دیگری برای جبران کسر بودجه‌ی رژیم وجود ندارد.

میزان چاپ اسکناس و افزایش حجم اسکناس در گردش طی سال‌های گذشته سند گویای دیگری بر اثبات این مسئله است.

طبیعی است که رژیم در این زمینه بطور رسمی آماری منتشر نکند. اما بر اساس اطلاعات موثقی که از آمار و ارقام درونی رژیم در سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی در دست داریم، اسکناس منتشر شده از سال ۵۷ تاکنون (تا پایان سال ۶۲) نزدیک به ۵ برابر شده است. در حالیکه میزان اسکناس منتشر شده در سال ۵۷، رقمی نزدیک به ۴۰۰ میلیارد ریال بوده است، در پایان سال ۶۲ تا رقمی نزدیک به ۲۰۰۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرده است. یعنی طی ۵ سال حاکمیت ننگین خمینی، ۴۰۰٪ بر میزان حجم اسکناس چاپ شده - بدون پشتوانه - افزوده شده است.

تنها یکبار سال گذشته یکی از کارگزاران رژیم، به رقمی نزدیک به واقعیت در زمینه‌ی

چاپ اسکناس بدون پشتوانه اعتراف کرد. معتمد رضائی قائم مقام وزارت کار و امور اجتماعی رژیم در فروردین ماه سال ۶۲ در اینباره چنین گفت: "نکته‌ی دیگری که به مسئله‌ی تورم دامن می‌زند مسئله‌ی حجم اسکناس در گردش است. همانطور که اطلاع دارید در حال حاضر نسبت به قبل از پیروزی انقلاب حجم اسکناس در گردش در حدود ۴ برابر شده است." (کیهان ۱۷/فروردین/۶۲) (۱) مقوله‌ی "استقراض از سیستم بانکی" یا "چاپ اسکناس" در اقتصاد ورشکسته‌ی خمینی آنچنان مترادف شده است که کارگزاران رژیم نیز این دو "واژه" را بلافاصله بعد از یکدیگر و در رابطه‌ی باهم بر زبان می‌آورند. چنانکه مصطفی تبریزی خائن، یکی از نمایندگان مجلس ضدخلقی، رابطه‌ی کسر بودجه‌ی دولت، استقراض از سیستم بانکی و چاپ اسکناس بدون پشتوانه را چنین توضیح می‌دهد: "وقتی بودجه‌ای تصویب می‌شود، کسری آن بودجه از بانک مرکزی ایران استقراض می‌شود. بانک مرکزی پس از استقراض به چاپ مقداری اسکناس اقدام می‌کند و خودبخود ارزش پول کاهش یافته و تورم افزایش می‌یابد بنابراین بیماری‌های اساسی اقتصاد یعنی حجم زیاد اسکناس و تورم مصیبتی است که از اینگونه کارهای بی‌برنامه و بی‌توجه به واقعیت نصیب مردم جامعه می‌شود." (کیهان ۱۸/بهمن/۶۲)

وی در جای دیگری این مسئله را که اسکناس‌های چاپ شده نهایتاً به جیب کسانی می‌ریزد و چگونه موجب بالا رفتن نقدینگی می‌گردد، چنین بر ملا می‌کند: "حجم اسکناس زیاد شده پس از یکسری فعل و انفعالات اقتصادی از دست دولت خارج شده، به جیب بخش خصوصی (بخوانید تجار وابسته به خمینی) می‌ریزد... در لایحه‌ی ۶۳ با توجه به تبصره‌ها و تعهدات حدود یکبزار میلیارد ریال کسر بودجه وجود دارد... با کسر بودجه در واقع بدهی دولت سال به سال زیادتر می‌شود و تقریباً به همان میزان به نقدینگی بخش خصوصی افزوده می‌گردد." (کیهان ۳۰/بهمن/۶۲)

یکی دیگر از نمایندگان مجلس ضدخلقی - احمد زرهانی

خائن - رابطه‌ی مستقیم و بلافصل کسر بودجه، استقراض از سیستم بانکی و چاپ اسکناس را چنین توضیح می‌دهد: "چیزی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان ما هر سال کسر بودجه داریم، که قسمت اعظم آن از طریق استقراض از بانک مرکزی یعنی چاپ اسکناس تامین می‌شود که منجر به تورم و گرانی در جامعه می‌شود." (۴) (کیهان ۱۵/اسفند/۶۲)

از آنجا که چاپ اسکناس، افزایش نقدینگی و بالا رفتن تورم رابطه‌ی مستقیمی با یکدیگر دارند، نگاهی به تغییرات نقدینگی و حجم پول در گردش در سال‌های اخیر ضروری می‌نماید.

افزایش نقدینگی و حجم پول در گردش

چاپ اسکناس - صرفنظر از با پشتوانه یا بدون پشتوانه بودن آن - ابتدا موجب افزایش نقدینگی و سپس افزایش حجم پول در گردش می‌گردد. (۵) و از آنجا که در ازای آن و به همان نسبت، تولید کالا افزایش نداشته، سرعت به تورم و گرانی تبدیل می‌گردد. البته این مسئله را باید در نظر داشت که نقدینگی و سپس حجم پول در گردش، در صورتی که به موازات افزایش تولید ناخالص داخلی، افزایش پیدا کند، نه تنها موجب تورم و گرانی و سایر بحران‌های اقتصادی نمی‌گردد، بلکه اگر در یک سیستم توزیع عادلانه جاری شود، موجب رشد تولید سرانه، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی خواهد شد. البته چیزی که در رژیم‌های ضدخلقی و ضدبشری همچون رژیم خمینی، مفهومی ندارد، پاورقی:

۳، ۲، ۱ و ۴ استاگیدات، زماست. ۵ - نقدینگی شامل ۲ قسمت، یعنی پول و شبه پول می‌باشد. اسکناس و مسکوک و حساب‌های جاری، پول محسوب می‌شوند، که اینرا در اصطلاح اقتصادی "حجم پول در گردش" می‌نامند. و شبه پول شامل "حساب‌های پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار" است. همانطور که می‌دانید در اقتصاد ورشکسته‌ی خمینی معمولاً نسبت پول به شبه پول رو به افزایش است. چرا که از یکطرف دلیل اوضاع متزلزل سیاسی

برای درک ابعاد آن بهتر است ابتدا به بررسی مختصر افزایش نقدینگی - به همان میزانی که اطلاعات آن در دست است - طی سال‌های گذشته و امسال بپردازیم تا آنگاه ابعاد تورم و غارت و چپاول مردم توسط این رژیم خیانت‌پیشه بیشتر روشن گردد. مطابق آمار و ارقامی که از سوی سازمان برنامه و بودجه انتشار یافته، حجم نقدینگی طی سال‌های اخیر، در ابعادی نجومی افزایش یافته است. طبق این آمار افزایش نقدینگی از سال ۵۷ تا سال ۶۲ بصورت جدول زیر می‌باشد: (کیهان - یکشنبه ۲۰/بهمن/۶۲)

سال	نقدینگی بخش خصوصی به میلیارد ریال	افزایش نسبت به سال قبل
۱۳۵۷	۲۵۷۸/۶	
۱۳۵۸	۳۵۵۰	۹۷۱/۴
۱۳۵۹	۴۳۳۷/۸	۷۸۷/۸
۱۳۶۰	۵۱۱۱/۷	۷۷۳/۹
۱۳۶۱	۶۳۵۰/۷	۱۲۳۹
۱۳۶۲ (تا آذرماه)	بیش از ۷۰۰۰	۱۶۴۹/۳
تا پایان سال ۱۳۶۲	بیش از ۸۰۰۰ (*)	

(\*) رقم ۸۰۰۰ میلیارد ریال را بانک مرکزی رژیم هنوز رسماً اعلام نکرده است

البته جدول آمار بانک مرکزی حجم نقدینگی تا آذرماه سال ۶۲ را نشان می‌دهد و طبیعی است که این افزایش با توجه به افزایش هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و بدنبال آن افزایش کسر بودجه، و بعد هم چاپ اسکناس حتی با نرخ افزایشی بیشتر تا پایان سال ۶۲ ادامه یافته باشد. بطوریکه نقدینگی در پایان سال ۶۲ از ۸۰۰۰ میلیارد ریال تجاوز می‌کند. این مسئله را در اسفند ماه گذشته، غلامحسین نادری یکی از نمایندگان مجلس ضدخلقی برملا کرده بود.

(کیهان ۵/اسفند/۶۲) باید دید که این افزایش نجومی حجم نقدینگی از کجا بدست آمده و به کجا سرازیر می‌شود. رژیم و عدم اطمینان به آینده، و از طرف دیگر بدلیل منفوریت رژیم و عدم اعتماد مردم به سیستم بانکداری آن، گسائیکه پول و سرمایه‌ای دارند، آنرا نزد خود و بصورت نقد و یا حداکثر در حساب‌های جاری نگهداری می‌کنند و کمتر و با امتناع پول خود را نزد بانک‌های رژیم و در سپرده‌های مدت‌دار، می‌سپارند. ۶ - مقدار اسکناس لازم برای هر جامعه که تورم‌زا نباشد از این فرمول بدست می‌آید: مقدار کالای موجود در جامعه =

شده است؟، مسئله‌ای که درخور توجه و بررسی است. دولت ضدخلقی خمینی با کمبود اعتبار برای هزینه‌های ضروری خود مواجه شده و بدلیل افلاس و ورشکستگی اقتصادی، منبع دیگری برای تامین آن نداشته و بطرز خائنانه‌ای اقدام به چاپ اسکناس بدون پشتوانه کرده و سپس طی فعل و انفعالات اقتصادی، آنها را هزینه کرده است. اما از آنجا که ارزش افزوده‌ای در جامعه ایجاد نشده و از طرفی تجارت و توزیع نیز در دست تجار وابسته به خمینی است، درواقع از ارزش پولی که در دست مردم است کاسته و در ازای آن هزینه کرده و پولش را

به جیب بخش تجاری وابسته بخود ریخته است. کم شدن ارزش پول در دست مردم نیز در روشن‌ترین شکل خود چنین عمل کرده است که: دستمزد و دارائی مردم ثابت مانده، اما چون قیمت‌ها بطرز سرسام‌آور و متناسب با افزایش نقدینگی، افزایش یافته، قدرت خریدشان بشدت پائین آمده است (۶) و فقر و محرومیت را بیش از پیش در میان اقشار و طبقات خلق افزوده است. ببینید یکی از اعضای مجلس ضدخلقی در این مورد چه می‌گوید: "در مورد نقدینگی باید عرض کنم، یکی از مشکلات عمده‌ی اقتصادی ما مساله‌ی بقیه در صفحه ۲۵

مقدار اسکناس x سرعت گردش پول در سال وقتی که بر مقدار اسکناس افزوده می‌گردد (با فرض ثابت ماندن سرعت گردش پول) در حالیکه مقدار کالای جامعه نه تنها تغییری نکرده، بلکه بشدت کاهش پیدا کرده، رابطه‌ی معادله‌ی بالا را بهم می‌زند، و برای برقراری تعادل جدید، که خواه ناخواه و با مکانیزم خودکار بوجود می‌آید - ارزش مقدار اسکناس جدید با ارزش مقدار اسکناس قبلی برابر می‌گردد. و چون حجم اسکناس بیشتر شده، ارزش پول پائین می‌آید.

## اخبار کوتاه

### "اقتصاد جنگی!"

هاشمی خائن وزیر صنایع رژیم: "برای اینکه بتوانیم در مقابل دشمنان خود استوار بایستیم باید اقتصاد خود را بصورت جنگی درآوریم نه یک اقتصاد متوسط و بدون تنش (!)" (کیهان - ۲۷/خرداد/۶۳)

نبوی خائن وزیر صنایع سنگین: "صنایع سنگین قابلیت این کار را داشته و دارند که مستقیم در خدمت اهداف جنگ قرار گیرند... کارخانه‌ها می‌بایست خط تولید خود را منطبق با اهداف جنگ قرار دهند تا بتوانند در خدمت جنگ باشند. خوشبختانه وزارت صنایع سنگین از ۳ یا ۳ ماه گذشته اقداماتی را شروع کرده است که امیدواریم نتایج مثبت داشته باشد." (کیهان - ۲۳/خرداد/۶۳)

### مسئله خلیج و مشکل هندوانه!

همانگونه که در شماره قبلی "مجاهد" آمده بود، ایادی رژیم در استان خوزستان از بارگیری و صدور محصولات هندوانه، کشاورزان به دیگر استان‌ها و شهرهای کشور جلوگیری بعمل آورده و کشاورزان را برای فروش ارزان قیمت محصولاتشان به دولت، جهت مصرف جبهه‌ها تحت فشار قرار داده‌اند. این امر خسارات فراوانی را متوجه کشاورزان این مناطق ساخته و علاوه بر آن باعث کمیابی و بالارفتن قیمت هندوانه (گاهی تا کیلوئی ۲۰ تومان) در تهران و شهرستان‌ها گردیده و نارضایتی‌های عمومی گسترده‌ای را نسبت به این اقدام دولت مزدور خمینی برانگیخته است. بدنبال همین اعتراضات بود که موسوی جنایتکار نخست‌وزیر رژیم، اخیراً طی مصاحبه‌ای گفت: "چطور است که به هنگام سخت‌ترین روزها و سرنوشت‌سازترین لحظاتی که ملت ما در مقابل توطئه‌های رنگارنگ در خلیج فارس و در مقابل حمله مستقیم آمریکا ایستاده است، مشکل هندوانه، گنار مسئله خلیج فارس مطرح می‌شود، آیا این مسئله بعد سیاسی ندارد، در پشت این حرکت‌های شوم حسابگری‌های دیگری هم وجود دارد... دولت، خدمتگزار شامت و می‌خواهد هم‌دلی کالاها به قیمت پائین در اختیار شما قرار بگیرد... چگونه می‌شود باور کرد که دولت برای ملت اشکال تراشی و تولید کمبود کند." (جمهوری - ۳۰/خرداد/۶۳)

### تلاش رژیم برای ساختن مین‌های دریائی

طرح ساختن مین‌های دریائی که از یکسال قبل بطور "سری" و با رمز "صدف" به کارخانجات صنایع نظامی ارائه شده بود، بدنبال تشنج آفرینی‌های اخیر رژیم در خلیج فارس، فعال گردیده و اخیراً یک نمونه از مین‌های ساخته شده، مورد آزمایش قرار گرفته که نتیجه آن موفقیت‌آمیز نبوده است. در همین رابطه، دستور پیگیری و کامل کردن این طرح از سوی سردمداران رژیم خمینی صادر شده است.

### "تبلیغ و ضدتبلیغ!"

خامن‌ای جنایتکار رئیس‌جمهور خمینی در دیدار با مسئولین "سازمان تبلیغات اسلامی": "باید سعی کنیم از تبدیل تبلیغ به ضدتبلیغ جلوگیری کنیم، زیرا این مسئله مسئله‌ای جدی است... گاهی تبلیغ به ضدتبلیغ تبدیل می‌شود و ما این را در تبلیغاتمان می‌بینیم، الان تبلیغات رادیو تلویزیون یک جاهائی قطعاً ضدتبلیغ است... می‌توان از امام سخنی را نقل کرد که این ضدتبلیغ امام باشد... افرادی را که شما از قم یا مشهد به روستاها، کارخانه‌ها و جبهه‌های جنگ اعزام می‌کنید باید بدانید که این مسئله مهمی است. اگر خدای نکرده اینها در آن محل‌ها حرکت زشتی انجام دهند، قطعاً تمام هدف‌های شما از اعزام آنها از بین خواهد رفت." (جمهوری - ۳/تیر/۶۳)

دارد، طی مصاحبه‌ای در "تشریح وظایف" سرکوبگرانه‌ی این گشت جدید گفته است: "شم منافق یابی بعضی از این گشت‌ها ممکن است باعث شود تا مثلاً زن و مردی را که داخل یک اتومبیل هستند، متوقف کنند!" (کیهان - ۲۴/خرداد/۶۳)

### تحویل ۴ فروند ناوچه جنگی از انگلستان

اخیراً رژیم خمینی کار تحویل ۴ فروند ناوچه جنگی که قرار داد آن در زمان شاه خائن منعقد گردیده بود را شروع کرده است. یکی از ۴ فروند ناوچه‌ی فوق‌الذکر هم‌اکنون در بندر "ناتینگهام" (Nottingham) توسط یک شرکت انگلیسی بنام "کلنسول کیمیکال کنتراکتور" (Clensol Chemical Contractor) در حال آماده شدن برای تحویل به رژیم می‌باشد و اخیراً چند نفر از مزدوران رژیم جهت تحویل آنها به انگلستان اعزام شده‌اند.

### تضادهای دامنه‌دار

### بین ایادی خمینی در شهرهای مختلف کشور

\* تضاد بین باندها و ایادی خمینی در شهرستان بابل بحدی بالا گرفته که اصلی‌ترین ارگان سرکوبگر رژیم را نیز دستخوش نضاد و تصفیه کرده است. در اثر درگیری و کشمکش‌هایی که از مدتها قبل بین دو جناح از مزدوران رژیم در سپاه ضدخلقی بابل در جریان بود، اخیراً ۳۰ تن از مزدوران سپاه، توسط جناح موسوم به حجتیه (که جناح غالب حاکم بر سپاه بابل را تشکیل می‌دهند) اخراج گردیده‌اند. لازم به توضیح است که سرکرده‌ی بسیج و سپاه ضدخلقی بابل از افراد باند موسوم به حجتیه بوده و از جانب آخوند روحانی، امام جمعه‌ی جنایتکار بابل و نماینده‌ی خمینی در استان مازندران حمایت می‌شوند.

علاوه بر این، بین سپاه ضدخلقی و دادگاه ضدانقلاب بابل نیز تضاد و کشمکش‌های فراوانی وجود دارد بطوریکه پاسداران دادگاه ضدانقلاب و کمیته‌های ضدخلقی بابل از شرکت در نمایش جمعه خودداری می‌کنند.

\* در بهبهان نیز ایادی خمینی به دو جناح تقسیم شده‌اند؛ حزب جمهوری به سردمداری آخوند "دعاوی" (سرپرست بنیاد شهید) در یک طرف و آخوند "مجتهدی" امام جمعه‌ی جنایتکار بهبهان در راس باند مقابل قرار دارد. تضاد بین این دو جناح به حدی است که نه تنها افراد باند دعاوی در نمایش جمعه شرکت نمی‌کنند بلکه در مواردی بین وابستگان این دو باند، درگیری و زدوخورد نیز پیش می‌آید.

این دسته‌بندی و باندبازی‌ها در بین سران سپاه هم وجود دارد. چندی پیش بر اثر همین تضادها، چند تن از عناصر سپاه از شغل خود استعفا کردند.

\* در شهرستان خوی تضاد بین باندهای مرتجع و مزدور خمینی بالا گرفته است. از حدود دو ماه پیش کشمکش بین "عباس محمدی" جنایتکار، رئیس کمیته‌ی ضدخلقی و دادگاه ضدانقلاب خوی با آخوند "معزی"، امام جمعه‌ی جنایتکار این شهر شدت یافته است؛ کار بجائی رسیده که عده‌ای از فالانزهای باصطلاح حزب‌اللهی به طرفداری از "معزی" به خیابان ریخته و شعار "مرگ بر شیطان عباس محمدی" می‌دهند. در این میان دادستان کل ضدانقلاب و کمیته‌ی ضدخلقی از عباس محمدی جانبداری کرده و سپاه ضدخلقی از آخوند معزی حمایت می‌کند. هم‌اکنون در اغلب نقاط شهر شعار "مرگ بر شیطان عباس" نوشته شده است.

### اخبار واحدهای عملیاتی

به نقل از اطلاعیه ستاد عملیات مجاهدین - تهران

در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه پنجم تیر ماه جاری، رزمندگان مجاهد خلق، یکی از اعضای بسیج ضدخلقی و از عناصر سرکوبگر و اختناق‌آفرین منطقه‌ی فرجام تهران، بنام کریم زهرهوند را در خیابان سراج، مورد شناسائی قرار داده و طی یک تهاجم انقلابی، وی را بشدت مجروح کردند. مزدور نامبرده از اعضای فعال بسیج ضدخلقی "مسجد آل محمد" بود که همراه با سایر برادرانش که آنان نیز از اعضای کمیته‌ی ضدخلقی و از عناصر جاسوس و سرکوبگر هستند در ایجاد جو رعب و وحشت و اختناق، نقش فعالی در منطقه‌ی فوق‌الذکر ایفا می‌کرد. رزمندگان واحد عملیاتی پس از انجام عملیات، سالم به پایگاه خویش بازگشتند.

### مقاومت انقلابی مسلحانه

### واظهار عجز رژیم خمینی

\* صلواتی خائن نماینده‌ی سابق مجلس ضدخلقی: "متأسفانه حسودان و دشمنان انقلاب (!) وضع دیگری را تحمیل کردند، محافظ و ماشین‌های ضدگلوله... که امید است این وضع ثابت نماند... در کنار دیگر برنامه‌ها که رفت و آمد امن باشد و خانه امن باشد و محل کار و... باز دیده‌ها و خدالعت کند تروریست‌ها (!) و آدم (!) کترهای منافق را که عجیب انتقامی از ملت (!) گرفتند."

\* اخیراً رئیس‌جمهور جنایتکار خمینی طی مصاحبه‌ای، در جواب باصطلاح خبرنگاری که از او سوال کرده است: "چگونه می‌توان با توطئه‌ها در ابعاد مختلف مبارزه کرد و طرح‌های منافقین را در این زمینه کاملاً بی‌اثر ساخت؟"، گفته است: "ما باید به یاد داشته باشیم که این انقلاب (بخوانید رژیم خمینی) دشمن دارد، دشمن و ضدانقلاب منصرف نشده‌اند و تا هر زمان دشمن هست، باید هوشیار بود." (کیهان - ۲۹/خرداد/۶۳)

### به‌دار آویختن یکی از

### اسرای مجاهد در همدان

در تاریخ ۲۰ اردیبهشت‌ماه سال جاری، یکی از اسرای مجاهد خلق بنام "رضا چگینی" که از فروردین‌ماه سال ۶۱ در اسارت مزدوران خمینی بسر می‌برد، پس از ۲ سال تحمل شکنجه و بارها انتقال به بیدادگاه‌های قم، در زندان همدان به‌دار آویخته شد. مزدوران رژیم ضدبشری خمینی او را همراه با ۷ قاچاقچی در تاریخ یادشده حلق‌آویز کردند، اما علیرغم اعلام نام ۷ قاچاقچی اعدام شده در مطبوعات جیره‌خوار رژیم (منجمله کیهان مورخ ۲۲/خرداد/۶۳)، کماکان از انتشار خبر شهادت این مجاهد دلیر خودداری نمودند. مجاهد شهید رضا چگینی یکی از اعضای فعال انجمن معلمان مسلمان همدان و دبیر دبیرستان‌های این شهرستان بود. از او سه فرزند خردسال بجای مانده است.

### گشت سرکوبگر جدید

در ادامه‌ی گسترش جو خفقان و سرکوب عمومی، اخیراً گشت تازه‌ای موسوم به "امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر" شروع بکار کرده و مزدوری بنام جواد الهی که سرپرستی اداری باصطلاح امر به معروف و نهی‌ازمنکر را بعهده

# محکومیت رژیم خمینی در کنفرانس بین المللی کار توسط نمایندگان سندیکاهای کارگری کشورهای مختلف جهان

○ نماینده سندیکاهای کارگری هلند :

"من تصور نمی کنم که این آقایان (نمایندگان خمینی) قادر به فهمیدن باشند، لذا نمی دانم از کجا شروع کنم، چه بگویم و چطور صحبت کنم، شکنجه و آدم کشی که رژیم این آقایان دائما بدان اشتغال دارد، بدتر از تبعیض در کار است . . ."

○ قسمتی از متن اطلاعیه رسمی کنفرانس بین المللی کار :

" . . . اجرای کنوانسیون ها و اصول مربوط به حقوق کار، طی سال گذشته تکامل پیدا کرده و به جلورفته اند ولی از جمله دو کشوری که در این رابطه عقب و قهقرا رفته اند، اول ایران و بعد ها نیتی است ."

## گزارشی از هفتادمین کنفرانس بین المللی کار

توضیح: "کنفرانس بین المللی کار" که بعنوان ارگان مقننه و کنترل "سازمان بین المللی کار" (I.L.O) می باشد، جلسات خود را سالانه در ژنو برگزار می کند. "سازمان بین المللی کار" (I.L.O) متشکل از نمایندگان کارگران و کارفرمایان و مقامات دولتی بیش از ۱۳۹ کشور است. علاوه بر تمام اینها هر ساله متخصصین امور کار از کشورهای گوناگون و نیز نمایندگان از جانب برخی سازمان های بین المللی بعنوان عضو ناظر در این کنفرانس شرکت دارند. این سازمان در سال ۱۹۱۹ تاسیس گردید و بعنوان یکی از سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد می باشد. سازمان بین المللی کار از زمان تاسیس خود، بیش از ۱۵۹ "کنوانسیون" و ۱۶۸ "سفارش" در زمینه امور مربوط به کار و کارگری تحت عنوان "اصول بین المللی کار" تهیه نموده است. از جمله اصول مذکور می توان از کنوانسیون های "لغو کار اجباری"، "عدم تبعیض در زمینه شغل" "استراحت هفتگی"، "پرداخت مزد

عادلانه"، "تساوی حقوق در مورد سوانح ناشی از کار" و . . . نام برد. تحت فشارهای بین المللی و جو حاکم بر کنفرانس بین المللی کار، رژیم شاه تعدادی از کنوانسیون های فوق را امضاء کرده بود که رژیم خمینی نیز التزام خود به آنها را تأیید نموده بود ولی همانند رژیم شاه تاکنون از هیچگونه ظلم و ستمی بر کارگران کوتاهی نکرده، بلکه آنرا مضاعف نیز نموده است. برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت تا بحال با ارسال نامه ها و مدارک مفصل برای رئیس سازمان بین المللی کار و همچنین بعضی از اعضای شورای اداری آن و بویژه روسای هیئت های نمایندگی در کنفرانس بین المللی کار، آنها را مرتباً در جریان وضع رقت بار کارگران ایران قرار داده و توجهشان را به ستم کاری ها و دروغ پردازی های خمینی جلب نموده اند که تا بحال گزارشات متعددی از آنها در نشریه ملاحظه کرده اید. اینک توجه شما را به گزارشی از هفتادمین کنفرانس بین المللی کار جلب می کنیم :

## پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به کنفرانس بین المللی کار

خانم رئیس،

بمناسبت هفتادمین کنفرانس بین المللی کار، ضمن آرزوی موفقیت برای کنفرانس، توجه شما و تمامی هیئت های نمایندگی کشورهای عضو را به تشدید شرایط رقت بار کارگران ایران جلب می نمایم.

از تاریخ پایان شصت و نهمین کنفرانس کار در ژوئن گذشته تاکنون، نقض حقوق کارگران در ایران و تجاوز به پیش پا افتاده ترین حقوق آنان، مرتباً ادامه داشته است.

رژیم حاکم بر ایران با پامال ساختن تمامی مزایا و دست آوردهای اجتماعی کارگران، و علاوه بر اعمال انواع تبعیضات شغلی و با دست آویز قرار دادن جنگ، دستمزد کارگران را تقلیل داده، و با اعزام اجباری کارگران به جبهه های جنگ، کار اجباری را بر آنها تحصیل می نماید. روز اول ماه گذشته، همه ی کارگران در ایران، بجای تعطیل مجبور به کار شدند و مزد این روز آنان تحت عنوان "هدایا" جهت ادامه ی جنگ، توسط عمال رژیم، بجزر اخذ گردید. این عمل در حالی صورت می گیرد که جنگ توسط خمینی "عطیه ی آسمانی" نامیده شده است و وسیله ی ادامه ی حاکمیت لیزان رژیم می باشد و حتی کمبودهای اقتصادی و گویایی شدن مواد غذایی و مواد اولیه بوسیله ی آن، توجیه می شود.

از سوی دیگر نقض شدید حقوق بشر در ایران، که قربانیان آن تمامی مردم ایران هستند، مورد گواهی تمامی سازمان های بین المللی است و بویژه در آخرین گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر و طی قطعنامه های صادره از این کمیسیون مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. نقض شدید حقوق بشر در ایران از سوی دیگر موجد این واقعیت است که هیئت نمایندگی اعزامی از سوی رژیم خمینی به کنفرانس بین المللی کار فاقد هرگونه صلاحیت و مشروعیتی برای نمایندگی است.

کارگران ایران که از حمایت هرگونه مقررات قانونی و پشتیبانی معاهدات بین المللی سازمان بین المللی کار - که رژیم ادعای پذیرش آنها دارد - محرومند، قربانیان اصلی این شرایط می باشند.

قتار و سرکوب کارگران توسط رژیم در سال گذشته باعث تظاهرات حق طلبانه و اعتصابات کارگری در سراسر کشور و از جمله در شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرمان و . . . گردید که بشدت مورد سرکوب قرار گرفت.

در میان ۴۰۰۰۰ تن شهیدا و حدود ۱۲۰۰۰۰ زندانیان سیاسی رژیم، هزاران کارگر وجود دارد. بدین ترتیب طبیعی است که بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت ایران، ارگانی که رهبری کننده ی مقاومت تمامی یک خلق است، درخواست نمایم که کنفرانس بین المللی کار، با توجه به بند دوم ماده ی ۱۷ مقررات خود، همه ی مساعی لازم را برای پایان دادن به شرایط گمنونی ایران بکار بندد.

با احترام و تشکر

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

رونوشت :

آقای فرانسیس بلانشارد مدیرکل دفتر بین المللی کار - آقایان رؤسای هیئت های نمایندگی دولت ها، سندیکاها و کارفرمایان کنفرانس بین المللی کار - مطبوعات

با آقای گورد موهر (Gerd Muhr) معاون "اتحادیه ی سندیکاهای سراسری آلمان"، کارل کهرمن (Karl Kehrmann) رئیس "اتحادیه ی سندیکاهای سراسری آلمان"، در هلند با آقای آری هوردیجک (Ary Hordijk) دبیر کل "فدراسیون سندیکاهای مسیحی"، در اسپانیا با آقای ژیم فرادس پرناس (Jai me Frades Pernas) عضو دبیرخانه ی امور سازمانی "اتحادیه ی عمومی کارگران اسپانیا، در هندوستان با آقای کانتی مهتا (Kanti Mehta) نماینده ی "اتحادیه ی کنگره ی سندیکاهای تجاری ملی" هند و . . . تماس گرفته شد.

در روزهای اول شروع کار کنفرانس، آقای دکتر کاظم رجوی نماینده ی شورای ملی مقاومت در سوئیس در کنفرانس حضور یافت و ضمن ملاقات و مذاکره با نمایندگان اغلب اتحادیه های کارگری در ژنو مدارک زیادی در مورد نقض کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی از جانب رژیم خمینی به آنها ارائه نمود بقیه در صفحه ی ۲۳

ناظر بر کنفرانس و مطبوعات ارسال شد. قبل از گشایش اجلاس فوق نیز اتحادیه ی انجمن های دانشجویان مسلمان فعالیت های گسترده ای را در کشورهای گوناگون جهان آغاز کرد، تا از طریق سندیکاهای کارگری کشورهای مختلف، موارد بیشمار نقض شدید حقوق کارگران ایران، در جلسات کنفرانس مطرح گردد.

از آنجمله در انگلستان با آقای گی رایدنر (Guy Rider) مسئول بخش بین المللی "کنگره ی اتحادیه ی کارگری"، در ایتالیا، آقای اسکار پلینی نماینده ی "اتحادیه ی کارگران ایتالیا" و آقای رافائل وانی (R. Vanni) دبیرکل "اتحادیه های کارگری ایتالیا"، در سوئد آقای اریک کارلسون (Erik Karlsson) دبیر امور بین المللی "اتحادیه ی سندیکاهای سوئد" و خانم کشتین گوستافسون (Kerstin Gustafsson) نماینده ی سازمان مرکزی کارمندان سوئد، در اتریش با آقای هربرت مایر (Heribert Maier) نماینده ی "اتحادیه ی سندیکاهای کارگری اتریش" در آلمان غربی

هفتادمین کنفرانس بین المللی کار که با شرکت ۱۸۵۰ نفر از نمایندگان ۱۳۹ کشور عضو سازمان بین المللی کار و با حضور بیش از ۲۰۰ نماینده از سازمان های بین المللی ناظر، در روز ۱۶ خرداد (ژوئن) در ژنو آغاز شده بود، در روز ۶ تیرماه (۲۷ ژوئن) به کار خود پایان داد. هنگام بازگشایی این کنفرانس برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت طی نامه ای به رئیس کنفرانس بین المللی کار، موارد نقض و تجاوز مستمر به حقوق کارگران را متذکر گردیده و مخصوصاً به وجود هزاران کارگر در میان ۴۰/۰۰۰ شهید و ۱۲۰/۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران اشاره کرده بود. این پیام در ۴۰۰ نسخه به زبان های رسمی سازمان ملل متحد، برای رئیس کنفرانس و مدیر کل دفتر بین المللی کار و نیز کلیه ی رؤسای هیئت های نمایندگی کنفرانس مذکور اعم از روسای سندیکاها، کارفرمایان و نمایندگان دولت ها و همچنین روسای دوستان سازمان غیردولتی

## وصیت نامه‌ها...!

از: اسماعیل وفا- یغمانی

توضیح:

خواندن وصایای مجاهدین شهید در شماره‌ی ۲۰۸ نشریه‌ی مجاهد، بی‌اختیار ذهن را متوجه روزهای پیش از ۳۰ خرداد ۶۰ و آغاز اوجگیری جنایات خمینی و همچنین اولین روزها و هفته‌های پس از ۳۰ خرداد می‌کند؛ روزهایی که سرشار از خاطرات تلخ و شیرین نسلی است که پس از آنکه تنها راه‌رهای خلق خویش را در نبرد انقلابی مسلحانه یافت، هرگز درنگ روا نداشت و با تمامیت هستی سازمانی و تشکیلاتی خود با رژیم ضدبشری خمینی جنگ در چنگ شد. گوشه‌ای از این خاطرات نیز تصویرگر لحظاتی نوشتن وصایای مجاهدینی است که می‌رفتند تا پس از نوشتن واپسین پیام، هستی خویش را در راه خلق فدا سازند و خاطره‌ی زیر نمونه‌ای از این خاطرات است:

زمان: ۲۷/۲۷/۶۰ خرداد  
مکان: خیابان انقلاب - بالاتراز پارک دانشجو - ساختمان شرکت آجر سفالین - طبقه‌ی ششم، شرکت اودتو الکترونیک (فرید) یکی از پایگاه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران

... رضا (\* که وارد شد. تقریباً همدی بچه‌ها آمده بودند و پشت میز بزرگ شرکت، انتظار می‌کشیدند. با آمدن او لحظه‌ای همه‌مهم فروکش کرد. و "رضا" خندید و با اشاره به "علیبور" که در جای مخصوص رئیس شرکت نشسته بود، گفت:

"عجب دنیائی شده... مستخدم شرکت نشسته جای رئیس! و کسی هم اعتراض نمی‌کنه."

"علیبور" که مدت‌ها در شرکت نقش مستخدم را بعهده داشت، خندید و جواب داد:

"ظاهراً دیگه ماموریت من هم داره تموم میشه! این روزها اوضاع نشون می‌ده که دوباره باید آواره شد."

و با دست اشاره به خیابان کرد که لبریز از فریاد بود.

"رضا" چیزی نگفت و نشست و من که آنروز طبق معمول کارگر بودم برای آوردن چای، آنها را شردم و نگاهم روی چهره‌هایشان چرخید... "فریدون"...

"صادق"، "مرتضی"، "مهران"، "سید"، "جعفر"، "محمود"، "مجید"، "حسین" و... جمعا ۱۹ نفر بودیم. سینی چای را برداشتم و بطرف آشپزخانه راه افتادم و پس از ریختن چای برگشتم. از بیرون هنوز صدای شاره می‌آمد. کنار پنجره‌ی بزرگ مشرف به خیابان که رسیدم بی‌اختیار ایستادم و بیرون را نگاه کردم در مقابلم و در آنسوی خیابان، دبیرستان مثل روزهای قبل سوت و کور و خالی

بود و در پائین، در مقابل شرکت و داخل پیاده‌روها و خیابان، مردم دسته‌دسته ایستاده بودند و هر چند لحظه یکبار، با هجوم پاسدارها و چماق بدست‌های رژیم به اینسو و آنسو کشیده می‌شدند ولی دوباره جمع می‌شدند و فریادشان اوج می‌گرفت. برای یک لحظه در پائین چیزی اتفاق افتاد که مجبور شدم سرم را از پنجره بیرون کنم، آن پائین، در وسط خیابان، چماقداران خمینی، مرد سی، چهل ساله‌ای را احاطه کرده و تمام لباس‌هایش را دریدند و او را تقریباً نیمه‌عریان در زیر ضربات چماق از پای درآوردند و چند لحظه بعد، زنی که سعی می‌کرد چادرش را برای پوشانیدن بدن عریان مرد، به روی او بپاندازد، در اثر ضربات چماق به سرنوشت او دچار شد و بیهوش به زمین افتاد.

"چه خبره مات و ایسادی؟ چائی یخ کرد."

صدای "صادق"، مرا از خرد بیرون آورد. بطرف بچه‌ها راه افتادم و سینی چای را روی میز گذاشتم و نشستم و دوباره نگاهم روی بچه‌ها چرخید. روی چهره‌ی "حسین" که مثل همیشه با آرامش به سیگار "های" فیلتردارش پک می‌زد، روی چهره‌ی "محمود" که از شدت کار و خستگی و دوندگی‌های روزمره، رنگ پریده‌اش از همیشه پریده‌تر به نظر می‌رسید و لب‌های نازکش خشک شده بود و روی چهره‌ی شاد و لاغر "محسن زیراکس" که از همدی ما جوان‌تر بود و چند وقت دیگر قرار بود عروسی‌اش سر بگیرد و روی چهره‌ی بقیه‌ی بچه‌ها که آرام و منتظر نشسته بودند.

\* \* \*

"رضا" که شروع کرد همه چیز روشن شد، در یک آن...

از مدت‌ها پیش روال قضایای روزمره بگونه‌ای بود که حس می‌کردیم خبری خواهد شد، کسی خواهد آمد! و خواهد گفت... "بچه‌ها دیگه تمام شد، کمربندها را ببندید، باید خرخره‌ی خمینی را چسبید" ولی هرگز فکر نمی‌کردیم سازمان به این تیزی بخواهد خود را درگرده‌ی رژیم بنشاند، ولی وقتی "رضا" گفت "بایست وصیت‌نامه‌هایمان را بنویسیم، همین امروز و حداکثر تا شب"، معلوم شد که قضیه جدی‌تر از اینهاست.

"مهران" پرسید:

"یعنی سازمان می‌خواهد جنگو شروع کنه؟!"

"رضا" استکان چایش را روی میز گذاشت و گفت:

"وقتی خمینی شروع کرد، ما بایست عقب بیفتیم، ... حالا معلوم میشه، یعنی ۳۰ خرداد همه چیز روشن می‌کنه. خوب ... تا حالا ما را می‌گشت ... فکر می‌کنم از اول سقوط شاه تا حالا حدود چهل، پنجاه‌تائی سر بریده باشد، ولی این گشتارها مراحل کمی خودش رو طی کرده، از این گذشته، این خشم و خروش روزافزون با گشتار کم خاموش نمیشه؛ خمینی بایست برای خفه کردن این صدا - با دست به بیرون اشاره کرد - باید لوله‌ی مسلسلش را به طرف مردم بگیره، چون این مردمی رو که سازمان به حرکت درآورده، باید بقول او (خمینی) خفقان بگیرند که نمی‌گیرند پس باید خفه‌شان کرد و اون مرحله خیلی نزدیک شده خیلی نزدیک و برای همین باید آماده بود و آمادگی مراحل داره، آماده‌باش، تحلیل شرایط، عقب نیفتادن، تدارک ابزار کار و از بعد دیگه قضیه..."

"رضا" لحظه‌ای سکوت کرد و خودگارش را در دست چرخاند و چیزی یادداشت کرد و درحالیکه خطوط چهره‌اش سخت‌تر از قبل بنظر می‌رسید، گفت:

"باید وصیت‌نامه‌ها زونوشت، ... همه‌مان از صدر تا ذیل بایست وصیت‌نامه‌مون بنویسیم."

"محسن زیراکس" با سرخوشی خندید و گفت:

"ای بابا... یعنی بایست رفت ما تازه داشتیم دنبال خانه می‌گشتیم که..."

بچه‌ها خندیدند و "رضا" گفت:

"نه... ما رفتنی نیستیم وقتی پیشتاز وصیت‌نامه‌اش را می‌نویسه معنی آن رفتن طرف مقابلست، یعنی ضدخلق، یعنی رگ و پوست کنده اینکه پیشتاز کوتاه نخواهد آمد و "زه" نخواهد زد، مثل حزب توده در ۲۸ مرداد؛ مثل این‌هائی که دو روز پیش اعلام راهپیمائی کردند و در مقابل یک زوزه‌ی خمینی جا زدند؛ یعنی اینکه اگر خمینی بطرف مردم شلیک کند، خرخره‌اش را خواهیم فشرد و تا آخرین نفر و تا آخرین نفس خواهیم جنگید، معنی وصیت‌نامه نوشتن در این شرایط یعنی سلامت ایدئولوژیکی، استراتژیکی و سیاسی سازمان پیشتاز و کارائی بازوی آهنین انقلاب که در صورت لزوم، هیچ درنگ و دریغی در پا گذاشتن به میدان نبرد مسلحانه نخواهد کرد. معنی وصیت‌نامه‌های ما این است..."

داشتم حرف‌های "رضا" را دانه‌دانه در ذهنم می‌چرخاندم و لذت می‌بردم که پایان نشست، اعلام شد و بچه‌ها پراکنده شدند و هر یک بدنبال قلم و کاغذ و گوشه‌ای دنج برای نوشتن وصیت‌نامه‌ها. "رضا" هم بطرف ضبط صوت گوشه‌ی اتاق راه افتاد و آنرا روشن کرد و صدایش را کم کرد تا آخرین سرودی را که کار ضبط آن، آنروزها تازه تمام شده بود، گوش کند و لحظه‌ای بعد لبخند زد و صدای سرود بلند شد

تاریخ بتاز بتاز بتاز  
برقله‌ی سحرگهان  
شب را بسوز بسوز بسوز  
خون شعله‌ی ستمکشان  
سرود که تمام شد، "رضا" پرسید: "اون یکی سرود چی شد، دنیای نوین". گفتم: "بچه‌ها گفتند کار را متوقف کنیم. این روزها یکمرتبه دیدی ریختند به محل ضبط و خواننده و نوازنده را گرفتند و بردند."

رضا لحظه‌ای در فکر فرو رفت و گفت:

"مهم نیست بزودی ضبط‌اش می‌کنیم. شاید هم روزی که دنیای گهنه را ویران کرده نوین باشیم، این سرود ضبط شود. خدا را چی دیدی!"

چیزی نگفتم و برای نوشتن وصیت‌نامه کاغذی برداشتم و به اتاق "نوار" رفتم. قبل از من "صادق" به آنجا رفته بود و گرم نوشتن بود. وارد که شدم نیم نگاهی به من انداختم و آرام خندید و گفت:

"بشین بنویس که پیش‌بینی‌ات غلط از آب درآید. تو گفته بودی خمینی از مرداد ماه به بعد دست به گشتار می‌زنه ولی مثل اینکه می‌خواهد زودتر شروع

کنه! چیزی نگفتم و مشغول نوشتن شدم و دو ساعت بعد یکی از بچه‌ها وصیت‌نامه‌ها را با خود برد تا در جائی امن از آنها نگهداری شود.

\* \* \*

۳۰ خرداد ... حوالی ساعت ۴، ۵ بعدازظهر، مردم را به رگبار بستند و کشتند. درست مثل زمان شاه و حتی بدتر از آن و درست چهار روز بعد، عباس با ۲ گونی به خانه آمد. کرکره‌ها را کشید. از بسته بودن در مطمئن شد و بعد سلاح‌ها را بیرون آورد. مسلسل، کلت ۴۵، دو قبضه لامای ۳۸ و چند نارنجک.

"فریدون" کلت ۴۵ را برداشت و آنرا در دست‌هایش سبک و سنگین کرد و گفت:

"عجب چیزیه! از کجا آورده...؟"

عباس خندید و گفت:

"از جائی که وصیت‌نامه‌ها رفته!"

فریدون خشاب سلاح را بیرون آورد و درحالیکه آنرا بر می‌گرد گفت:

"ای بی‌پدر مادر ... خمینی ... چقدر زور زد تا اینها را از دست ما دربیاره و بعد راحت سرمان را ببره ولی نتونست."

آنشب تا نیمه‌های شب نشستیم و برای سلاح‌های کمتری با چرم، جلد دوختیم و کمربندهامان را آماده کردیم و صبح سختی فلز سلاح بر روی بدنمان، همه چیز را به ما یادآوری کرد و شب بعد، هنگامی که "محمود" با تیم تحت مسئولیتش به خانه آمد و مسئولیت افرادش را مشخص کرد، دیگر غرش مسلسل‌ها در شهر بلند شده بود. آنشب، آخر شب از طبقه‌ی فوقانی به پائین آمدم. بچه‌ها همه خوابیده بودند و تنها نگهبان از پشت کرکره‌ها بیرون را می‌نگریست. در نور چراغ خواب، آنها را و سلاح‌هایشان را که مرتب و آماده در گوشه‌ی اتاق و روی میز چیده شده بود و پرتو ضعیف چراغ منظره‌ی شگفتی را بوجود آورده بود، نگریستم. اگر نقاش بودم مطمئناً می‌نشستم و تا صبح این صحنه را نقاشی می‌کردم - منظره‌ی بچه‌هایی را که آرام در خواب بودند و منظره‌ی سلاح‌های آنها را در پرتو ضعیف چراغ و نگهبانی را که در پشت کرکره‌ها به مسلسلش تکیه داده بود و بیرون را می‌پائید - اگر نقاش بودم پاورقی‌ها:

\* \* \* برادر مجاهد "مسعود عدل"



## سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی

## از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های

## رژیم ضدبشری خمینی

گزارش دوم (زندان مشهد - قسمت هفتم)

گزارشی فشرده در باره بخش سیاسی سپاه ضد خلقی در مشهد در رابطه با زندانیان سیاسی و نیروهای انقلابی

## یک توضیح

## و یک تصحیح ضروری

در بخش ۲۱ سلسله گزارشات زندان و زندانی، از تجدید سازماندهی بخش سیاسی سپاه ضد خلقی در اواخر سال ۶۰ یاد کردیم، با توجه به اهمیت ویژه و عملکردهای این بخش در رابطه با زندانیان سیاسی و همچنین نیروهای انقلابی مجاهد و مبارز خارج از زندان لازم است که در همین جا و برای آگاهی بیشتر شما (و بویژه نیروهای انقلابی و رزمنده) صفحاتی چند از برخی اسناد و مدارکی را که در دست ماست، در برابر شما بگشاییم؛ باشد که باز هم بیشتر بتوانید فداکاری‌ها و دلاوری‌های نسل انقلابی این میهن را در مقابله با دستگاه جهنمی سرکوب و کشتار خمینی و برای نیل به آزادی دریابید. این گزارش با استفاده از ۵ گزارش داخلی و همچنین از گزارشات و اخباری که اخیراً برخی از هموطنان و سایر نیروهای رزمنده در اختیار ما گذاشته‌اند تنظیم شده است.

نکته‌ی دیگر اینکه، در پاورقی تشریحی مجاهد شماره‌ی ۲۰۱ در طی سلسله گزارشات زندان و زندانی، نام تعدادی از مزدوران رژیم در زندان مشهد ذکر شده و با ذکر صفت "بربری" برای آنان (وضعیت ظاهری قیافه‌ی آنها مثلاً مورب بودن چشم و...) سعی در ترسیم چهره‌ی آنها شده بود. این توضیح موجب شد که یکی از خوانندگان نشریه بنام "محمدسه" با انتقادی بجا و درست، اشکال انتساب این صفت را به شکنجه‌گران یادآوری کند؛ زیرا ظاهراً از آن پاورقی توضیحی چنین برمی‌آید که گویا تمامی کسانی که به "بربری" مشهورند جزو مزدوران خمینی هستند در صورتیکه این واژه به مردمی اطلاق می‌شود که در بخش‌های شمالی خراسان و در نزدیک مرزهای افغانستان و شوروی بصورت ایلی زندگی کرده و به دامداری و کشاورزی می‌پردازند

و تحت فشار و انواع ظلم‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی قرار دارند و یکی از موارد ستم‌های اجتماعی و فرهنگی نیز اطلاق عنوان "بربری" به آنان است که در طول زمان به دلایلی بدل به "خاوری" شده است و تعداد زیادی از همین مردم نیز در زمره‌ی هواداران نیروهای انقلابی و بویژه سازمان مجاهدین خلق ایران هستند و تاکنون با حمایت‌های بسیار از انقلابیون و تقدیم شهدائی، همگام با سایر اصناف و طبقات خلق، نفرت و خشم خود را از خمینی پلید و موضع انقلابی خود را در مقابل این رژیم به اثبات رسانیده‌اند (از جمله خانواده‌ی مجاهد شهید "رضا شایسته" که خود از همین طایفه یعنی "بربری" یا "خاوری" می‌باشد.) به عبارت دیگر عنوان "بربری" یا "خاوری" به عموم این مردم اطلاق می‌شود و نه بطور خاص به معدودی از آنها که در صف مزدوران خمینی به خیانت به خلق مشغولند. به هر حال با پوزش از نحوه‌ی نگارش که مطلب را مشتبه نموده و با تشکر از توضیح با ارزش خواننده‌ی گرامی "محمد سه"، امیدواریم اشکال فوق‌الذکر رفع شده باشد.

## بخش سیاسی سپاه!

## و علت تجدید سازماندهی

... بخش سیاسی سپاه پاسداران (۱) خمینی در مشهد اگرچه در فاز سیاسی و پس از جنگ انداختن رژیم بر تمامی ارگان‌های حکومتی بوجود آمد ولی فعالیت ویژه‌ی خود را پس از اوجگیری فعالیت‌های نیروهای انقلابی و بویژه سازمان مجاهدین خلق ایران در مشهد آغاز کرد. در فاز سیاسی شناسائی نیروهای سیاسی، بهم زدن مجامع و سخنرانی‌ها، حمله به ستادها، اجیرکردن اوباش و لمپن‌ها و دستگیری‌های خیابانی و جنایاتی از این قبیل را که گاه به شهادت انقلابیون (نظیر شهادت مجاهد خلق شکرالله مشکین‌فام) نیز منجر می‌شد، وجهی همت خود

فعالیت می‌کردند، در مدارهای مختلف این بخش از سپاه ضد خلقی تجدید سازماندهی شده و کارهای خود را با آن هماهنگ کردند.

## فعالیت‌های بخش سیاسی

## سپاه ضد خلقی

## در رابطه با زندانها

فعالیت‌های بخش سیاسی سپاه ضد خلقی را در مشهد و در رابطه با زندان‌ها می‌توان در محورهای زیر نشان داد:

۱ - اعمال شکنجه‌ی مداوم و ویژه ۲ - سردواندن دستگیرشدگان بطور سیستماتیک ۳ - تشکیل تیم‌های جاسوسی در داخل زندان‌ها برای کشف ارتباطات زندانیان ۴ - دادن تحلیل‌های غلط و پخش اخبار دروغ بنام سازمان‌های انقلابی و از کانال‌های غیرمستقیم در داخل زندان‌ها ۵ - ایجاد تیم‌های ویژه برای کار با اصطلاح ایدئولوژیک - سیاسی در داخل زندان‌ها - برنامه‌انداختن کاربنال‌های نماز جماعت و نوحه‌خوانی و سینمزی و برپائی شوهای تلویزیونی ۷ - تعلیم و تربیت بازجو و شکنجه‌گر

در مورد محورهای فوق اگرچه در گزارش اول "زندان و زندانی"، اشاراتی شده است ولی باز هم برای روشن شدن بیشتر موضوع، لازمست در این زمینه توضیحاتی داده شود. مثلاً در مورد شکنجه در زندان، اگرچه تا قبل از تجدید سازماندهی سپاه در مشهد نیز شکنجه‌های وحشیانه رواج داشت؛ ولی بعد از تجدید سازماندهی، چنان اوجی یافت که با قبل به هیچ وجه قابل مقایسه نبود. بطور خاص شکنجه‌ی ۵۱ نفری که در بهمن سال ۶۰ به شکنجه‌گاهها انتقال پاورقی:

۱ - طبعاً در این نوشته هرگاه از بخش سیاسی سپاه پاسداران در مشهد نام برده می‌شود، منظور قسمت و شبکه‌ای است که مستقیماً در رابطه با زندانیان و سرکوب جنبش در

قرار داده بود و پس از شروع فاز نظامی (پس از ۳۰ خرداد ۶۰)، بطور ویژه نیروی خود را در رابطه با تعلیم و سازماندهی بازجویان و شکنجه‌گران، آموزش تیم‌های گشت و شناسائی و شکار، دستگیری هواداران و اعمال فشار بر زندانیان و تشکیل خانه‌های امن و شکنجه‌گاههای ویژه بکار گرفت ولی با همی این‌ها موفقیت چندانی در پیشبرد اهداف ارتجاع در مشهد و بطور کلی استان خراسان به دست نیاورد. زیرا اولاً - از لحاظ بیرونی آتش نبرد و مقاومت خاموشی نپذیرفت و ثانیاً - از لحاظ درونی (یعنی زندان‌ها) جو مقاومت در هم نشکست و کشتارهای وحشیانه‌ی سال ۶۰ هم نتوانست وضع را به نفع دژخیمان تغییر دهد.

بنابراین با دستورات موکد سردمداران ارتجاع در تهران و زیر نظر نماینده‌ی خمینی جنایتکار "طیسی" و بوسیله‌ی عناصر بالای سپاه ضد خلقی، "بخش سیاسی سپاه" تجدید سازماندهی شد و برای سرکوب و جنایت و خونریزی و اعمال هر چه بیشتر رذالت و فشار آماده گشت و در این رابطه در ابتدای کار یک اکیب از زبده‌ترین بازجویان و شکنجه‌گران از کرمانشاه (گروه پنج نفره‌ی حاج ابوتراب و حاج بهرام که در شماره‌های قبل از آنها یاد شد) به مشهد منتقل شدند و همراه با آنان تعدادی از عناصر ویژه‌ی سپاه برای تعلیم کادرها و سازماندهی بخش سیاسی، از تهران به مشهد آمدند. پس از مدتی با آماده شدن چند شکنجه‌گاه جدید و تعدادی خانه‌ی امن و گرفتن اختیارات بی حد و مرز از شخص خمینی ضد بشر (در شکنجه و تجاوز و قتل در زیر شکنجه و هرگونه رذالتی که به تصور آید) شروع به کار کردند. نکته‌ی قابل توجه اینکه پس از تجدید سازماندهی این بخش از سپاه، سایر بازجویان و شکنجه‌گران ریز و درشت مشهد و دیگر شهرهای استان که تاکنون بطور پراکنده

داده شدند، صد روز مداوم ادامه یافت؛ تعداد ضربات شلاق آنچنان در طول شکنجه افزایش یافت که کسانی چون مجاهدین شهید "داریوش آذرنگ" و "فریدون کیانی" نزدیک به پنج هزار ضربه شلاق را در طول شکنجه طی روزها و ماههای متوالی تحمل کردند و طبق یک گزارش تاکنون بیش از ۵۰ تن در زیر شکنجه‌های جلادان گروه حاج ابوتراب و حاج بهرام به شهادت رسیده‌اند و رژیم پلید خمینی یا نام آنان را فاش نکرده و یا بعنوان تیرباران شده اعلام کرده است. افراد گروه "حاج ابوتراب"، در بین دژخیمان به گروه "تصفیه" نیز معروفند؛ بطوریکه در هر زندان پس از ورود، بلافاصله با انتخاب برخی از افراد و کشتن آنان در زیر شکنجه، تصفیهای خونین راه می‌اندازند و بقول خودشان جو زندان را "سالم" می‌کنند. در سال ۶۱ یکبار به جرم خواندن سرود، تعدادی از زندانیان را به شکنجه‌گاه کشانیده و روز بعد پیکرهای نیمه‌جان و بعضاً بیجان آنانرا به جوخه‌های آتش خمینی سپردند. این گروه بعلت تبخیر خود در کشتار و شکنجه به "تربیت" کادر و شکنجه‌گر نیز می‌پردازند. از جمله شکنجه‌گرانی که تحت نظر این افراد تعلیم دیده و به مدارهای برتری ارتقاء یافته‌اند، می‌توان از جنایتکارانی نظیر "مرتضی ناظمی"، "مجید صمدی" و "محمد انداز" نام برد که تحت نظر گروه "حاج ابوتراب" تعلیم دیده و در زندان‌های شهربانی و سپاه بکار پرداختند و پس از مدتی نیز بعنوان شکنجه‌گران سیار در شهرهای همدان و زاهدان و چند شهر دیگر به فعالیت‌های خود ادامه داده و می‌دهند.

## فعالیت‌های بخش سیاسی

## سپاه ضد خلقی در رابطه با

## خارج از زندانها

فعالیت‌های بخش سیاسی سپاه ضد خلقی پاسداران را در مشهد در رابطه با خارج از زندان‌ها و نیروهای رزمنده‌ی خارج از زندان می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱ - تشکیل تیم‌های نفوذ و شناسائی، برای نفوذ در داخل

بقیه در صفحه‌ی ۲۱ خارج از زندان فعالیت می‌کند و گروه بخش سیاسی سپاه در جهات مختلف و با ارگان‌های مختلف خود بطور دائم در حفظ و حراست از تاج و تخت سفیانی جلاد خون آشام جماران به فعالیت‌های گوناگون مشغولست.



## سروده‌های مقاومت

## پرواز

بر یکایک زخم‌های عمیقش  
با حوصلای وافر  
مرهم خواهم گذاشت  
نبضش را خواهم گرفت  
و لمس خواهم کرد  
زندگی هنوز در آن  
آهسته و صبور  
دارکوب وار بر پوسته‌ی زمخت نیستی  
نوگ می‌زند  
پیراهنش را خواهم بوئید  
به مشت خواهم فشرد  
رشته‌ای از اشک و آه و خون  
به زمین فرو خواهد چکید .  
خواهمش گفت :  
آرزوی دیرین !  
فصل رقص بهائیم است  
و جناغ‌های جوان  
هیزم مطبخ عشرتگده‌هاست  
دیربست که دروازه را بسته‌اند  
دریچه‌ها را دیرگدایست که می‌پائیدیم .  
گزمه‌ها هر تنگه را فرو بسته‌اند  
بر پشت بام‌ها به گمین ایستاده‌اند  
خانه‌ها را گشته‌اند

## از: آرش

تقدیم : به آنان که بخاطر آزادی رفتند و  
برای آزادی مانده‌اند .

زیرزمین‌ها را جسته‌اند  
.....  
چگونه آمدی !؟  
با چشمانی درخشان خواهد نگرست  
خواهد نشست  
و لبخندی چاشنی کلام شیرینش :  
اگرچه راه را بسته‌اند  
اگرچه هر گجا را گشته‌اند  
اگرچه سایه‌ی خشونت و مرگ را  
در هر خانه و گاشانه  
گسترده‌اند  
لیکن آزادی را بال‌های بلندبست  
به بلندای سینه‌ی زمین  
تا اریکه‌ی آسمان  
و پروازی آنچنان  
که هیچ خس گردن‌فرازی را  
یارای آویختنش نیست  
و من پرواز می‌کنم  
پرواز می‌کنم  
آری ، پرواز می‌کنم .

اردیبهشت ۶۳

## پیروز باد ارتش موسای انقلاب (ب - ع) فریدون

زنگ سعادتست ره (۱) نای انقلاب  
دنیا مباد خالی از آوای انقلاب  
تا ریشه‌کن شود ز جهان پای جهل و جور  
یا رب تو باش و دست توانای انقلاب  
بنگر تو خلق را که بهر لحظه می‌رود  
چون گهکشان به تارک دنیای انقلاب  
جوشیده آب زندگی از چشمه‌ی "حنیف"  
در سرزمین ملت پویای انقلاب  
هر جا که می‌روی سخن از فتح و جنبش است  
هر خانه بنگری شده ماوای انقلاب  
دیشب ز بام دهکده برخاست غرشی  
کز ما درود باد به اینای انقلاب  
مانند "شاه" سفله ترا "شیخ" مرتجع  
از ریشه می‌کنیم ز صحرای انقلاب  
"چوپان" به نای خویش هماواز برزگر  
اینسان نواخت نغمه‌ی زیبای انقلاب  
هر چند شهرودهکده ویران نموده "شیخ"  
آباد می‌کنیم به فردای انقلاب  
در آفتاب بیوه‌زن "خوشه چین" سرود  
محفوظ باد کودکم ، در سای (۲) انقلاب  
آواز "دشتبان" زیگی تپه شد بلند  
اینک بیا که چشم من و پای انقلاب  
شب مادرم چو شمع بیفروخت بانگ زد  
تاریک باد خانه‌ی اعدای انقلاب  
من با "فنگ" و "بیل" و "قلم" جار می‌زنم  
جانم فدای ملت جویای انقلاب  
نابود باد دولت "فرعون" ارتجاع  
پیروز باد ارتش "موسای" انقلاب

پاورقی : ۱- ره : نغمه و آهنگ ۲- سای : سایه

## بعد از آن قیام ، باز هم قیام

بعد از آن قیام باشکوه  
بعد از آن همه شکنجه‌ها  
بعد از آن همه سرشک و خون  
بعد از آن همه شهید !  
تیرگی ز بعد تیرگی ز بعد تیرگی رسید  
شب ز بعد شب بجای آفتاب شد پدید  
شب بجای شب .  
نه !  
ولی سر سکوت نیست پیشتاز را  
ز این زمان دگر  
دست ما و آتشی مهیب و پرشرر .  
آه ! بنگرش  
روح یاس و نفرت و سیاهی و هراس را  
شیخگی که چیزی نمونده  
تا به ادعا خدا شود  
آه !  
نه چه می‌سرایم - چونکه او

## از: ناصر

چیزی نمونده  
تا که از خدا فراتر از فرا شود .  
نه !  
ولی سر سکوت نیست پیشتاز را  
ز این زمان دگر  
دست ما و آتشی مهیب و پرشرر  
بعد از این  
بعد از این  
بعد از این  
انفجار  
انفجار  
انفجار ،  
در مسیر تازیانه ، بر فراز دار  
بعد از آن قیام  
باز هم قیام در قیام  
با سرود سرخ انتقام  
پشت هر دریچه ،

در کنار هر در و فراز بام ، صبح تا به شام .

\* \* \*

خلق  
خلق مانده است خشمگین در انتظار  
تو بسوز  
تو برزم  
تو به پیش تاز پیشتاز  
تو بخوان به هر گرانه عاشقانه با سرود انفجار  
غرش قیام را  
تا که دست سهمگین انتقام خلق برشود  
تا که بعد از آن همه شکنجه‌ها  
بعد از آن قیام باشکوه  
بعد از آن همه سرشک و خون  
بعد از آن همه شهید  
این شب سیاه  
که به تن کشیده خرقه و عبا  
در مسیر شعله‌های سهمگین خون و آتش  
مسلسل "مجاهدین خلق"  
جاودانه سوزد و سحر شود

## تقویم مجاهد

تقویم هفته: ۱۴ تا ۲۰ تیر ماه

- \* ۱۴ تیر (۱۳۶۰): شهادت تعدادی از اسرای مجاهد و مبارز از جمله مجاهدین خلق: رشید آل قلعهای - محسن ابراهیمی - طهمورت حسینی و حسین صدقیان لو (تهران)، حسن دهقان نژاد (ساری)، حسن ولی پور، مسعود برزورگی (شیراز)
- \* ۱۴ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: علی عتیقی و مهدی برجسته در همدان و گاشمر
- \* ۱۵ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: حیدر حسین دوست - محمدرضا سریع الاطلاق - عادل غفارپور - فرزانه عطا و علی اصغر نوری (تهران)، ابوالقاسم صراحتی (قائمشهر)، سیروس خوشبویی (شیراز)، سروش باغوند (ساری) و ...
- \* ۱۵ تیر (۱۳۶۲): شهادت مجاهدین خلق: اصغر اسفندیاری - حسین علی امین زاده - محبوبه جدی و مصطفی جمالی (شیراز)، فرهاد خمسه‌ای، هومان سخنور (تهران)
- \* ۱۶ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: حشمت‌الله باغبانی آرناسی (تهران)، عباس روحانی زاده - ذبیح‌الله قبادی و علی‌اکبر منتظری (قائمشهر)، محمد ریزوندی و کریم حسینی (باختران)، ناصر لطفی زاده (اصفهان) و ...
- \* ۱۷ تیر (۱۳۵۹): شهادت گارگر مجاهد قدرت‌الله زاهدی توسط اوپاش مسلح و پاسداران ارتجاع در آمل
- \* ۱۷ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهد خلق: محمدتقی ساکن در زندان قائمشهر و محمدعلی شگراوی در تهران
- \* ۱۷ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: محمد آتش جامه - ترانه اسماعیل نژاد ذبیحی - فریبا بطحائی - صادق جواهر کلام - ناصر حافظی - نادر رحمان فر - عبدالکریم سیلابی عرب - پریچهر عصاره (خوزستان) و شهرام شاه‌آبادی (بجنورد)
- \* ۱۷ تیر (۱۳۶۲): شهادت مجاهدین خلق: مسعود معدلی و علی زاهدی در فارس
- \* ۱۸ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: حسین شیریان - ذبیح‌الله رحمتی - مالک نجفی (بهبهر)، مسعود ده‌بزرگی (شیراز) و علیرضا نجفی (باختران)
- \* ۱۹ تیر (۱۳۵۱): شهادت مجاهد خلق خلیل رفیع طباطبائی در زیر شکنجه‌ی دژخیمان ساواک شاه
- \* ۱۹ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: غلامرضا اخلاقی (کرج)، مهدی فرح‌روز (لاهیجان)، پرویز عباسی (شیراز)، علی‌اکبر ساریپور (بابل) و ...
- \* ۱۹ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق عبدل جوادی در باختران
- \* ۲۰ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: بهروز امینی (بندر عباس)، علیرضا رستمی (مسجد سلیمان)

## گزارش کوتاهی از اعتصاب ۷۰۰ تن از کارگران کشت و صنعت کارون و نیشکر هفت تپه

و دست‌اندرکاران رژیم، با کارگران اعتصابی وارد مذاکره شوند، اما کارگران با افشاء و یادآوری اعمال سرکوبگرانه‌ی آنها و ایجاد جو خفقان در محیط کارخانه، و نیز با افشاء نقش آنها در غارت دسترنج کارگران، تحت عنوان "کمک به جبهه" و ... حاضر به صحبت با آنها نشدند.

سپس در روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه امام جمعه‌ی جنایتکار گتوند (آخوند منتظری) به نمایندگی از طرف "آل منور" امام جمعه‌ی جنایتکار شوشتر (که در آن تاریخ به تهران رفته بود) در جمع اعتصابیون حاضر شده و طی سخنرانی بلاهت‌بار خود، سعی می‌کند تا با دادن یک سری وعده و وعید و سرهم کردن یک مشت اراجیف همیشگی از قبیل "شرایط جنگی" و ... کارگران را به شکستن اعتصاب متقاعد نماید. اما مقاومت ادامه می‌یابد و کارگران خواستار تحقق خواسته‌های خود می‌شوند.

سرانجام از آنجا که همه‌ی تلاش‌ها و حیل‌های رژیم برای درهم شکستن اعتصاب کارگران بی‌نتیجه مانده و با شکست مواجه می‌شود، چند تن از مقامات رژیم مجدداً به کارخانه مراجعه کرده و با عجز و درماندگی تمام، از کارگران می‌خواهند که برای تأمین خواسته‌هایشان مدتی به "مسئولین" مهلت دهند.

بدنبال آن کارگران کشت و صنعت کارون و نیشکر هفت تپه طی یک تصمیم مشترک، از مقامات رژیم تضمین می‌گیرند که اگر تا تاریخ تعیین شده از طرف آنها، خواسته‌هایشان برآورد نشود، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

•••

محاصره کرده و سپس یکی از مزدوران رژیم بنام قرائتی (بخشدار گتوند) در جمع کارگران اعتصابی حاضر شده و طی سخنرانی خود ضمن خط و نشان کشیدن برای کارگران، آنها را علناً مورد تهدید قرار داده و می‌گوید: "من در کردستان بودم، ما در کردستان مانند گوسفند آدم گشتم و هیچ ترسی هم از کسی نداریم و شما هم البته چیزی نیستید (!)"، اگر اعتصاب نشکنند همه‌تان را به رگبار می‌بندیم؛ اما سخنان این مزدور جنایتکار خمینی که به خیال خود آمده بود تا با عنوان کردن سوابق جنایتکارانه‌اش، کارگران را ترسانده و به تسلیم وادار کند؛ کوچکترین خللی در عزم و اراده‌ی کارگران ستم‌کشیده‌ای که در جهت ابتدائی‌ترین حقوق خود، در مقابل ایادی خمینی ایستاده بودند، ایجاد نکرد و آنها بی‌اعتنا به اینگونه تهدیدات و تیغ‌کشی مزدوران خمینی، بر خواسته‌های خود پای فشردند.

در روز سه‌شنبه ۶۳/۲/۱۸، بصیری فرماندار مزدور شوشتر، خواستار تعیین و معرفی نماینده‌ای از سوی کارگران برای باصلاح مذاکره می‌شود، اما کارگران در مقابل این درخواست رژیم می‌گویند: "ما نماینده نمی‌دهیم، ما می‌دانیم شما نمایندگان ما را دستگیر، اخراج و زندانی خواهید کرد و بدین ترتیب عمق آگاهی و در عین حال تنفر و انزجار خود را از رژیم ضدبشری خمینی نشان می‌دهند. بدنبال این جریان، جاسوسان انجمن ضداسلامی کشت و صنعت کارون، تلاش می‌کنند تا با ایفای نقش "واسط" بین کارگران

در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه گذشته، مصادف با روز جهانی کارگر قریب به ۷۰۰ تن از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون (شوشتر) و کارگران نیشکر هفت تپه، برای تحقق خواسته‌ها و موارد ذیل، به یک اعتصاب گسترده دست زدند:

- ۱ - افزایش دستمزد "پایه‌ی کارگران (که از طرف رژیم، ۶۳۵ ریال در روز اعلام شده است)
- ۲ - پرداخت عیدی و پاداش
- ۳ - پرداخت اضافه حقوق

به کارگران  
۴ - رسمی شدن کارگران بیمانی و روزمزد.  
جریان اعتصاب نیز بدین ترتیب بوده است که ابتداءً تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه، قریب ۲۰۰ تن از کارگران بخش مکانیک کشت و صنعت کارون و تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه دست از کار کشیده و با اعلام خواسته‌های فوق، در محل کار خود تجمع می‌نمایند. بدنبال آن اکثریت کارگران بتدریج به اعتصاب می‌پیوندند، بطوریکه در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۶۳/۲ تعداد اعتصاب‌کنندگان به ۷۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد. ایادی و مزدوران سرکوبگر رژیم که از گستردگی و اعتصاب یکپارچه‌ی کارگران به وحشت افتاده بودند، به دست و پا افتاده و برای درهم شکستن آن، اقدامات وسیعی را تدارک می‌بینند. مزدوران سپاه ضد خلقی شوشتر و پاسداران مستقر در کارخانه، به همراه تعداد زیادی از پاسداران جنایتکاری که از شهرستان دزفول و بخش "گتوند" برای سرکوب کارگران فراخوانده شده بودند، دور تا دور کارخانه را

## استفاده از "وجوه شرعیه" در انتخابات؟!

کیهان ۱۳ خرداد ۱۳۶۳ -  
«بسم‌الله»  
بعضی ما نقل می‌کنند که حضرت امامی اجازه فرموده‌اید، از بهر مبارک امام «ع» در راه تبلیغات انتخاباتی صرف‌نمایند، آیا این واقیعت دارد؟  
جیبی از مؤمنین پاسخ حضرت امام: «بسم‌الله»، این موضوع بهیچوجه محبت ندارد. در صورتیکه کسی عدای نکرده‌از همین وجوه شرعیه در اینگونه امور خرج کرده است، باید برگرداند.  
«روح‌الله الموسوی‌الهمینی»

اخیراً پس از پایان گرفتن انتخابات فرمایشی دوره‌ی دوم مجلس ضد خلقی ارتجاع، استفتائی از خمینی دجال درباره‌ی مخارج انتخاباتی کاندیداها صورت گرفته که سر و صدای زیادی در محافل درونی ارتجاع برآه انداخته است. متن این استفتاء و پاسخ خمینی به آن که از جمله در روزنامه‌ی کیهان ۱۳ خرداد به چاپ رسیده، به قرار ذیل است:

بدنیست ابتدا اشاره کنیم که برای مرتجعین دین فروش، عنوان "سهم امام" همچون عناوین "سهم سادات" و دیگر "وجوه شرعیه"، از قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین محل‌های باصلاح شرعی! چپاول و غارت آنها از دسترنج مردم بوده است که طی قرون متمادی با عوامفریبی و سوءاستفاده از مفاهیم و ارزش‌ها و باورهای مذهبی مردم، به حلقوم پرناشدنی خود، سرازیر کرده‌اند. چپاول و غارتی که پس از غصب حکومت توسط خمینی دجال و باند غارتگرش، علاوه بر عوامفریبی و شیوه‌های دین - فروشانه، اهرم سرکوب و اختناق نیز بطور روزافزونی در خدمت غارتگری‌ها و اخاذی‌های مختلف

این باند مرتجع درآمده و بدین ترتیب، آنها به اضعاف و از هر طریق ممکن، مشغول مکیدن خون و دسترنج مردم ستمدیده‌ی ما گردیدند. اما در رابطه با استفتاء فوق‌الذکر که در رابطه با استفاده‌ی مزدوران خمینی از "سهم مبارک امام" در زمینه‌ی تأمین مخارج نمایش انتخاباتی‌شان است و نیز در رابطه با پاسخ "امام"! دزدان و چپاولگران، به آن که خواستار بازگرداندن آنها به خزانه‌ی خلافتش شده، ذکر دو نکته ضروری است: اینکه بر چه مبنا و زمینه‌ی کاندیداها ارتجاع به خودشان اجازه داده‌اند "سهم مبارک امام" دجال را صرف هزینه‌ی

فعالیت‌های انتخاباتی خود نمایند، برمی‌گردد به سه چهار سال قبل و دوران فعالیت‌های سیاسی؛ در آن تاریخ، خمینی جنایتکار به‌منظور پیشبرد اهداف ضد مردمی خود و جهت کنارزدن کلیه نیروها و رقبای سیاسی و قبضه کردن ارگان‌های مختلف از جمله "مجلس"، دست سرسپردگانش را در انواع چپاول با استفاده از پوشش مذهبی و عوامفریبی بازگذاشته بود. بنحویکه حزب منفور خمینی (حزب جمهوری) علناً و بویژه در شهرستان‌ها اعلام می‌کرد که به‌دستور خمینی کمک به کاندیداها‌ی حزب و خود حزب از "سهم امام"! و دیگر بقیه در صفحه‌ی ۱۹



# انعکاس گسترده تظاهرات سراسری اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان و عملیات فعالیت های تبلیغی - اجتماعی هسته های مقاومت در رسانه های جمعی جهان

## آمریکا

دالاس مورنینگ نیوز

۲۴ ژوئن / ۸۴

ارقامی که رجوی ارائه می دهد، "بر آنچه که من می دانم تاکید می ورزد." منابع نظامی ایران می گویند که بسیج عمومی حداقل تا دو هفته آینده و قبل از اینکه ملاحظه های حاکم به اندازه کافی داوطلب داشته باشند، ادامه دارد.

دلیل دیگر برای این تاخیر در حمله نهایی، گسترش فعالیت مجاهدین خلق بود که به مناسبت "هفته شهدا و زندانیان سیاسی" برگزار شد و پنجشنبه گذشته پایان یافت. رجوی می گوید خمینی ۴۰/۰۰۰ نفر را کشته و اعدام کرده است و ۱۲۰/۰۰۰ نفر دیگر را زندانی و تحت شکنجه قرار داده است.

منابع مجاهدین در تهران می گویند که در طول هفته مزبور، هسته های مجاهدین بیش از چهل خودروی گشتی سپاه پاسداران را منهدم کردند و حدود ۵۰۰/۰۰۰ اعلامیه ضد خمینی و چند دوچرخه بمب صوتی در بیش از ۴۰ شهر و شهرک در سراسر ایران منفجر کردند.

هفته گذشته ایران به بسیج شیعیان عراقی - نیروئی که خمینی برای ایجاد جمهوری اسلامی در عراق در صورتیکه صدام سرنگون شود رویشان حساب می کند را - اقدام نموده است.

منابع می گویند، تهران مجبور است به تعداد زیادی نفر برای سرنگونی سیاسی (عراق) در جنگ متکی باشد. بخاطر کمبود وسایل نظامی منجمه مهمات، پنتاگون می گوید نیروی هوایی ایران که زمانی قویترین نیروی هوایی در منطقه بود، به ۱۰ فروند جنگنده «F14» و ۵۰ فروند فانتوم «F4» و «F5» تقلیل یافته است که تماما هواپیماهای آمریکائی هستند و قبل از سرنگونی شاه به وی فروخته شده اند.

رئیس جمهور خامنه ای دو هفته پیش هنگام سخنرانی برای گروهی از پاسداران - ارتش ویژه رژیم - در مورد نارضایتی اش در رابطه با ارتش رسمی و دست و پاگیر بودن آنها و همچنین درباره ی جنبش فزاینده ی صلح شکایت کرد. در یک انتقاد حساب شده از ارتش رسمی در رابطه با عدم همکاری آن، خامنه ای در تهران به پاسداران گفت: "شما همیشه در صحنه حاضر بوده اید و شما قدرت آنرا دارید که کار (شکست عراق) را تماما خودتان انجام دهید."

خامنه ای گفت: "در جبهه یگی از مهمترین کارهای شما جنگ بر علیه تمایل صلح خواهانه است." منابع تهران می گویند که این ابراز وجود، همراه با توهنات و مخالفت های موجود در رده های پاسداران و نیروهای بسیج، همخوان هستند. فرماندهی پاسداران اعلام یک بسیج عمومی نموده اند و همچنین از افراد با تجربه و دوره دیده ی رزمی و افراد توانا "از هر سنی" برای جنگ "حق علیه باطل" فرا خوانده اند. منابع دیپلماتیک غربی و عربی تعداد نیروهای موجود برای حمله ی تهران را به بیش از ۵۰۰/۰۰۰ قرار داده اند. منابع ایرانی این را قبول ندارند. آنها می گویند این ارزیابی ها بر اساس عکس های ماهواره ای است و تمامی افرادی که نشان داده می شوند خواهان شرکت در حمله های امواج انسانی نیستند.

مسعود رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق مستقر در پاریس، می گوید که منابع او در نیروهای مسلح گزارش داده اند که رژیم تا بحال توانسته است ۱۹۶/۰۰۰ تن را برای حمله ی امواج انسانی جذب نماید. یک سروان ارتش می گوید

دبیرکل سازمان ملل متحد، پشتیبانی افکار عمومی جهانی را از مبارزه ی عادلانه ی مردم میهنان بر علیه دار و دسته ی جنایتکار خمینی ابراز داشته اند. هفته ی گذشته بخشی از انعکاس مربوط به این آکسیون ها و تظاهرات را در "مجاهد" درج نمودیم. ذیلا قسمت های دیگری از انعکاس وسیع جریان مزبور را که تاکنون بدست ما رسیده است، ملاحظه می کنید:

## «TA NEA»

Πέμπτη 21 Ιουνίου 1984

ΤΑ ΝΕΑ  
Επίθεση κατά  
του Χομεϊνί  
στην Ομόνοια  
حمله بر علیه خمینی در  
"امونیا"

هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در یونان، دیروز صبح در میدان "امونیا" با یک آکسیون و یک نمایش ...، سومین سالگرد "روز شهدا و زندانیان سیاسی" را گرامی داشتند.

برای چند لحظه امکان این بود که بین ایرانیان و پلیس که می گفت برای انجام این نمایش اجازه نگرفته اید، برخوردی پیش آید. یک زندان که از کارتن ساخته شده بود، یک ایرانی را در خود جای داده و فرد دیگری که ماسک خمینی به چهره داشت، از زندانی محافظت می نمود ... یکی از نمایندگان هواداران سازمان مجاهدین خلق در یونان توضیح داد که: "این روز سرآغاز مقاومت مسلحانه ی مشروع مجاهدین بر علیه رژیم ضد انسانی خمینی است؛ خمینی ای که در لباس آخوند، مبارزین ایرانی را زندانی و اعدام می کند."

آکسیون دیروز، برای بزرگداشت خاطره ی ۴۰ هزار شهید قهرمان مجاهد برگزار گردید. همچنین تاکید شد که انقلاب و مقاومت مسلحانه ی ایران همچنان زنده و پرتوان با رهبری سازمان مجاهدین ادامه خواهد یافت. همچنین یکی دیگر از اهداف اجتماع دیروز ایرانیان در آتن این بود که "از همه خواسته شود که به هر طریق به مقاومت ملت ایران بر علیه رژیم خمینی کمک نموده و از آن حمایت نمایند."

## 6 ΕΛΕΥΘΕΡΟΣ ΤΥΠΟΣ

Πέμπτη 21 Ιουνίου 1984

ΕΛΕΥΘΕΡΟΣ  
ΤΥΠΟΣ

Διαδηλώσεις κατά  
του Χομεϊνί σ' όλο τον κόσμο  
تظاهرات بر علیه خمینی در سراسر جهان

هزار نفر به دعوت اپوزیسیون و به منظور اعتراض به اختناق حاکم از سوی رژیم خمینی به خیابان های تهران ریختند. تظاهرات آنروز در خون غوطه ور گردید. روز بیستم ژوئن، سمبل مقاومت ایران گردید؛ زیرا از آن روز در حول محور سازمان "مجاهدین خلق" شروع به فعالیت سازمان یافته ای نمود. رهبر آن مسعود رجوی از ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۱ بطور تبعید در پاریس بسر می برد.

پاریس - ۲۱ ژوئن - با برگزاری تظاهرات در ۲۱ شهر جهان، سازمان اپوزیسیون ایرانی "مجاهدین خلق"، "روز شهدا" را گرامی داشت. در آتن، پاریس، لندن، بن، لس آنجلس، واشنگتن، کلکته، بلگراد، صوفیه و بخارست، ایرانیان مخالف رژیم یکبار دیگر مخالفت خود را با اعدام های دستجمعی، زندانی کردن و شکنجه های رژیم اعلام داشتند. در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۱، ۵۰۰

## Mojaheddin protests Khomeini regime

آتن نیوز  
۲۱ ژوئن / ۸۴

### مجاهدین علیه رژیم خمینی اعتراض می کنند

مسالمت آمیز در تهران شرکت کردند که توسط خمینی به خون کشیده شد. علاوه بر ۴۰ هزار نفر که گفته می شود توسط رژیم اعدام شده اند، از قرار معلوم، زندگی ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی نیز که دائما زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دارند، در معرض خطر بزرگی است. تظاهرات دیروز، آزادی زندانیان سیاسی را خواستار شد و با درخواست از دولت های جهان برای قطع تمام روابط با خمینی، خواستار محکومیت رژیم خمینی گردید.

مردم آتن دیروز در میدان "امونیا" جمع شدند تا تظاهرات و تئاتر خیابانی هواداران سازمان مجاهدین را به مناسبت بزرگداشت سومین سالگرد تظاهرات توده ای که در سال ۱۹۸۱ در تهران برگزار شد تماشا کنند. تظاهرات و راهپیمائی های دیگری نیز در سایر کشورهای اروپائی، آمریکایی و آسیایی ترتیب داده شده بود. مسعود رجوی، رهبر مجاهدین این روز را بطور رسمی روز شهدا و زندانیان سیاسی نامیده است. در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱، ۵۰۰ هزار نفر در یک تظاهرات

\* \* \*



## گزارشاتی از عملیات و فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت

## در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۴)

 <p>مجاهد شهید: مجید شهبید تولد: ۱۳۳۷، تهران محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۶۰</p>	 <p>مجاهد شهید: مجید شهبید تولد: ۱۳۳۷، تهران محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۶۰</p>	 <p>مجاهد شهید: امیررضا پورماشم تبریزی تولد: ۱۳۳۷، تهران محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۶۰</p>	 <p>مجاهد شهید: حاجت‌آفرین تولد: ۱۳۳۷، تهران محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۶۰</p>	 <p>مجاهد شهید: ناصر حجتیان رودسری تولد: ۱۳۳۷، تهران محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۶۰</p>	 <p>مجاهد شهید: مهران شهبید تولد: ۱۳۳۷، تهران محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۶۰</p>
---	---	---	---	---	--

نمونه تراکت‌هایی از مشخصات تعدادی از شهدای مجاهد خلق که توسط هسته مقاومت مجاهد شهید "منیر ترابی" در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" تکثیر و پخش شده است.

ماشین را فرا گرفت مردم که در محل عملیات حضور داشتند، با چهره‌های شاد از آن استقبال کردند. لازم به توضیح است که روز بعد یعنی ۲۳ خرداد، اثری از ماشین سوخته شده نبود و رژیم برای جلوگیری از انعکاس فعالیت‌های انقلابی هسته‌های مقاومت، سریعاً آنرا از محل دور کرده بود.

۲ - در ساعت ۷/۳۰ بعد از ظهر ۲۱ خرداد به اتفاق "ب" عازم منطقه مورد نظر شدیم و گار پخش و نصب تراکت را شروع کردیم. رانندگی موتور و دیده‌بانی را من بعهده داشتم و "ب" با عادی سازی، تراکت‌های با قطع ۱۵ x ۱۰ را در داخل مغازه‌های بستنی‌فروشی و دوغ‌فروشی و یک داروخانه واقع در خیابان‌های مخصوص و سهراب اکبرآباد (انتهای کریم‌پور شیرازی) توزیع کرده و تعدادی از تراکت‌ها را نیز در اطراف که محل تردد عابریین بود، پخش نمود. و سپس با هم منطقه را ترک کردیم.

هنگام پخش تراکت‌ها مردم با مسرت و شادمانی از فعالیت‌های ما استقبال می‌کردند.

\* از تهران هسته مقاومت مجاهد شهید "عباس شیخی" در نامه‌ی پرشوری، گزارش کار

می‌کردند. بعد از خاتمه‌ی عملیات، منطقه را ترک کردیم و بدون برخورد با هیچ‌گونه مورد مشکوکی سالم به پایگاه خود رسیدیم...

\* از تهران هسته مقاومت فعالیت‌های انقلابی خود را در طی چند روز اخیر چنین گزارش کرده است:

۱ - در ساعت ۸/۳۰ دقیقه بعد از ظهر ۲۲ خرداد با اتفاق "ب" با شناسایی‌های قبلی بطرف محل سوژه حرکت کردیم، اما بدلیل تردد افراد محل و ازدیاد گشتی‌های مزدوران ضد خلقی، سوژه را برای عمل مناسب ندانسته و بطرف سوژه‌ی زاپاس رفتیم.

سوژه‌ی اخیر، ماشین جیبی آهو (وانت) متعلق به یکی از ارگان‌های غارتگر رژیم بود و در تقاطع خیابان‌های نواب - مرتضوی قرار داشت.

پس از چک منطقه و بازدید تدارکات همراهان، عملیات را شروع کردیم. "ب" ظرف بنزین را بر روی دو چرخ سمت راست و بدنه‌ی ماشین و مقداری نیز روی زمین (که کار فتیله را انجام می‌داد) ریخت. سپس مشعلی را که از قبل آماده شده بود روشن نموده و بطرف سوژه پرتاب کردیم که در یک لحظه شعله‌های سرکش آتش،

۷۰ بمب صوتی، منفجر شد. اما با توجه به اینکه درج کامل مشروح عملیات هسته‌ها، اساساً در حجم صفحات محدود نشریه ممکن نیست، در شماره‌های گذشته تنها به ذکر فشرده‌ای از فعالیت‌ها و عملیات آن دسته از هسته‌هایی که گزارشاتشان بدست ما رسیده بود، اقدام گردید. از آنجا که جنبه‌های آموزشی و کسب تجربه‌ی فعالیت هسته‌های مقاومت و انتقال آنها به دیگر رزمندگان هسته‌های مقاومت و عموم نیروهای مبارز، یکی از اهداف درج این قبیل گزارشات می‌باشد، لذا در این شماره به چاپ گزارش مشروح‌تر فعالیت‌های تعدادی از هسته‌های مقاومت، اقدام می‌کنیم. ذکر این نکته نیز ضروری است که حسب‌المعمول، نکات و مسائل امنیتی گزارش‌ها حذف گردیده است.

زیر ماشین ریختیم و در پایان نیز ظرف آنرا در کنار ماشین قرار دادیم. بلافاصله من بطرف موتور سیکلت رفتم و آنرا روشن کرده آماده‌ی حرکت نمودم. نفر همراه من، مشعلی را که همراه داشتیم با فندک روشن و به طرف ماشین پرتاب نمود که در یک لحظه ماشین شعله‌ور شد و ما نیز از منطقه‌ی عملیات دور شدیم. لازم به توضیح است که بعد از عمل، مردمی که در آن خیابان تردد داشتند متوجه عملیات ما شدند و با شادمانی صحنه‌ی به آتش کشیده شدن ماشین متعلق به ارگان سرکوبگر و ضد خلقی رژیم را نگاه

آتش‌زا و ابزار کار مخصوص، به مقصد محل عملیات - که در خیابان سقراط بود - از پایگاه خارج شدیم. ساعت ۹/۴۰ به محل مورد نظر رسیدیم. سوژه در کنار دو ماشین دیگر مزدوران در پیاده‌رو پارک شده بود. پس از چک منطقه، موتور را در پیاده‌رو پارک کردیم و با ساک دستی حامل مواد به طرف سوژه رفتیم. سپس درب ظرف حاوی مواد را با وسایلی که همراه داشتیم باز کردیم و محتوای آنرا بر روی سه قسمت سطح ماشین یعنی دو طرف چرخ‌های جلو، نزدیک موتور و همچنین در قسمت جلو،

بخشی از گزارشات مربوط به عملیات و فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت بمناسبت "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" را در شماره‌های پیشین نشریه مجاهد ملاحظه نمودید.

همانطور که می‌دانید، آنچه که فعالیت سراسری اخیر هسته‌های مقاومت را از مجموعه فعالیت‌های قبلی آنها (برگزاری "هفته میلشیا"، "هفته صلح"، "هفته تحریم انتخابات") متمایز می‌کرد، علاوه بر افزایش چشمگیر حجم کلی عملیات اخیر، گسترش کمی و کیفی عملیات نظامی غیر رودررو بود که از جمله بر اساس گزارشاتی که در شماره‌ی قبل به چاپ رسید، ۲۲ خودروی مزدوران دشمن بدست واحدهای هسته‌های مقاومت به آتش کشیده شد و بیش از

\* هسته مقاومت مجاهد شهید "سعید دارابی" از اهواز، طی نامه‌ی گزارش فعالیت‌های انقلابی و همچنین کروکی محل عملیات خود را به مناسبت "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" چنین شرح می‌دهد:

"... پس از چند شب شناسایی در محله‌های مختلف اهواز، بالاخره ماشین یکی از ارگان‌های غارتگر رژیم را به‌عنوان سوژه انتخاب کردیم و پس از بررسی‌های لازم اقدام به تهیه‌ی تدارکات و وسایل مورد نیاز نمودیم. ساعت ۹/۱۰ دقیقه با ساک حامل مواد

افتاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه‌انگال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

### گزارشاتی از عملیات و فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۲)

<p>فضل الله المجاهدین و المناجین لبرأ علیاً</p>  <p><b>مجاهد شمسیر "محمد ارهی"</b> تاریخ شهادت: ۱۱/۲/۷۰ نحوه شهادت: تیرباران محل شهادت: فاشن شهر شغل: دانش آموز همراهان: مجاهد شهید پوران رحیمی</p>	<p>فضل الله المجاهدین علی القائلین اجرا علیاً</p>   <p><b>نام: احمد شامسیر</b> تاریخ شهادت: ۱۱/۳/۷۰ محل شهادت: مشهد نحوه شهادت: حلق آویز هویت سازمانی: مجاهد خلق</p> <p><b>نام: صغریا دورق (مار شایسته)</b> سن: ۵۴ سال - خانه دار ذاتی: ۷ فرزند تاریخ شهادت: ۱۱/۳/۷۰ - مشهد نحوه شهادت: حلق آویز هویت سازمانی: مجاهد خلق</p> <p>همراهان: مجاهد شهید پوران رحیمی</p>	 <p>۳۰ هزار شهید و ۳۰ هزار زنیان میسازند... ... (Text describing the martyr's background and sacrifice) ...</p> <p>محل شهادت: مشهد نحوه شهادت: حلق آویز هویت سازمانی: مجاهد خلق</p>	<p>مجاهد شهید، خاتمه کنجیان</p>  <p>تولد: آستانه ۱۳۳۷ طبعی: رشته الکترونیک شهادت: اعلام در شیراز ۱۳۶۱/۱۲/۱۶</p> <p>همراهان: مجاهد شهید پوران رحیمی</p>
---	--	--	---

نمونه تراکت‌هایی از هسته "مقاومت مجاهد شهید" پوران رحیمی "و هسته‌های مقاومت ..."

بود. سه راهی را در جیب گذاشته و درب قوطی پلاستیکی حاوی مواد آتش‌زا را باز کردم و از پنجره‌ی ماشین به روی صندلی‌های آن ریختم ولی فرصتی برای ریختن مواد بر روی موتور خودرو وجود نداشت؛ لذا سریعاً مشعل را آتش زده و به داخل ماشین انداختم که با صدای انفجار خفیفی شعله‌ور شد. من سریعاً از محل دور شدم. در حال دویدن، یک لحظه پشت سرم را نگاه کردم و ماشین را غرق در شعله‌های آتش دیدم. به هنگام دور شدن از محل که مسیر آن را قبلاً تعیین کرده بودم، صدای آژیر مزدوران رژیم را شنیدم. لذا به سرعت خود افزوده و در ساعت ۲/۳۰ دقیقه‌ی نیمه‌شب، سالم به پایگاه رسیدم...

**\* یکی از رزمندگان هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "امیرملکی"**، عملیات انهدام یکی از خودروهای دشمن را چنین توضیح داده است:

"... سوژه، ابتدائاً توسط من، هنگام تردد بطور مقدماتی شناسائی گردید. بعداً بصورت تیمی به منطقه رفته و شناسائی نهائی، و تکمیل گروگی و مانور قبل از عمل را انجام دادیم. بر طبق بررسی‌های واحد، بهترین ساعت عمل ساعت ۱۱ شب تعیین گردید. در ساعت ۸/۵ بعد از ظهر ۱۹ خرداد، آخرین بررسی‌های

با یک ماشین گشت کمیته و نیز چند بسیجی که مشغول صحبت کردن بودند مواجه شدم، ولی با خونسردی به راه خود ادامه دادم تا به محلی که مواد را جاسازی کرده بودم رسیدم. آنها را برداشته و بسوی سوژه رفتم؛ از آن دو نفری که در آنطرف خیابان ماشین‌شان را تعمیر می‌کردند دیگر خبری نبود. در اداره‌ی برق، چند نفری هنوز پشت میز مشغول کار بودند، ولی درب اداره بسته

گرایه، وارد منطقه شدم. هنگام نزدیک شدن به سوژه، متوجه وجود دو نفر در آنسوی خیابان گردیدم که سرگرم تعمیر ماشین‌شان بودند. مواد آتش‌زا و سرفاهی را که همراه داشتم، در محل مزبور در باغچه‌های جاسازی نموده و قدم‌زنان دور شدم. بعد از مدتی وارد یک مغازه که تا آن ساعت شب هنوز باز بود، شدم و پس از یک ربع، مجدداً به محل سوژه مراجعت کردم. در مسیر مراجعت

می‌دادند. و در چند مورد نیز با افراد فالانژ که برخورد داشتیم آنها می‌گفتند "این هفته مجاهدین شهر را پر از تراکت و اعلامیه و عکس و سر و صداهای انفجاری و آتش زدن ماشین‌ها کرده‌اند"، آنها بشدت هراسان بودند و می‌گفتند هر خبری را به سپاه و کمیته گزارش کنید..."

**\* یکی از رزمندگان هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "حسن تقی‌آبادی"** فشرده‌ی گزارش عملیات انقلابی خود را چنین شرح داده است:

"... بعد از اینکه دستیابی به سوژه‌ی اصلی یعنی ماشین متعلق به یک مزدور رژیم را غیرعملی دیدم (در چک نهائی متوجه شدم اتومبیلش را شبها در خانه پارک می‌کند)، اقدام به انجام عمل بر روی سوژه‌ی زاپاس نمودم.

لذا در ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۱۵ خرداد چک دوم را بر روی این سوژه انجام دادم. وضعیت عادی بود و اتومبیل، هنوز در جای قبلی خود قرار داشت. ضمناً متوجه شدم که شیشه‌های پنجره‌ی ماشین، از دو طرف تا نیمه پائین است که می‌توانست در تسهیل عمل، بسیار موثر واقع شود. سپس برای انجام عملیات که در ساعت یک بعد از نیمه‌شب، تعیین کرده بودم، آماده شدم. در ساعت یک و ده دقیقه نیمه‌شب، از پایگاه خارج گردیده و پس از طی مسافتی بسویله‌ی ماشین‌های

چند روز اخیر خود را نوشته که بخش‌هایی از آن را عیناً درج می‌نمائیم:

"... کار خودمان را از ۲۰ خرداد بطور آزمایشی شروع کرده و در روز ۲۳ خرداد، فعالانه دست بکار شدیم. حدود ۹۳۰ عدد اتیکت آماده کردیم. (نمونه‌های آن ضمیمه است) حدود ۲۲۰ عدد اعلامیه در قطع ۲۰ x ۳۰ را که با مازیک نوشته بودیم، طی ۹ روز به اتمام رساندیم. اتیکت‌ها را بیشتر در اتوبوس‌های واحد دز مسیرهای جمهوری - نواب - بهارستان - پیروزی - نبرد - نیروی هوایی - شکوفه - دلگشا - نیکنام - ۱۳ آبان - تهرانپارس - نارمک - فلسطین - طالقانی و بلوار کشاورز چسباندیم و اعلامیه‌ها را در خیابان‌های فوق‌الذکر بین مردم پخش کرده و تعدادی از آنها را به دیوار کوچه و خیابان‌های پررفت‌وآمد مناطق مذکور نصب کردیم.

مزدوران خمینی در سطح شهر در حال آماده‌باش بودند. در چند نقطه‌ی شهر از جمله چهارراه جمهوری و میدان‌های امام حسین، ولی عصر و انقلاب دیده شده بود که حتی افرادی که با دوچرخه رفت‌وآمد داشتند، مورد بازرسی قرار می‌گرفتند. فعالیت هسته‌های مقاومت گاملاً چشمگیر بود و مردم اعلامیه و تراکت‌ها را به یکدیگر نشان

مقاومت مجاهد شهید "پروین فروغی"

محل شهادت: مشهد  
نحوه شهادت: حلق آویز  
هویت سازمانی: مجاهد خلق

همراهان: مجاهد شهید پوران رحیمی

گزارش از عملیات و فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت در "هفته‌های شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۲)

 <p>مجاهد شهید: احمد مرزی دیپلمه محل شهادت: ننگرود تاریخ شهادت: ۱۳۶۰</p>	 <p>مجاهد شهید: هوشنگ شریفی دانشجوی سیدس شپور، دانشگاه شیراز اهل: املش</p>	 <p>مجاهد شهید: حسین ملکی تاریخ تولد: ۱۳۳۲ تاریخ بستگی: ۱۳۶۰ تاریخ شهادت: ۱۳۶۱، ۱۱، ۱۸ محل تولد: آستانه محل شهادت: اهلی شغل: دبیر</p>	 <p>مجاهد شهید: مجید واصلی دیپلمه (کارگردان رودسر) تاریخ تولد: تاریخ شهادت: بهمن ۱۳۶۰ اهل: رودسر</p>	 <p>مجاهد شهید: جعفر شغابی دیپلمه تاریخ تولد: تاریخ شهادت: ۱۳۶۰ محل شهادت: رودسر</p>	 <p>مجاهد شهید: کیوان حسن زاده دانش آموز تاریخ تولد: ۱۳۴۳ تاریخ شهادت: ۱۳۶۰، ۶، ۱۱ اهل: میانه ننگرود</p>
---	---	--	---	---	---

«هسته مقاومت مجاهد شهید - منیر ترابی»

نمونه تراکت‌های حاوی مشخصات تعدادی از شهدای مجاهد خلق که توسط هسته مقاومت مجاهد شهید "منیر ترابی" در "هفته‌های شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" تکثیر و پخش شده است.

محل حمل شد و در ساعت ۹ به محل عملیات رفتیم. ابتدا "م" سعی کرد با شکستن شیشه، عملیات را شروع کند، اما بعلت ایجاد سرو صدای زیاد، ناچار شدیم عملیات را از بیرون شروع کنیم. "م" شروع به پاشیدن مواد آتش‌زا به زیر موتور و چرخ‌های جلو و جلوبندی ماشین کرد و من نیز گار مراقبت را بعهده گرفتم. چندین بار بعلت رفت و آمد ماشین‌ها و اشخاص، عملیات را متوقف نموده و به منظور عادی سازی، شروع به قدم زدن در محل کردیم. پس از آغشته کردن موتور و جلوبندی ماشین به مواد، من سوار موتور شده و آنرا روشن کردم. "م" با روشن کردن و پرتاب مشعل، ماشین را به آتش کشید. چند لحظه بعد، زبانه‌های آتش از اطراف ماشین بالا گرفت و مینی بوس قرمز رنگ متعلق به سپاه ضدخلقی با پلاک قرمز تهران - ۵۱ تماما آتش گرفت. سپس من و "م" پس از مشاهده و مطمئن شدن از آتش گرفتن خودرو، از محل فاصله گرفتیم. در ۲۰۰ متری محل سوژه، برای چند لحظه توقف نموده و ماشین را که در حال سوختن بود مجددا نگاه کردیم. در ضمن یک موتور نیز در محل بود که بنظر می‌رسید گشت موتوری رژیم باشد. سرعیا از محل دور شده و به پایگاه‌های خود بازگشتیم. در بازدیدی که فردای آن شب از محل بعمل آمد، ماشین در محل نبود ولی مقدار زیادی مواد اطفاء حریق در محل بود این مسئله نشان دهنده‌ی خاموش کردن به خرج داده‌اند...

نیز قابل رؤیت بود. پس از انجام عملیات، سرعیا منطقه را ترک کرده و بسلامت به پایگاه‌های خود بازگشتیم. نقاط ضعف و اشکالات کارمان: ۱ - قسمت داخلی سوژه آغشته به مواد نشده (البته قسمت‌های بیرونی ماشین آتش گرفت). ۲ - زمان، چندان مناسب نبود و هنوز رفت و آمد در کوچه زیاد بود. ۳ - پس از انجام عمل، تغییر لباس ندادیم. ۴ - روشن بودن فضای پیرامون سوژه بعلت وجود چراغ‌های شهرداری و ۲ پنجره‌ی متعلق به منزل مشرف به ماشین. ۵ - نداشتن سلاح سرد به اندازه‌ی کافی... \* از تهران هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید محمد عسگری زاده در گزارش ارسالی خود، عملیات انقلابی به آتش کشیدن یک دستگاه مینی بوس متعلق به سپاه ضدخلقی خمینی را چنین توضیح می‌دهد: "... در ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر ۲۳ خرداد با "م" به محل پارک مینی بوس در خیابان ایالتیا - بین طالقانی و بلوار کشاورز - در نزدیکی خیابان فلسطین جنب بیمارستان مصطفی خمینی رفتیم، ولی سوژه در محل نبود. به سوژه‌ی زاپاس مراجعه کردیم که آن نیز در محل همیشگی‌اش نبود بناچار جهت گذشتن وقت و عادی سازی، به پارکی که در نزدیکی محل بود رفته و یکساعت بعد مجددا به محل مراجعه کردیم. این بار سوژه در محل پارک شده بود، ولی به خاطر نورافکن‌های زیاد، محل کاملا روشن بود. در ساعت ۸/۳۰، تدارکات به

در کمتر از چند دقیقه با پاشیدن مواد بر روی گاپوت، زیر موتور، یک چرخ جلو و یک چرخ عقب و سپس پرتاب مشعل، خودروی متعلق به دشمن را به آتش کشیدیم و خود نیز شاهد شعله‌ور شدن آن بودیم. شعله‌های آتش کاملا از اطراف زیانده می‌کشید و از فاصله‌ی دور

اهالی محل شدیم که در حال عبور بود و ما نیز با محمل اینگونه موتورمان روشن نمی‌شود، مشغول بررسی موتور شدیم و در عین حال نیز آمادگی مقابله با هر نوع عکس العمل بودیم. پس از عبور فرد مزبور آرامش مجدد صحنه‌ی عملیات، به سوژه نزدیک شده و با سرعت زیاد و

قبل از عمل را انجام دادیم. و چک نهائی و حضوری سوژه در صحنه‌ی عمل نیز صورت گرفت و هر یک از نفرات واحد، شروع به انجام وظایف خود نمودند. سپس ما به پایگاه رفته و وسایل گار را در ساعت ۱۰/۳۰ شب به محل از قبل تعیین شده‌ای که در منطقه‌ی عملیات واقع شده بود، بردیم. یکبار دیگر نیز نحوه‌ی عمل را با هم چک کردیم. در ساعت ۱۰/۵۰ دقیقه به محل سوژه رسیدیم و "A" در یک فرصت مناسب به سمت خودرو رفته و آمادگی گار شد. ابتدائا سعی نمود تا بوسیله‌ی پیچ‌گوشی لولاهای شیشه‌ی مثلثی را باز کند که به علت محدودیت زمانی، از این گار صرف نظر گردید. لذا در طرف محتوی ناپالم را گشود تا آنرا بر روی موتور، جلوبندی و لاستیک‌های ماشین بپاشد. من که مسئولیت چک اطراف و اعلام خطر را بعهده داشتم؛ زنگ خطر را بصدا درآوردم. و "A" بناچار مواد را در محل گذارده و از سوژه جدا شد و به من پیوست. علت اعلام خطر، عبور یکنفر پیاده، از نزدیکی صحنه‌ی عملیات بود. قرار شد که مجددا گار را دنبال کنیم ولی این بار نور اتومبیلی از انتهای کوچه به چشم خورد که به سمت سوژه می‌آمد ما بلافاصله با رفتن به سمت مسیر بازگشت، خودمان را مخفی نمودیم. این ماشین درست در پشت سوژه پارک کرد و ما که آمادگی عقب‌نشینی بودیم متوجه وجود یکنفر از

نام خدمت‌گزاران حق‌شومانی این شب، به همراه راه‌آورد

اسامی افراد از سرداران حق‌شومانی این شب

ردیف	نام	پست	محل	توضیحات
۱	پژمان لاری	سردار	پارک	محل
۲	انصاری	سردار	پارک	محل
۳	صالح	سردار	پارک	محل
۴	احمدزاده	سردار	پارک	محل
۵	ناصرزاده	سردار	پارک	محل
۶	شاکری	سردار	پارک	محل
۷	بهره‌اشهر	سردار	پارک	محل
۸	صبرنامه‌چی	سردار	پارک	محل
۹	رضاییان	سردار	پارک	محل
۱۰	ابرج بیگلری	سردار	پارک	محل
۱۱	رضا بیگلری	سردار	پارک	محل
۱۲	حجرات	سردار	پارک	محل
۱۳	بکرز	سردار	پارک	محل
۱۴	شایسته	سردار	پارک	محل
۱۵	بیکناه	سردار	پارک	محل
۱۶	...	...	...	...
۱۷	...	...	...	...
۱۸	...	...	...	...
۱۹	...	...	...	...
۲۰	...	...	...	...
۲۱	...	...	...	...
۲۲	...	...	...	...
۲۳	...	...	...	...
۲۴	...	...	...	...
۲۵	...	...	...	...
۲۶	...	...	...	...
۲۷	...	...	...	...
۲۸	...	...	...	...
۲۹	...	...	...	...
۳۰	...	...	...	...
۳۱	...	...	...	...
۳۲	...	...	...	...
۳۳	...	...	...	...

مرد برنجی  
درد در کمر  
مرد سردار از طلب رتبه  
نور باز کشی می‌کنند

نمونه تراکتی از هسته‌ی مقاومت ... در اردبیل





## انعکاس گسترده تظاهرات سراسری اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان و عملیات و فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت در رسانه‌های جمعی جهان

### سوئیس

TAGES-ANZEIGER

تاگس آنسایگر

۲۱/ژوئن/۸۴

### Protestaktion gegen Khomeini-Regime

#### آکسیون اعتراضی علیه رژیم خمینی

با یک آکسیون اعتراضی در میدان "پاراده" (Paradeplatz) روز چهارشنبه بعد از ظهر، هواداران مجاهدین خلق ایران (مخالفین رژیم خمینی)، خاطره‌ی ۱۹۸۱ را گرامی داشتند. در این روز میتینگ مسالمت‌آمیز نیم میلیون ایرانی در تهران بوسیله‌ی پاسداران خمینی سرکوب خونینی شد. بنا بر اطلاعاتی مطبوعاتی برگزار-کننده‌ی آکسیون اعتراضی، (در این روز) دهها انسان کشته و صدها نفر دستگیر و بعد نیز اعدام شدند.

با پلاکاردهای دیواری، تئاتر کوتاه و سخنرانی ایرانی‌ها در زوریخ همبستگی‌شان را با ۴۰۰۰۰ اعدامی و ۱۲۰۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران ابراز نمودند. فراخوان برای آکسیون در سوئیس از طرف احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های گوناگونی، منجمله ۲۵ عضو فراکسیون سوسیال‌دمکرات در پارلمان فدرال حمایت گردید. همزمان با زوریخ، هواداران مجاهدین خلق در ۱۹ شهر اروپائی، آسیایی و آمریکائی، میتینگ‌های مشابهی را برگزار کردند.

نویه زوریخ رسایتونگ

۲۱/ژوئن/۸۴

میتینگ

اپوزیسیون

هواداران مجاهدین خلق ایران روز چهارشنبه بعد از ظهر در Parade Platz زوریخ علیه اختناق که توسط رژیم خمینی بر مخالفین آن اعمال می‌شود، اعتراض کردند. ایرانیانی که در سوئیس زندگی می‌کنند در آکسیونشان عکس‌های مجاهدینی را که در ایران اعدام شده‌اند و همچنین آثار شکنجه بر بدن یک

### هند

استیثمن

۲۱/ژوئن/۸۴

### حمایت گسترده برای مجاهدین ایران

چندین حزب سیاسی حمایتشان را از سازمان مجاهدین خلق ایران که بر علیه رژیم خمینی مبارزه می‌کند، ابراز داشتند. آقای "چاران سینگ" رهبر لوک‌دال، آقای "جرج فرناندز" رهبر حزب جانانا، آقای "چاندرا جیت یادو" رهبر حزب جاناوادی و خانم "تاکشیواری سینها" از حزب سوسیال دمکرات، طی نامه‌های جداگانه‌ای حمایتشان را به مناسبت برپاگشتن "روز شهدا" و زندانیان سیاسی "ایرانی توسط سازمانشان در روز چهارشنبه اعلام کردند. آقای چاران سینگ طی نامه‌ای به آقای رجوی گفت: "برگزاری این روز در حقیقت یک پاسخ مثبت به مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران علیه رژیم خمینی می‌باشد." آقای جرج فرناندز رهبر حزب جانانا به آقای رجوی از حمایت نامحدودش در مبارزه برای احیاء دمکراسی و حقوق بشر در ایران اطمینان داد. آقای چاندرا جیت یادو گفت که دولت فعلی ایران کمتر از رژیم شاه ارتجاعی نیست.

روزنامه دیلی - ۲۱/ژوئن/۸۴

### Iranians observe Martyrs Day

#### ایرانیان روز شهدا را گرامی داشتند

در چنین روزی رژیم خمینی بیرحمانه تظاهرات مسالمت‌آمیز ۵۰۰ هزار نفری در تهران را سرکوب کرد. وی گفت اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان ایرانی خارج از کشور، تظاهرات وسیعی در شهرهای اصلی اروپا، آمریکا و آسیا برگزار می‌کنند. آنها گفتند که در هند نیز در چند شهر مختلف از جمله بنگلور، حیدرآباد، تظاهرات برپاگشت. وی اضافه کرد که تظاهراتی نیز در دهلی ترتیب داده شده است که بعلت منع عبور و مرور، لغو گردید.

آنها اطلاع دادند که این روز توسط رهبر مقاومت، مسعود رجوی، جهت گرامی‌داشت ۴۰/۰۰۰ شهید و ۱۲۰/۰۰۰ زندانی سیاسی معرفی شده است. آنها گفتند که رهبران سیاسی در سراسر جهان و از جمله در هند، مقاومت گسترده و سراسری مردم ایران را حمایت کردند.

حمایت‌کنندگان شامل احزاب سوسیالیست ایتالیا، سوئیس، اسپانیا، یونان و فرانسه و حزب سوسیال دمکرات آلمان و احزاب کارگر و لیبرال انگلیس می‌باشند. انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی در هند نامه‌های حمایتی از رهبران احزاب جانانا، لوک دال، کنگره‌ی حزب سوسیالیست، حزب کمونیست هند، حزب

### Neue Zürcher Zeitung

#### Kundgebung iranischer Oppositioneller

زندانی سابق را به نمایش گذاشتند. یک نمایش خیابانی با چوبه‌ی دار، جلاد و قربانی شرایط اسارت (به گفته‌ی مجاهدین خلق ۱۲۰۰۰۰) زندانی سیاسی را تصویر می‌کند. این میتینگ در آرامش صورت گرفت. تظاهرات مشابهی همزمان در واشنگتن، لس‌آنجلس، لندن و چندین پایتخت اروپائی صورت گرفت.

### لندن شاهد بزرگترین

#### تظاهرات ضد خمینی بود

بقیه از صفحه ۱۲

نمایندگان سازمان‌های بریتانیائی و سازمان‌های خارجی نیز شرکت داشتند، بویژه حزب کارگر، حزب لیبرال‌ها و سوسیال دمکرات‌ها، حزب کارگران انقلابی، حزب کمونیست، حزب اسکاتلندی،

### عکاظ

عکاظ ۲۱/ژوئن/۸۴

#### در روزی خشمگین:

تظاهرات مخالفین رژیم خمینی پایتخت‌های جهان را فراگرفت

هواداران سازمان مجاهدین خلق و مخالفین رژیم خمینی در تهران دیروز در پاریس دست به تظاهراتی اعتراض‌آمیز بر علیه عملکردهای این حکومت زدند. این تظاهرات به مناسبت سومین سالگرد درگیری است که در ۲۰ ژوئن سال ۱۹۸۱ در پایتخت ایران رخ داد. اطلاعاتی سازمان مجاهدین خلق ذکر نمود که درگیری مزبور بین پاسداران خمینی و هزاران تن از اهالی تهران که در فراخوانی بر علیه سرکوب دست به تظاهرات زده بودند، صورت گرفت. در اطلاعیه‌ی رسمی در

### الاخبار

۲۲/ژوئن/۸۴

۱۰۰۰ مخالف خمینی

در لندن و واشنگتن

نسبت به سرکوب در داخل ایران اعتراض کردند

لندن - واشنگتن - خبرگزاری‌ها: هزار تن از زندانیان مخالف رژیم آیت‌الله خمینی روز گذشته در لندن و واشنگتن، بعنوان اعتراض به ترورهای که خمینی بر علیه مخالفین در ایران براه انداخته است، دست به تظاهرات زدند.

پیشرو و جاناوادی و دیگران دریافت کرده‌اند. امروز چند نماینده از احزاب مختلف در میتینگ حضور داشتند. حدود ۱۵۰ اتحادیه‌ی کارگری و ۱۰۰ نماینده‌ی مجلس از احزاب مختلف از جمله حزب کنگره‌ی خانم گاندی حمایت خود را اعلام کردند.

### العرب

۲۱/ژوئن/۸۴

سازمان‌ها و اتحادیه‌های دانشجویان بریتانیائی، جنبش بریتانیا که بر علیه سلاح‌های هسته‌ای مبارزه می‌کند، جنبش زنان بریتانیا، جنبش صلح بریتانیا و نمایندگان از اتحادیه‌ها و سندیکا - های کارگری بریتانیا و تعدادی از نمایندگان پارلمان نیز حضور داشتند.

الخمیس ۲۱ رمضان ۱۴۰۴ هـ الموافق ۲۱ یونیه ۱۹۸۴

□ فی يوم الغضب:

مظاهرات المعارضین  
لنظام الخميّتی  
تحتاح العواصم العالمیة

تظاهرات مخالفین رژیم خمینی پایتخت‌های جهان را فراگرفت

رابطه با قربانیان این درگیری آمده است که ۲۸ تن کشته شدند که ۱۴ تن آنها از پاسداران و ۱۴ تن از تظاهرکنندگان بودند. ولی مجاهدین تعداد آنها را بیشتر ارزیابی می‌کنند. "روز شهدا و زندانیان سیاسی" با تظاهراتی در شهرهای دیگر اروپائی و آسیا و آمریکا متمایز گشته است. در اطلاعیه‌ی دیگری، مجاهدین متذکر می‌شوند که بمناسبت این یادبود، حضور خودشان را در عمل از طریق پخش اعلامیه و تراکت بیان داشتند.

۱۰۰۰ من معارضی خومینی

یتظاهرون فی لندن

وواشنطن

احتجاجا علی

القمع فی ایران

نسبت به سرکوب در داخل ایران اعتراض کردند

مخالفین ایرانی در خیابان‌های لندن و واشنگتن با دست‌داشتن عکس‌های زندانیان سیاسی که بدست خمینی بشهادت رسیده‌اند و با دادن شعارهای ضد رژیم به تظاهرات پرداختند. همزمان با آن، اتحادیه‌ی پناهندگان ایرانی در هند، روز گذشته از دولت هند خواست که عدم اخراج پناهندگان ایرانی را تضمین کند. این اتحادیه تاکید کرد که کمیته‌ی عالی سازمان ملل، این پناهندگان را بدلائل سیاسی مورد حمایت قرار می‌دهد، در صورتیکه دولت هند از التزام بدان خودداری می‌کند.

## گرامی باد خاطرۀ تابناک شهدای مجاهد خلق

### ★ مجاهد شهید کاظم زینعلی

همچنانکه طی خبری در نشریه "مجاهد" شماره ۲۰۲ به اطلاع رساندیم، ۳ رزمندهی مجاهد خلق بنامهای "کاظم زینعلی"، "علی شعبانی" و "هرمز عزیزی" در روز ۹ اردیبهشت ماه امسال در برابر چشمان حیرت‌زدهی مردم لنگرود (و منجمله خانواده‌های خود این شهدا) به دار آویخته شدند. ۲۰ روز قبل از آن نیز یکی دیگر از اسرای مجاهد خلق بنام "کامبیز بذری" به همین شیوه به شهادت رسیده بود.

لازم به یادآوری است که جلادان رژیم خمینی، قبل از بشهادت رساندن این رزمندگان به خانواده‌های آنان مراجعه کرده و وقیحانه درخواست پول گزافی بعنوان پول فشنگ‌های اعدام فرزندان مجاهد این خانواده‌ها را می‌کنند، ولی خانواده‌های این مجاهد قهرمان که امکان پرداخت چنین پولی را نیز نداشتند از قبول این درخواست جلادان رژیم خودداری می‌کنند. سپس جلادان خمینی که پیشاپیش نیز از رد درخواستشان توسط خانواده‌ها مطلع بودند، بمنظور ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، رزمندگان فوق‌الذکر را در برابر چشمان حیرت‌زدهی مردم حلق‌آویز می‌کنند.

در این شماره فراهای کوتاهی از زندگی انقلابی مجاهد شهید کاظم زینعلی که اثر حلق‌آویزشدنش را در عکس پیکر بی‌جان او در صفحه‌ی اول همین شماره ملاحظه می‌کنید، به‌مراه قسمتی از وصیت‌نامه‌ی پرشورش از نظرتان می‌گذرد:

مجاهد شهید کاظم زینعلی آموزگار فداکار و انقلابی روستاهای لاهیجان بود که ضمن تدریس و سوادآموزی، لحظه‌ای از روشنگری و آگاه ساختن کودکان زحمتکش و محروم روستا غافل نبود. ویژگی‌های برجسته‌ی انسانی کاظم و احساس مسئولیتش در حل مشکلات روستائیان، او را به چهره‌ای محبوب و مورد اعتماد بدل ساخته بود.

### ★ پیشمرگه مجاهد خلق

#### محمود جعفرزاده مرندی (کیومرث) عضو انجمن دانشجویان مسلمان ترکیه



انتخاب می‌کنم و امیدوارم که در این راه ثابت قدم باشم تا بتوانم دین خود را به خدا و خلقم ادا کنم...

پیشمرگه‌ی شهید مجاهد خلق محمود جعفرزاده مرندی روز ۹/خرداد/۶۳، در جریان مقاومت پیشمرگان مجاهد خلق در برابر تهاجم وحشیانه‌ی مزدوران خمینی به منطقه‌ی سفز، پیشمرگه‌ی مجاهد محمود جعفرزاده پس از ساعت‌ها نبرد قهرمانانه، در روستای "هرمیدول" بشهادت رسید.

مجاهد شهید محمود جعفرزاده یکی از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان ترکیه بود. او در سال ۵۹ به ترکیه آمد و از همان زمان در ارتباط با برادر مجاهدش، شهید حسن جعفرزاده - کاندیدای سازمان برای اولین دوره‌ی انتخابات مجلس

... در ارتباط نزدیکتر قرار گرفتن با سازمان، برای من یک افتخار بزرگی محسوب می‌شود و امیدوارم که اگر یک چنین امکانی برای من پیش بیاید، از پس مسائل و مسئولیت‌هایی که به من محول خواهد شد برآیم. یعنی تمام سعی و کوشش خودم را در این راه خواهم کرد. وقتی این را می‌گویم، یعنی اینکه این راه را آگاهانه و با علم بر سستی راه مبارزه، راه خدا و خلق، راه سازمان مجاهدین خلق را

رژیم ضد خلقی خمینی این چنین دیوانه‌وار بر ما تازید و (ما) برای دفاع از مکتب و انقلاب چه چیزی داشتیم غیر از جان خویش. دو راه در جلو پایمان گذاشته شده بود...  
۱ - اسارت و تسلیم‌پذیری  
۲ - نبرد و قیام مسلحانه...  
و ما راه دوم را برگزیدیم.  
امروز آرمان مجاهدین همچون ستاره‌ای در آسمان تکامل می‌درخشد و این ستاره‌ی درخشان در شب‌های تاریک راه می‌نمایاند. پس به اندازه‌ی سعی و توانتان یاور این پیشتاژان باشید...  
آری، خون سرخ مجاهدین و دیگر رزمندگان، سند رسوائی و جنایت ددمنشانه‌ی خمینی است. تاریخ به قضاوت خواهد نشست و مظلومیت نسل خون و شکنجه، نسل انقلاب را به اثبات خواهد رساند. بگذارید بگویند مجاهدین روسی هستند یا آمریکائی هستند. مگر "مجتهد" زمان امام حسین - شریح قاضی - حسین را خارجی نخواند؟ همیشه حاکمیت‌های ضد خلقی برای اینکه به وجهه‌ی انقلابیون ضربه بزنند، آنها را هزاران برجسب و ناچسب دیگر می‌زنند. اما ما را چه باک که خیمه‌ی شب را خواهیم شکافت و فجر صادق را همراه خلق خویش بر گستره‌ی زمان مهمان خواهیم کرد. ققنوسوار از خاکسترمان شعله‌ای برخواهد خاست و خرمن مرتجعین را به آتش خواهد کشید "وَتَرَى الْمَجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ" و صبح رهائی خواهد دمید. برادران و خواهران؛  
فردای زیبا از آن ماست. از آن پیشتاژان خلق‌هاست. ما را بن‌بستی نیست چه در خون خفته باشیم و چه در جهاد گم‌همت بندیم..."

شورا از شهر خوی - به پخش و توزیع نشریه "مجاهد" و سایر کتاب‌های سازمان، در بین دانشجویان ایرانی مقیم ترکیه می‌پرداخت. پس از مدتی انجمن دانشجویان مسلمان در ترکیه تشکیل شد و محمود نیز به فعالیت‌های خود در رابطه با انجمن ادامه داد.

پس از ۳۰/خرداد/۶۰ و آغاز مرحله‌ی نوین فعالیت‌های دانشجویان هوادار سازمان مجاهدین در خارج از کشور - همپا با مقاومت خونین و سراسری داخل - محمود نیز وظایف جدیدی بعهده گرفت و بطور حرفه‌ای به فعالیت پرداخت. او معتقد بود:

"... در این شرایط، اول بایستی این دیکتاتوری ضد بشری را سرنگون کرد و بعد از آن هست که درس خواندن معنای دقیق خودش را که همانا خدمت به خدا و خلق است، پیدا می‌کند..."

مجاهد شهید محمود جعفرزاده در بهمن ماه ۶۲ به منطقه‌ی کردستان اعزام شد و در منطقه‌ی سفز در تیم‌های نظامی ارتباطی قرار گرفت. او در رابطه با اعزامش به منطقه می‌گفت: "امیدوارم که در عمل بتوانم آنطور که سازمان می‌خواهد گام بکنم. الزامات این گام هم هر چه باشد (حتی شهادت) می‌پذیرم. من می‌دانم که گذراندن این پروسه برای من ضروریست و بایستی این مقطع را بگذرانم... انسان حین مبارزه آبدیده می‌شود. انشاءالله سازمان هم کمک کند که به آنچه آرزویم هست برسم..."

شهادت قهرمانانه‌ی محمود در نبردی قهرمانانه با مزدوران خمینی جلاد، خود بهترین گواه اعتقاد خالصانه‌ی او بر این سخنان بود. بی‌تردید خون پاک او به همراه خون‌های پاک دیگر شهدای مجاهد خلق همچون سیلی عظیم و بنیان‌کن، بنای جهل و ستم را در این میهن برخواهد افکند و پرچم انقلاب و رهائی را برخواهد افراشت. در آنروز خلق ما به‌یمن فداکاری‌های بیدریغ چنین فرزندان پاکبختی، به‌صبح روشن پیروزی دست خواهد یافت.

یاد پیشمرگه‌ی شهید مجاهد خلق محمود جعفرزاده گرامی باد

**اطلاعیه ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق - در کردستان**

**دفاع قهرمانانه پیشمرگان مجاهد خلق و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر پیشمرگان دلیر و نیروهای مقاومت مردمی در برابر تهاجم گسترده و سبعانه مزدوران ضد خلقی رژیم به مناطق و روستاهای شمال کردستان**

**و بهلاکت رساندن و زخمی نمودن بیش از ۱۰۰ تن از مزدوران و پاسداران جنایتکار خمینی**

بنابه گزارش فرماندهی پیشمرگان مجاهد خلق مستقر در شمال کردستان، پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق به همراه پیشمرگان دلیر حزب دمکرات و دیگر پیشمرگان دلاور و همچنین نیروهای مقاومت مردمی، طی چهار روز درگیری و دفاع قهرمانانه در برابر یورش وحشیانه مزدوران ضد خلقی رژیم (در روزهای ۳۱ خرداد تا ۳ تیرماه جاری) به روستاهای شمال کردستان، موفق شدند که بیش از ۶۵ تن از مزدوران را به هلاکت رسانده و حداقل ۳۵ تن از آنان را نیز زخمی نمایند. جریان این مقاومت دلاورانه به قرار زیر می‌باشد:

پیشمرگان دلاور مجاهد خلق که پیشاپیش، آماده‌ی مقابله با حملات رژیم ضد خلقی بودند، به همراه عده‌ای از نیروهای مقاومت مردمی در ساعات اولیه‌ی بامداد روز پنجشنبه ۳۱ خردادماه، همزمان با شروع این تهاجمات سبعانه جهت تصرف ارتفاعات "ساری‌داش" توسط رژیم، طی دفاع جسورانه‌ای با مزدوران جنایتکار خمینی درگیر شده و حداقل ۱۹ تن از پاسداران و مزدوران ضد خلقی را بهلاکت می‌رسانند. بدنبال این دفاع

متهورانه، پیشروی رژیم متوقف و مزدوران دشمن در شامگاه نخستین روز تهاجم وادار به عقب‌نشینی می‌گردند. دشمن ضد خلقی که از دفاع سرسختانه‌ی پیشمرگان قهرمان بشدت وحشت زده شده بود، صبح روز بعد، یعنی جمعه اول تیرماه جاری، مجدداً اقدام به پیشروی بسوی روستای "حسینی" نموده و ضمن خمپاره‌باران این روستا و نواحی اطراف آن با اعزام ۵ فروند هلی‌کوپتر بر فراز روستای "حسینی"، مواضع استقرار پیشمرگان مجاهد خلق و پیشمرگان حزب دمکرات را با "راکت" می‌کوبند. بدنبال این اقدامات سبعانه‌ی دشمن ضد بشری، پیشمرگان دلاور طی دفاع سرسختانه‌ای در فاصله‌ی روستای "حسینی" و ارتفاعات "ساری‌داش" و همچنین در حد فاصل روستاهای "حسینی" و "حسره گیان"، حداقل ۳۰ تن از مزدوران جنایتکار خمینی را بهلاکت می‌رسانند. همچنین در صبح روز شنبه دوم تیرماه جاری در جریان دفاع پیشمرگان در برابر تهاجم وحشیانه‌ی مزدوران جنایتکار خمینی به روستای "سلطانی" نیز حداقل ۱۵ تن از مزدوران بهلاکت می‌رسند. سرانجام بدنبال چهار روز

درگیری و مقاومت قهرمانانه‌ی پیشمرگان دلیر، دشمن زبون با توپ‌باران و خمپاره‌باران و ویران نمودن وحشیانه‌ی خانه‌های روستائیان ستمدیده و به‌شهادت رساندن عده‌ای از مردم بی‌دفاع، این روستاها را به اشغال مزدوران خود درمی‌آورد. در جریان مقاومت و دفاع قهرمانانه‌ی پیشمرگان در برابر تهاجمات وحشیانه‌ی رژیم ۸ تن از پیشمرگان قهرمان به‌شهادت رسیده و خون پاک خود را فدای راه آزادی مردم ایران و خودمختاری کردستان نمودند. ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق، ضمن تسلیت به خانواده‌های شهدا، به پیشمرگه‌های دلاور بخاطر دفاع قهرمانانه‌ی آنان تبریک گفته و بر لزوم گسترش مقاومت در برابر تهاجمات وحشیانه‌ی رژیم به مناطق شمال کردستان تاکید می‌نماید. همچنین به کلیه‌ی مزدوران سرسپرده‌ی خمینی که در این تهاجمات جنایتکارانه شرکت داشته‌اند، هشدار می‌دهد که در صورت ادامه‌ی این جنایت سبعانه بزودی به سزای اعمال ننگین خود خواهند رسید. ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق - کردستان ۱۳۶۳/۵

**اطلاعیه اتحادیه انجمن‌های****دانشجویان مسلمان خارج از کشور****بمناسبت شهادت برادر مجاهد****محمود جعفرزاده مرندی (کیومرث) در کردستان**

بنام خدا  
علیه ارتجاع خمینی - این پلیدترین دشمن تمامی خلق ایران - تا پای جان مبارزه کند. او در تیم‌های نظامی - ارتباطی سازمان مجاهدین در کردستان قرار گرفت و در آخرین مأموریت خود همراه با تنی چند از هم‌زمانش در منطقه‌ی "سقز" مستقر شد. در جریان تهاجم اخیر رژیم در منطقه‌ی سقز، محمود همراه با دیگر یارانش به مقاومتی خونین برخاست و پس از مدتی مقاومت و جنگ و گریز، به روستای "هرمیدل" عقب‌نشینی کرد. اما در آن روستا مجدداً به محاصره‌ی دشمن افتاد و در جریان شکستن حلقه‌ی محاصره، در تاریخ ۹/خرداد/۶۳ به شهادت رسید.

بنام خدا  
بنام خلق قهرمان ایران و به یاد اولین شهید عضو انجمن دانشجویان مسلمان ترکیه که در کردستان به خاک افتاد هم‌میهنان عزیز، اعضاء و هواداران انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور؛ مطابق گزارشات رسیده، در پی تهاجم اخیر رژیم ضد بشری خمینی به کردستان مرکزی و در جریان یک مقاومت قهرمانانه برای درهم‌شکستن خط محاصره‌ی دشمن، برادر مجاهد محمود جعفرزاده مرندی به شهادت رسید و بدین ترتیب، جان خود را فدای آزادی مردم ستمدیده‌ی میهنمان نمود.

مجاهد شهید محمود جعفرزاده در سال ۱۳۳۳ در خانواده‌ای محروم و ستمدیده در "خوی" متولد شد. وی که در میان توده‌های زحمتکش آذربایجان رشد کرده بود، پس از طی دوران ابتدائی و متوسطه، به سرعت در فضای سیاسی و مبارزات انقلابی جامعه و خلقمان قرار گرفت و توسط برادرش، مجاهد شهید حسن جعفرزاده مرندی (کاندیدای سازمان مجاهدین خلق در خوی) با اصول عقیدتی و خط مشی سازمان، آشنا گردید.

مجاهد شهید محمود در جریان قیام و مبارزات مردمی سال ۵۷، نقشی فعال داشت و پس از پیروزی انقلاب، رابطی فعال‌تری با ارگان‌های سازمان در خوی برقرار کرد. او در سال ۵۸ برای ادامه‌ی تحصیل به خارج آمد و در ترکیه در دانشگاه ترابوزان در رشته‌ی الکترونیک و مخابرات، ثبت نام کرد و ضمن فعالیت سیاسی در انجمن دانشجویان مسلمان ترکیه، دوره‌ی لیسانس الکترونیک و مخابرات را به پایان رساند.

محمود در جریان قیام و مبارزات مردمی سال ۵۷، نقشی فعال داشت و پس از پیروزی انقلاب، رابطی فعال‌تری با ارگان‌های سازمان در خوی برقرار کرد. او در سال ۵۸ برای ادامه‌ی تحصیل به خارج آمد و در ترکیه در دانشگاه ترابوزان در رشته‌ی الکترونیک و مخابرات، ثبت نام کرد و ضمن فعالیت سیاسی در انجمن دانشجویان مسلمان ترکیه، دوره‌ی لیسانس الکترونیک و مخابرات را به پایان رساند.

محمود در جریان قیام و مبارزات مردمی سال ۵۷، نقشی فعال داشت و پس از پیروزی انقلاب، رابطی فعال‌تری با ارگان‌های سازمان در خوی برقرار کرد. او در سال ۵۸ برای ادامه‌ی تحصیل به خارج آمد و در ترکیه در دانشگاه ترابوزان در رشته‌ی الکترونیک و مخابرات، ثبت نام کرد و ضمن فعالیت سیاسی در انجمن دانشجویان مسلمان ترکیه، دوره‌ی لیسانس الکترونیک و مخابرات را به پایان رساند.

مجاهد شهید محمود جعفرزاده در بهمن ماه ۶۲ داوطلبانه تقاضای پیوستن به صفوف پیشمرگان مجاهد خلق در کردستان را نمود و از آن پس برای ادامه‌ی مبارزه، به منطقه‌ی کردستان رفت تا همراه سایر هم‌زمان مجاهدش در مبارزه

مجاهد شهید محمود جعفرزاده در بهمن ماه ۶۲ داوطلبانه تقاضای پیوستن به صفوف پیشمرگان مجاهد خلق در کردستان را نمود و از آن پس برای ادامه‌ی مبارزه، به منطقه‌ی کردستان رفت تا همراه سایر هم‌زمان مجاهدش در مبارزه

**استفاده از "وجوه شرعیه" در انتخابات!؟**

بقیه از صفحه ۱۰

از ختم نمایش مزبور صراحتاً و با لحن تهدیدآمیزی حتی برای آندسته از مزدوران خودش هم که از این بابت ناراضی بودند، خط و نشان کشیده تا مبدا صحبتی از فضاخت انتخاباتش به میان آورند، در رابطه با استفتاء فوق، طبیعی است که در صدد رفع و رجوع این قضیه نیز برآید. ضمن اینکه با پاسخ خود بر این مسئله نیز لابد تلویحاً می‌خواهد بگوید، حالا که همه‌ی کاندیداها "خودی" (مزدور رژیم) هستند، بهتر بود کانال چپاول دیگری برای

نمایش انتخابات تدارک می‌دیدند. و اکنون نیز باید سهم خمینی را بطور تمام و کمال به‌خزانه‌ی جماران مسترد گردانند. ثانیاً، همانطور که ملاحظه کردید، این استفتاء با امضای "جمعی از مومنین" می‌باشد که این خود، علی‌القاعده مناسب - ترین پوش برای آن عده‌ای است که در نمایش انتخاباتی اخیر سرشان بی‌کلاه مانده و حال شروع به لو دادن رقبای برنده‌ی خود و باصطلاح موش دواندن در کار آنها کرده‌اند.

بقیه از صفحه ۱۰  
"وجوه شرعیه" ! بلامانع می‌باشد! حال معلوم می‌شود که "بعضی‌ها" بخصوص عناصر و جناح‌های نه‌چندان (باب میل خمینی) مسئله را عمومیت داده و در انتخابات اخیر هم برای کنار زدن رقبای خود از "سهم مبارک امام" کش رفته‌اند! از سوی دیگر خمینی دجال نیز که بخوبی به‌وضعیت فضاخت‌بار و رسوائی شدید نمایش انتخاباتی اخیرش آگاه است و در همین رابطه نیز بعد

**مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی****مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی**

## پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه آخر

استکلم - برادر (۰۰۰)؛  
نامه‌ی شما همراه با نامه‌ی برادر "ع" از هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "مجید - الف"، بدستمان رسید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

دانمارک - برادر "حسین - ح"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. امیدواریم هر چه زودتر ناراحتی‌هایتان که ناشی از شکنجه‌های مزدوران خمینی در دوران اسارتان بوده است، رفع شود. نامه‌ی شما را برای مسئولین مربوطه فرستادیم. باز هم برایمان نامه بنویسید.

کانادا - برادر "م. ط"؛ دو سندی را که برای بخش آرشیو نشریه‌ی مجاهد فرستاده بودید، رسید. برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

برلن غربی - برادر "حمیدرضا - ق"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. ضمن تشکر از احساس مسئولیت انقلابی‌تان از شما می‌خواهیم که اولاً - مشکل خود را در مورد پناهندگی با خواهران و برادران انجمن در محل اقامتتان مطرح کنید. مسلماً چنانچه کمکی از دستشان برآید، کوتاهی نخواهند کرد. ثانیاً - خاطرات دستگیری و زندان خود را برایمان نوشته و ارسال دارید. ثالثاً - از آثار خود هر چه که جدیداً نوشته و یا از قبل در اختیار دارید، یک نسخه برای ما بفرستید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

امارات متحده‌ی عربی - برادر "ح. خ"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. در نامه‌ی خود هیچگونه اسم و یا ردی از فردی که کمک‌های خود را به او می‌دهید، نداده‌اید. بنابراین متأسفانه در مورد سوال شما پاسخ دقیقی نمی‌توانیم داشته باشیم.

ایتالیا - برادر "کامران"؛ نامه‌ی شما که حاوی یک قصه و قطعه شعری بود، بدستمان رسید.

ایتالیا - برادریا خواهر "۰۰۰"؛ نامه‌ی که به تاریخ ۶۳/۲/۸ از ایران دریافت کرده و برایمان فرستاده بودید، رسید. اما متأسفانه هیچگونه ردی از خودتان، جهت پیگیری مسئله نداده بودید. در صورت امکان شماره تلفن خود را همراه با اطلاعاتی که پیرامون نامه‌ی ارسالی‌تان دارید، برایمان بنویسید.

آمریکا - برادر "محمد"؛ سکه‌ی طلائی را که به تاریخ ۸۴/۵/۱۱ برایمان فرستاده بودید، دریافت کردیم. از کمک شما متشکریم.

آمریکا - برادر "محمود"؛ نامه‌ی شما به همراه مبلغ ارسالی‌تان رسید. برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

آمریکا - خواهر "آذر-م"؛ شعری را که فرستاده بودید، بدستمان رسید.

پاریس - برادر "ف - ر"؛ اشعاری را که در آستانه‌ی سالگرد ۳۰ خرداد سروده و برایمان ارسال کرده بودید، رسید. منتظر اشعار بعدی شما هستیم.

آلمان - برادر "بهمن"؛ ضمن تشکر از یادآوری مجدد شما در مورد تصحیح نام مجاهد شهید "فلورا عظیمی" که اشتباها "فلوراد عظیمی" چاپ شده بود، اضافه می‌کنیم که نامه‌ی شما را جهت ثبت و تصحیح نام مجاهدین شهید فلورا عظیمی و فرخ عظیمی، به واحد تحقیق شهدای انقلاب نوییمان دادیم.

سوئد - برادر "عباس-ک"؛ نامه‌ی که از ایران بدستتان رسیده و برایمان فرستاده بودید دریافت کردیم. برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

قطر - برادر "مجید - ق"؛ نامه‌ی چهارم و پنجم شما نیز بدستمان رسید. نظرتان را به رهنمودی که در رابطه با نامه‌های قبلی‌تان در "مجاهد" شماره‌ی ۲۰۶ داده بودیم، جلب می‌کنیم.

فرانسه - برادر "س. م"؛ نامه‌ی شما همراه با نامه‌ی که از ایران برایتان پست شده بود، بدستمان رسید. نام شهدا و اسرانی را که نوشته بودید، در لیست مربوطه قرار خواهیم داد.

آمریکا - برادر "بهمن-م"؛ نامه‌ی شما که حاکی از دستگیریتان در سال ۶۰ و ۶۱ بود، بدستمان رسید. ضمن تشکر بخاطر احساس مسئولیت انقلابی شما، متذکر می‌شویم، همچنانکه خود اشاره کرده‌اید، بایستی خاطرات خود را مفصلاً برایمان نوشته و ارسال دارید. منتظر گزارش شما هستیم.

آلمان - برادر "محمدعلی - ن"؛ نامه‌ی شما را دریافت کردیم. بنظر ما بهترین راه حل مشکل شما، فعال شدن خودتان می‌باشد و چنانچه کمکی از دست

خواهران و برادران انجمن دانشجویان مسلمان نیز برآید، دریغ نخواهند ورزید. از شما می‌خواهیم که رابطه‌ی خود را با آنها تقویت کنید.

ترکیه - خواهر "ج - د"؛ نامه‌ی شما را دریافت کردیم. احساس مسئولیت شما در رابطه با رساندن اخبار بدست ما قابل تقدیر است. از آنها استفاده خواهیم کرد. منتظر نامه و اخبار بعدی شما هستیم.

آلمان - برادر "مهران-ج"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. جهت اقدام لازم آنرا به مسئولین مربوطه رساندیم.

انگلستان - برادر "مازیار"؛ نامه‌ی شما، که حاوی خبر اعدام یکی از برادران مجاهد بدست مزدوران جانی خمینی دجال بود، را دریافت کردیم. ضمن تشکر از اقدام‌تان در این مورد از شما می‌خواهیم که جهت پیگیری مسئله، در صورت امکان شماره تلفن خود را برای ما بفرستید.

آمریکا - خواهر "ج - Z - H"؛ نامه‌ی شما که حاوی چند سوال ایدئولوژیک بود، بدستمان رسید.

جهت یافتن پاسخ‌های خودتان، بهتر است به سلسله مقالات "زن در مسیر رهائی" و مصاحبه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی با روزنامه‌ی "اونیته" مندرج در "مجاهد" شماره‌ی ۲۰۶ مراجعه کنید.

برلن - برادر "جواد-ج"؛ نامه‌ی ارسالی شما را که از ایران بدستتان رسیده بود، دریافت کردیم. ضمن تشکر از شما، متذکر می‌شویم که بهتر بود اطلاعات خود را نیز پیرامون هسته‌ی مقاومت مذکور، برایمان می‌نوشتید.

کانادا - برادر "یحیی-س"؛ نامه‌تان را به برادری که خواسته بودید، رساندیم. احساس انقلابی شما در قبال شهدا و اسرای انقلاب نوییمان قابل تحسین است.

آمریکا - برادر "علی"؛ نامه‌تان را دریافت کردیم که در آن نام دو تن از شهدای مجاهد و مبارز خلق را، که در لیست شهدا نیامده بود، ذکر کرده بودید. منتظر گزارشات بعدی شما پیرامون اطلاعات تکمیلی در مورد این شهدا هستیم.

آلمان - برادر "گوروش"؛ نام برادرانی را که اخیراً دستگیر شده‌اند و شما برایمان نوشته بودید، دریافت کردیم. از همکاری شما در معرفی عوامل شکنجه و اختناق مردم میهنمان تشکر می‌کنیم. منتظر سایر اخبار و اطلاعاتتان در سایر موارد نیز هستیم.

تایلند - برادر "حبیب"؛ نامه‌ی شما و خواهرتان رسید. ابتکار شما در ارسال نامه با شیوه‌ی جدید، بسیار جالب بود. در صورت تماس به ایشان بگوئید که اخبار خود را بصورت مشخص‌تر و با ذکر درجه‌ی وثوق آنها بنویسند. ضمناً ایشان می‌توانند در نوشتن اخبار رددار، از جوهر نامرئی - آبلیموی تازه - استفاده کنند.

سوئد - برادر "علیرضا - الف"؛ شعری را که از برادر "الف.ع" فرستاده بودید، دریافت کردیم به ایشان بگوئید سایر سروده‌های خود را از همین طریق برایمان بفرستند.

آلمان - برادر "ابراهیم - الف"؛ دو قطعه شعر ارسالی شما به دستمان رسید. احساسات پاک و انقلابی شما نسبت به کودکان شهدا و اسرای مجاهد قابل ستایش است.

آلمان - برادر "ف.ع"؛ سروده‌های شما با نام‌های "بوی بهار میاید" و "ندای کبوتر آزادی" و... بدستمان رسید. منتظر سایر اشعار شما هستیم.

کانادا - برادر "جلال"؛ نامه‌ی شما همراه با شعر زیبایی که به زبان آذری سروده بودید، بدستمان رسید. در فرصت مناسب از آن استفاده خواهیم کرد.

آمریکا - خواهر "مرضیه"؛ شعری را که بنام "انتظار" سروده بودید، دریافت کردیم. ضمن آرزوی موفقیت برای شما، از احساسات پاک و انقلابی‌تان نسبت به نسل مجاهد خلق و انقلاب نوییمان قدردانی می‌کنیم. باز هم از اشعار و سروده‌های خود، برایمان بفرستید.

آمریکا - برادر "یوسف-د"؛ نامه‌ی شما را که حاوی برخی اخبار اجتماعی میهنمان بود، دریافت کردیم. منتظر اخبار جدیدی که بدست می‌آوردید، هستیم.

انگلستان - خواهر "عممت"؛ اخباری را که در رابطه با عدم استقبال هم‌میهنانمان از انتخابات فرمایشی رژیم فرستاده بودید، دریافت کردیم.

برادر "فرید"، تعداد زیادی از "اوراقی" که برایمان فرستاده بودید، بدستمان رسیده است. ضمن تشکر از زحماتتان در ارسال "اوراق" فوق، از شما می‌خواهیم که هرچه سریعتر صفحاتی را که ذیلاً نام می‌بریم، در دو نسخه و به دو آدرس جداگانه برایمان بفرستید.

صفحات ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۸  
صفحات ۶۵، ۶۸  
صفحات ۷۱، ۷۴، ۷۷  
صفحات ۸۳، ۸۶، ۸۹  
صفحات ۹۲، ۹۵، ۹۸  
صفحات ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۰  
صفحات ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۹  
صفحات ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۹  
صفحات ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۸  
صفحات ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۷  
صفحات ۱۵۰، ۱۵۲  
صفحه ۳۹۶  
صفحه ۴۶۷  
صفحات ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۶  
صفحات ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۵  
\* آلمان غربی - برادر "مصطفی ۶۵/م"؛ اخباری که در مورد اعدام اسرای مجاهد خلق فرستاده بودید رسید. از آنها در فرصت مناسب استفاده خواهیم کرد. اما متأسفانه بدلیل ناقص بودن آدرستان و همچنین ننوشتن شماره تلفن امکان پیگیری لازم از شما رانداشتیم. مضافاً بر اینکه هیچگونه توضیحی نیز در مورد معرفی خودتان ننوشته بودید. بنابراین جا دارد که مجدداً از شما و سایر خواهران و برادرانی که اخباری به اهمیت اعدام اسرای مجاهد و مبارز و... را برایمان می‌نویسند، بخواهیم که حتماً توضیحات کافی در مورد خودشان داده و شماره تلفنی که بتوانیم با آنها تماس بگیریم را در نامه‌ی خود قید کنند.

\* نامه‌ی از یکی از معلولین جنگ، بدستمان رسیده که در آن، نویسنده‌ی نامه ضمن افشاکری پیرامون ابعاد فاجعه‌آمیز جنگ، از کلیه‌ی معلولین آن که خمینی دجال، آنها را لمعبه‌ی هوس‌های جنگ‌افروزان‌ی خود قرار داده، خواسته است که علیه جنگ و سیاست‌های ارتجاعی خمینی و مزدورانش به مبارزه برخیزند. از نویسنده‌ی این نامه می‌خواهیم که خاطرات خود را از جبهه‌های جنگ ارتجاعی خمینی برایمان بنویسند.

\* آمریکا - برادر "عباس"؛ نامه و پیشنهادات شما در مورد نشریه بدستمان رسید. از اینکه با "مجاهد" برخورد فعالی کرده‌اید بسیار متشکریم. در مورد پیشنهادات شما نیز سعی خواهیم کرد که حتی‌المقدور آنها را در نظر داشته باشیم، ولی ضرورت‌های مشخص روز، گاهی ایجاب می‌کند که انعطاف‌های بیشتری داشته باشیم.

\* آمریکا - برادر "منوچهر"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. ضمن قدردانی از احساسات انقلابی شما نسبت به اسرای مجاهد خلق نامه‌ی شما را به برادری که خواسته بودید خواهیم رساند.



سلسله خاطرات، گزارشات  
و نوشته‌هایی  
از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های...

بقیه از صفحه ۸

گروه‌های سیاسی و هسته‌های مقاومت و تشکل‌ها و محافل مبارز ۲- تشکیل گروه‌های ویژه شکار انقلابیون در خیابان‌ها و جاده‌های خارج از شهر بخصوص در گلوگاهها ۳- تشکیل تیم‌های تعقیب و مراقبت ویژه و ... از محورهای فوق‌الذکر، محورهای ۲ و ۳ کارآئی خود را بنا بر جمع‌بندی سران مزدور بخش سیاسی سپاه از دست داده و فعلا بیشترین تلاش را بر روی محور یک و برای نفوذ در داخل گروه‌ها و هسته‌ها متمرکز کرده‌اند.\*

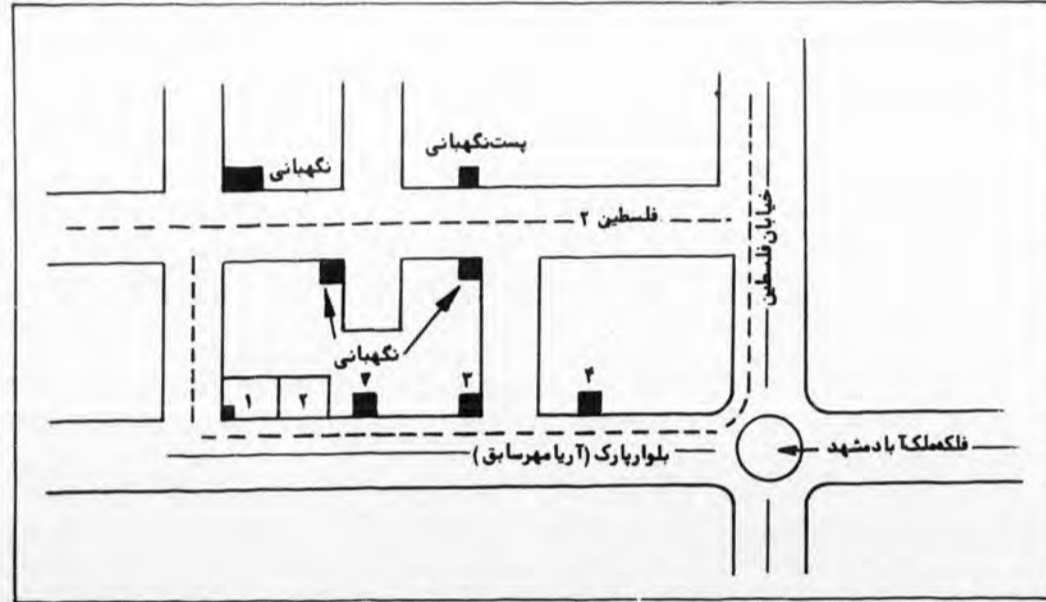
گوشه‌ای از فعالیت‌ها  
و محل فعالیت‌های بخش  
سیاسی سپاه در رابطه با  
زندان‌ها و انقلابیون  
خارج از زندان

در مشهد بخشی که در رابطه با مجاهدین فعالیت می‌کند، از بخش‌هایی که در رابطه با سایر نیروها فعالیت دارند، جداست و در حدود ۲۵ نفر در رابطه با مجاهدین (۱۹ مرد و ۶ زن) هسته‌ی اصلی این بخش را تشکیل می‌دهند که در بالاترین رده‌ی نفوذ و شناسائی و ... فعالیت می‌کنند. این بخش در مشهد، قوچان، بیرجند، گناباد، بیدخت، نیشابور، تربت حیدریه، سبزوار و ... با شاخک‌های خود در حال فعالیت هستند و بیشترین نیرو را نیز در رابطه با مشهد بکار گرفته‌اند و مرتباً گزارشات خود را به عناصر بالا، که در بین آنها ساواکی‌های زبده و قدیمی! نیز به خدمت! مشغولند، رد کرده و آنها نیز با جمع‌بندی و در نظر گرفتن کل فعالیت‌ها و میزان موفقیت برای فعالیت‌های آینده، طرح و برنامه می‌ریزند. مسئول اصلی این عناصر، یکی از مزدوران سپاه به اسم "برادر محمدی" است که کارها را از بالا رهبری می‌کند و در رده‌ی بعد از او بازجویان رده‌ی یک و سپس این گروه ۲۵ نفره قرار دارند. مشخصات "برادر محمدی"!! چنین است: قد کوتاه، لاغر، ریش کم‌پشت، بینی باریک و کشیده و با سنی حدود ۲۷ تا ۳۰ سال. این عنصر جانی که خود پرونده‌ی ننگینی از قتل و شکنجه‌ی زندانیان

نام برخی از این افراد را در لیست بازجویان و شکنجه‌گران خمینی در مشهد ذکر کرده‌ایم، ولی برای اینکه جایگاه واقعی این جانیان در دستگاه سرکوب و جنایت رژیم ضدبشری خمینی به گونه‌ای روشن‌تر مشخص شود، نام و برخی از مشخصات کسانی را که در این بخش فعالیت می‌کنند مشروحتر از پیش یادآوری می‌کنیم:

۱- امیر هوشنگ پناهی؛ با مشخصات: موی خرمائی، چشمان

می‌کند و معمولا از ساعت ۷ صبح تا ۶ بعدازظهر در این محل کار می‌کند و بعضی شب‌ها را نیز در این ساختمان می‌ماند. ساعات ورود و خروج سایر افراد، نامنظم است؛ ولی ورود و خروج همه‌ی افراد بوسیله‌ی "چشمی" روی در، کنترل می‌شود. دومین مکانی که در این محدوده و در رابطه با شکنجه‌گران و بازجویان و شبکه‌ی تعقیب و مراقبت و نفوذ و ... فعالیت می‌کند،



گروکی شماره ۱- چهار مرکز از مراکز شکنجه و گشتار رژیم خمینی و شبکه‌ی تعقیب و مراقبت سپاه ضد خلقی در مشهد

ریز با رنگ روشن، ریش کم‌پشت خرمائی (گاهی اوقات باریش تراشیده) سبیل باریک، قد بلند، کمی خمیده، لاغر و عینکی. او قبلا راننده‌ی تاکسی بوده و هم‌اکنون با همسر خود به فعالیت‌های ضد خلقی‌اش ادامه می‌دهد. این عنصر مزدور معمولا مسلح است و با موتور تردد می‌کند و گاه و بیگاه در قوچان دیده می‌شود. از جمله جنایاتی که بدست وی انجام گرفته، شهادت مجاهد خلق مسعود زرنگی‌پور است که در اثر فعالیت‌ها و اقدامات این مزدور، مجددا در زندان بزرگ شکنجه‌های وحشیانه کشیده شد و با اینکه در آغاز به پنج سال زندان محکوم شده بود، به جوخه‌ی تیرباران سپرده شد.

۲- کامرانیان؛ با قدمت متوسط، اندامی لاغر، سبیل کم‌پشت و موهائی که در قسمت جلورویخته، در خیابان "میسور" مشهد زندگی می‌کند. او از عناصر بسیار فعال بخش تعقیب و مراقبت و نفوذ سپاه و از رابطین پاورقی:

منزلی است که در گروکی با شماره ۲ مشخص شده است. این خانه متعلق به آخوند تبهار "رازیانی" است که در بین زندانیان به "گرازیانی" معروف است. آخوند رازیانی جنایتکار از فعالین در شکنجه‌گاهها و از رؤسای بیدادگاههای ضدانقلابی خمینی در مشهد است که تاکنون خون دهها تن از رزمندگان مجاهد و انقلابی را بر زمین ریخته است و همچنان در رأس شبکه‌ی جنایت و سرکوب به فعالیت‌هایش ادامه می‌دهد. نقاطی که در گروکی با شماره‌های ۳ و ۴ مشخص شده‌اند نیز در کادر همین مکان‌ها، یعنی مراکز فعالیت شکنجه‌گران و بازجویان و ... قرار دارند؛ شکنجه‌گاه "ملک‌آباد"، بخش اسناد طبقه‌بندی شده‌ی سپاه و بخشی از دادستانی ضدانقلاب در این مراکز (۳ و ۴) فعالیت دارند. بقیه‌ی نقاط مشخص شده در گروکی، پست‌های نگهبانی دائمی سپاه است که از تشکیلات جنایت و سرکوب و تجاوز و شکنجه‌ی آخوندهای رذالت‌پیشه و سردمداران ارتجاع در مشهد محافظت می‌کنند.

نام و برخی مشخصات  
تعدادی از فعالین  
در این مراکز  
با اینکه در شماره‌های گذشته

بسیار فعال با شهرستان‌های اطراف مشهد است و از اواخر سال ۶۰ در این بخش از سپاه فعالیت می‌کند.

۳- محمدرضا تاج‌محمدزاده، عنصر بسیار کثیفی که تاکنون حداقل باعث شهادت ۳ تن از انقلابیون شده است. وی عمدتاً در رابطه با نیروهای مبارز غیرمذهبی فعالیت می‌کند. مشخصات ظاهری وی عبارتست از قد بلند، هیکل درشت، صورت زرد رنگ، سبیل کم‌پشت و موی خرمائی. او گاه و بیگاه تغییر قیافه می‌دهد و در تربت جام نیز دیده شده است. منزل مسکونی او در کوی آب و برق است و محل کار او در خانه‌ی شماره‌ی یک سپاه ضد خلقی و در آنجا گذشته از فعالیت در گروه‌های نفوذ و شناسائی، به شکنجه‌های وحشیانه نیز مبادرت می‌ورزد. در روزهای پنجشنبه و جمعه معمولا وی در خانه‌ی شماره‌ی یک دیده نمی‌شود (احتمالا به مرخصی می‌رود). در رابطه با او ۸ نفر فعالیت دارند که عمده‌ی نیروی خود را در رابطه با شکنجه و بخش تعقیب و مراقبت سپاه بکار گرفته‌اند.

۴- علیرضا خرازی؛ با قدی بلند، موی خرمائی صاف و ریش خرمائی از شکنجه‌گران خشن (سرپرست شکنجه‌گاه موسوم به ابودر) و از عناصر اطلاعاتی سپاه ضد خلقی پاسداران خمینی در مشهد و فعالین شبکه‌ی جنایت و سرکوب است. او سابقاً از فعالین در کتابخانه‌ی مسجد قائم در خیابان قائم بود و پس از انقلاب، ابتدا در بخش فرهنگی سپاه به فعالیت پرداخت و پس از ۳۰ خرداد در بخش اطلاعاتی سپاه مشغول به کار شد و بعد از تجدید سازماندهی بخش سیاسی سپاه (در رابطه با زندان‌ها) در ارگان ویژه‌ی شکنجه و سرکوب و بمثابة یکی از اصلی‌ترین مهره‌های ارتجاع به فعالیت پرداخت.

۵- فردی بنام "عبدالله"؛ اهل تربت حیدریه است و قدی نسبتاً بلند، موی مشکی صاف، ریش مشکی و پر، صورتی کشیده و ویژگی‌های ظاهری او را تشکیل

بقیه در صفحه بعد  
قبل نیز به پخش آن اقدام نموده است و از جمله در این برنامه بطور دقیق شیوه‌های مزدوران رژیم را برای نفوذ و متلاشی ساختن هسته‌ها و سازمان‌ها و گروهبانی و انقلابی و همچنین راه مبارزه با آنها روشن ساخته و آموزش می‌دهد.



### سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های...

بقیه از صفحه قبل

می‌دهد. از شکنجه‌گران خشن و از فعالین شبکهی تعقیب و مراقبت سپاه ضدخلقی است از جمله جنایات این مزدور به شهادت رسانیدن یکی از زندانیان مبارز سیاسی بنام "بهرروز صلاحی" است که مدت‌ها بوسیلهی این عنصر تبهکار به زیر خشن‌ترین شکنجه‌ها کشیده شد و سرانجام نیز به شهادت رسید.

۶ - مزدوری بنام "دکتر فرخ" که از اصلی‌ترین عناصر فعال در این شبکه و از جانبانی است که بارها و بارها مجاهدین شهید "داریوش آذرنگ" و "محمد اخوان" را مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار داده است. "دکتر فرخ" از عناصر سازمانده نیروهای نفوذی و تعقیب و مراقبت است و علاوه بر این در زندان با وارد آوردن فشارهای شدید روانی بر زندانیان و باصطلاح کار ایدئولوژیک، سعی در "هدایت" آنها می‌کند. از جمله کارهایی که این عنصر جانی در این زمینه انجام داده است، "تالیف" جزوه‌ایست بنام "مروری بر مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران" که در کنار آن مقالهی "تقدی بر شناخت" نوشتهی جزوه‌نویسان باند عسکرولادی نیز به چاپ رسیده و در زندان تدریس می‌شود. وی از زمره عناصرریست که در حمله به پایگاههای مقاومت در مشهد و شهرهای اطراف، نقش موثری دارد. از دیگر کارهایی که به عهدهی اوست، بررسی جَوّ بندها و برآورد مقاومت زندانیان است تا در صورت بالا بودن جَوّ باز هم تعداد بیشتری به میدان‌های تیرباران روانه گردند.

۷ - فردی بنام "فریده" که در رابطه با زنان زندانی نقش "دکتر فرخ" را ایفا می‌کند و در کلیه زندان‌های سپاه و شهربانی فعالیت و گاه و بیگاه در زندان شهربانی کلاس ایدئولوژی!! می‌گذارد و برای زنان انقلابی زندانی صحبت می‌کند. وی به جز فعالیت در شبکهی تعقیب و مراقبت، از جمله کسانی است که زدن تیر خلاص را به زنان در جوخه‌های اعدام خمینی برعهده دارد.

۸ - مزدوری بنام "محسن کبابی" که کار سازماندهی

"توابین" و ردیابی و پیگیری نیروهای انقلابی را بعهدده دارد. یکبار طی حمله به یکی از پایگاههای مقاومت، زخمی شد ولی جان سالم بدر برد. او در رابطه با کار ردیابی انقلابیون اکثراً در حال مسافرت به شهرهای مختلف است.

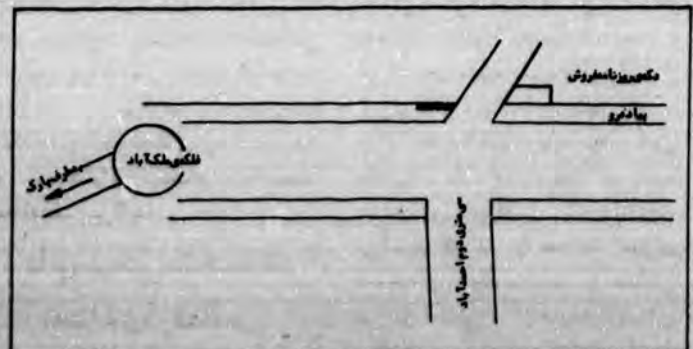
۹ - مزدوری با نام مستعار "ظاهر" که کار تشکیل شبکه‌های نفوذ در داخل زندان‌ها و کشف تشکیلات در داخل زندان‌ها به عهدهی اوست این مزدور هر چند گاه یکبار به استان‌های مختلف مسافرت می‌کند و در تلاش است تا شبکه‌هایی برای نفوذ و متلاشی ساختن تشکیلات داخل زندان‌ها برپا سازد.

۱۰ و ۱۱ - "ملائتی" و "رجائی"، دو تن از مزدورانی هستند که در این شبکه مشغول بکارند و معمولاً با "دکتر فرخ" دیده می‌شوند این دو مزدور از بازجویان رسمی سپاه ضدخلقی در مشهد هستند که کلیه آموزش‌های لازم را برای شکنجهی انقلابیون اسیر، دیده‌اند. معمولاً خودشان مستقیماً اقدام به دستگیری و شکنجه می‌کنند و سپاه نیز همه‌گونه امکان و آزادی عمل را برای آنها فراهم ساخته است. محل اصلی فعالیت آنها مشهد است و کمتر از این شهر خارج می‌شوند. عناصر فوق‌الذکر همراه با تعداد دیگری از جانبیان و شکنجه‌گرانی که اسامی برخی از آنها در لیست شماره‌ی یک و نیست شماره‌ی دو اسامی شکنجه‌گران آمده است، در بخش سیاسی سپاه ضدخلقی (ویژه‌ی زندانیان سیاسی) گوشه‌ای از شبکهی جنایت و سرکوب خمینی پلیس را در مشهد تشکیل می‌دهند و پرونده‌ی ننگین صدها قتل و جنایت و

تجاوز و رذالت را با خود یدک می‌کشند، پرونده‌ی به شهادت رسانیدن و شکنجه کردن صدها زندانی مجاهد و انقلابی که تنها نزدیک به ۵۰۰ تن آنها در بهشت رضای مشهد به خاک سپرده شده‌اند و تعداد زیادی نیز در گورستان‌های بی‌نام و نشان مخفی دفن گردیده‌اند. این عناصر و بطور کلی این شبکه بطور مستقیم با بخش سیاسی سپاه در پادگان عشرت‌آباد تهران در ارتباطند و فعالیت‌های خود را با یکدیگر هماهنگ می‌کنند و هر چند وقت یکبار نیز یکی دو تن از جانبیان با سابقه‌ی رژیم برای بررسی وضع و نحوه‌ی فعالیت‌های این شبکه به مشهد می‌آیند. از جمله کسانی که در تهران و در رده‌های بالا، فعالیت‌های این شبکه را زیر نظر دارد، مزدوری بنام "حسین" است که در پادگان عشرت‌آباد فعالیت می‌کند و از اعضای سابق سازمان "نصر" بوده است. وی قد متوسط متمایل به کوتاه، اندامی نسبتاً درشت و بینی عقابی دارد. موی جلوی سرش ریخته و یکی از دندان‌های جلوی او (در فک بالا) از وسط شکسته است.

برخی از نقاطی در مشهد که عناصری از این شبکه معمولاً دیده می‌شوند، عبارتند از: خیابان احمدآباد، فلکه‌ی تقی‌آباد، فلکه‌ی ملک‌آباد، اطراف هتل هایت، پاساژهای مشهد، بخصوص پاساژهای اطراف فلکه‌ی سراب (که در آن کتابفروشی‌های مختلف وجود دارد)، طول خیابان دانشگاه و یک محل تجمع اتفاقی نیز دارند که در کروی شماره‌ی ۲ مشخص شده است این محل روبروی سی‌متری دوم در پیاده‌روئی است که سابقاً منزل "ولیان" (استاندار سابق در زمان شاه خائن) قرار دارد و معمولاً عناصری از این شبکه در آنجا به سرده‌های ساختمان تکیه داده و یا در نیمکت‌های حول و حوش در حال وقت‌گذرانی هستند.

ادامه دارد



کروی شماره ۲ - یکی از مراکز تردد عناصری از شبکهی تعقیب و مراقبت سپاه ضدخلقی در مشهد

## وصیت نامه‌ها...!

- "محسن وقتی فهمید در محاصره قرار داریم، سلاحش را بیرون آورد و بوسید و با صدای بلند خندید و گفت "خدایا آدمم" و بعد شروع کرد."

بعد از محسن، "فریدون" (۲) تا آخرین گلوله جنگید و بعد با نارنجک، خود را در حلقه‌ی محاصره‌ی مزدوران تکتکه کرد. بعد از او "بهرروز" (۳) و "بهمن" (۴) به شهادت رسیدند و بعد "حسین" (۵) و "رضا" (۶) و بعدها "سید" (۷) هنگام ساختن فانوس قدیر تکتکه شد و بعد "مصطفی" (۸) و بعد نوبت "هادی" (۹) و همسرش شد و بعد "محمود" (۱۰) در حلقه‌ی محاصره‌ی مزدوران و گلوله‌هایشان، غریبال شد و بعد "صادق" (۱۱) و بعد...

پس از سه سال ... ما از بین نرفته‌ایم، به جای بچه‌های شهید، افراد جدیدی آمده‌اند و بقیه نیز در شهر و کوه همچنان می‌جنگند. بعد از سه سال حتی نهاد کوچک ما - بخشی از نهاد تبلیغات - کارآئی خود را حفظ کرده و بعد از سه سال، دیگر همه خوب فهمیده‌ایم که وقتی پیشتان وصیت‌نامه می‌نویسد یعنی ضدخلق باید برود. بعد از سه سال فهمیده‌ایم وقتی پیشتان وصیت‌نامه می‌نویسد یعنی سازمان انقلابی خلق، سالم است، یعنی سازمان، نه حزب توده در ۲۸ مرداد است و نه فسیل‌های وامانده و خرسنگ‌های هراسان، یعنی اینکه پیشتان با خمینی سر شوخی ندارد و او را درهم خواهد کوبید و بعد از سه سال معنی هزاران وصیت‌نامه‌ای را که در آخرین روزهای نزدیک به ۳۰ خرداد نوشته شد خوب می‌فهمیم، از وصیت‌نامه‌ی مسعود و موسی و اشرف گرفته تا وصیت‌نامه‌ی فاطمه مصباح و مادر ذاکری. و در یک کلام معنای وصیت‌نامه‌ی مجاهد خلقه

- ۱ - مجاهد شهید محسن آل اسحاق که بعلت تخصصی ویژه‌اش در تعمیر دستگاههای زیراکس سازمان، در بین بچه‌ها به محسن زیراکس مشهور بود.
- ۲ - مجاهد شهید محمد حسن کیمی منفرد.
- ۳ - مجاهد شهید بهروز ترشیزی
- ۴ - مجاهد شهید بهمن ترشیزی
- ۵ - مجاهد شهید حسین گرمی
- ۶ - مجاهد شهید رضا خاکسار
- ۷ - مجاهد شهید مرتضی عنایت
- ۸ - مجاهد شهید مصطفی حسین زاده شانه‌چی
- ۹ - مجاهد شهید محمد علی لیبی
- ۱۰ - مجاهد شهید محمود میرمالک
- ۱۱ - مجاهد شهید صادق گاتوزیان

بقیه از صفحه ۷

مطمئننا تا صبح می‌نشستم و این منظره را نقاشی می‌کردم تا یکی از اولین شب‌هایی که سازمان نبرد مسلحانه برعلیه رژیم خمینی را شروع کرد؛ تصویر شود. اما چون نتوانستم، دوباره از پله‌ها به طبقه‌ی فوقانی خانه رفتم؛ از پنجره، شهر شب‌زده را نگریستم و بی‌اختیار زیر لب زمزمه کردم:

زیبائی، همسایه‌ی زندگی‌ست و زشتی سایه‌ی مرگ آنانکه نمی‌جنگند

زیبائی را باور ندارند آنان یا خود، زشتی مرگ را خانه‌اند و یا مرگی زشت را همخانه

اگر تو

زندگی را باور داشته باشی و زیبائی را روزی ترا در میدان بازخواهم یافت با تفنگی در دست و در آنروز، می‌دانم بخاطر زندگی

(یعنی زبائی)

مرگ را حتی به آسانی جرمه‌ای آب‌خواهی نوشید زیرا آنانکه زندگی را زیبا می‌طلبند بخاطر آن می‌جنگند و بخاطر آن می‌میرند.

... الان نزدیک به سه سال گذشته است، سه سال شگفت‌آور... و از جمع ۱۹ نفری ما ابتدا جوانترین ما به شهادت رسید، یعنی "محسن زیراکس" (۱) که تازه می‌خواست عروسی کند. او تا آخرین گلوله جنگید و در پایان یک گلوله که به پیشانی‌اش اصابت کرد، نقطه سرخ پایان را بر آخرین فصل زندگانی‌اش نهاد. "علیپور" که در کنار او در هنگام درگیری جنگیده بود و توانسته بود نجات یابد، می‌گفت:

پاورقی:



## محکومیت رژیم خمینی در کنفرانس بین المللی کار...

و از نمایندگان مذکور تقاضا کرد که علاوه بر روشنگری درباره‌ی پامال شدن این تعهدات و پیش پا افتاده‌ترین حقوق کارگران ایران از طرف رژیم خمینی، در میان سازمان‌های متبوعه و کشورهای خود نیز از همکارانشان که عضو "کمیسیون نظارت بر اجرای کنوانسیون‌ها" در کنفرانس بین‌المللی کار هستند، بخواهند تا نماینده‌ی خمینی را درباره‌ی نقض شدید حقوق "کار" در ایران، مورد سوال قرار دهند. در کلیه‌ی این ملاقات‌ها، نماینده‌ی شورای ملی مقاومت خاطر نشان نمود که لازم است رژیم خمینی بطور کلی و همه‌جانبه؛ یعنی نه تنها در رابطه با نقض شدید کنوانسیون ۱۱۱، در مورد جلوگیری از تبعیض در زمینه‌ی شغلی و کنوانسیون ۲۹، راجع به منع کار اجباری - که رژیم اجرای آنها را رسماً تعهد کرده است - بلکه در مورد سرکوب اعتصابات، اخراج‌های دستجمعی کارمندان و کارکنان، بهره‌کشی از کودکان خردسال، تبعیض و دستگیری و اعدام و شکنجه‌ی اقلیت‌های مذهبی و نژادی، بخصوص نیروهای اپوزیسیون دمکراتیک، مورد سوال و بازخواست قرار گیرد.

از جمله کسانی که دکتر کاظم رجوی نماینده‌ی شورای ملی مقاومت به منظور توضیح موارد فوق با آنها ملاقات نمود می‌توان از:

آقای هوت هویس (Hout Huys) رئیس "کنفدراسیون سندیکاهای مسیحی بلژیک" و رئیس و سخنگوی منتخب عموم سازمان‌های کارگری و سندیکا - های ناظر در "کمیسیون نظارت بر اجرای کنوانسیون‌ها"، آقای تم اتی (Tom Etty) مسئول امور بین‌المللی "اتحادیه‌ی جنبش سندیکاهای هلند" آقای آلفرد ویسکیرشن (Alfred Wisskirchen) رئیس نمایندگی کارفرمایان آلمان غربی در وزارت کار آن کشور و سخنگوی گروه کارفرمایان در کنفرانس بین‌المللی کار، آقای ادیلوریجنس (E. Laurijssen) معاون دفتر دائمی "کنفدراسیون سندیکاهای آزاد" در ژنو، آقای ک. توماس (K. Thomas) عضو سابق شورای عمومی "کنگره‌ی اتحادیه‌های کارگری انگلستان" و دبیرکل انجمن کارمندان دولت و خدمات عمومی، آقای مارک بلوندل (M. Blondel) از طرف سندیکاهای کارگری فرانسه و عضو علی‌البدل شورای اداری

سازمان بین‌المللی کار، نام برد. کلیه‌ی اشخاص فوق‌الذکر از کارگردانان و اعضاء موثر "کمیسیون نظارت بر اجرای کنوانسیون‌ها" می‌باشند که بر مبنای روش خاص و آئین‌نامه‌های داخلی سازمان بین‌المللی کار و کمیسیون اخیر برگزیده شده و در چارچوب مقررات آنها فعالیت می‌کنند.

### کمیسیون نظارت

### بر اجرای کنوانسیونها

همانطور که فوقاً نیز اشاره شد، یکی از کارهای اصلی کنفرانس بین‌المللی کار، نظارت بر اجرای "اصول بین‌المللی کار" است که توسط "کمیسیون نظارت بر اجرای کنوانسیون‌ها" صورت می‌پذیرد.

تعداد اعضای "کمیسیون نظارت بر اجرای کنوانسیون‌ها" قریب به ۴۰۰ نفر است. روش کار کمیسیون به این ترتیب است که پس از گزارش کمیسیون نظارت در رابطه با نقض حقوق کار و کارگران در هر کشور، نماینده‌ی دولت مربوطه از مواضع دولت خود دفاع می‌کند. سپس طرح‌کنندگان شکایت به او پاسخ داده و در نهایت رئیس جلسه نتیجه‌ی مذاکرات را که بعنوان نوعی رای‌گیری و قطعنامه‌ی بدوی است، اعلام می‌نماید.

در هفتادمین کنفرانس بین‌المللی کار، بیشترین تعداد شکایت مربوط به نقض حقوق کارگران توسط رژیم خمینی بود. به همین جهت نماینده‌ی رژیم خمینی به انحاء مختلف تا چهارشنبه ۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن) از حضور و پاسخ در مقابل "کمیسیون نظارت بر اجرای کنوانسیون‌ها" طفره رفت و بالاخره در ساعت ۱۰ شب آنروز وقتی که موضوع ایران و نقض شدید حقوق کارگران توسط رژیم خمینی در موارد گوناگون منجمله در مورد "تبعیض در زمینه‌ی شغل" (کنوانسیون ۱۱۱) و "کار اجباری" مطرح شد، بر مبنای عادت مزدوران رژیم در کنفرانس‌های بین‌المللی، وی به تکرار مکررات دائمی دیکته‌شده از طرف دجال جماران پرداخته و سعی نمود خلاف‌کاری‌ها و جنایات رژیم را با نفی واقعبینانه و با سوءاستفاده‌ی ارتجاعی از اسلام به نحوی توجیه کند. بعنوان مثال، نماینده‌ی رژیم

گفت: "باید بگویم که کشور من هزاران هزار شهید در راه اسلام داده و کلیه‌ی اقداماتش اسلامی است. وقتی انقلاب سال ۱۹۷۹ پیروز شد و ما شروع به تهیه‌ی قانون کار کردیم، مورد حملات مختلف، بخصوص تروریست‌های ضدانقلاب واقع شدیم و دو نفر از وزراء و مسئولین تهیه‌ی قانون وسیله‌ی این تروریست‌ها گشته شدند. لذا ما نتوانستیم این قانون را که در دست تهیه است بموقع ارائه کنیم!!"

وی همچنین برای توجیه نقض معاهدات بین‌المللی توسط رژیم گفت: "ما در ایران مشغول بررسی کنوانسیون‌های مختلفی که ایران بدان‌ها ملحق شده است، می‌باشیم و چنانچه ارزش‌های حاکم بر این معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی، مخالف با ارزش‌های اسلامی باشند، ما آن معاهدات و عضویت خود را لغو خواهیم نمود!!"

### پاسخ

### نمایندگان شرکت‌کننده

### به اظهارات نماینده‌ی خمینی

پس از آن در جواب به لاپلائات و توجیهاات مسخره‌ی نماینده‌ی رژیم، تعدادی از نمایندگان به پاسخگوئی پرداختند. از جمله آقای هوت هویس رئیس کنفدراسیون سندیکاهای مسیحی بلژیک و رئیس و سخنگوی منتخب گروه کارگران و سندیکاهای در کنفرانس که منعکس‌کننده‌ی نظرات تمامی این گروه است، در جواب به نماینده‌ی خمینی گفت: "من یقین دارم که منبع هر دو مذهب اسلام و مسیحیت و جوهر هر دو یکی است. بعلاوه این مطلب را دوستان مسلمان من که تعداد آنها زیاد است و با همه‌ی آنها روابط صمیمانه دارم، تأیید می‌نمایند. تصور من اینست که ما مثل سال قبل باید اذعان کنیم که گنه قضیه بر تبعیض استوار است. زیرا شما مثل سال گذشته سعی دارید که انواع تبعیض‌هایی را که به موجب کنوانسیون ۱۱۱ تحریم شده‌اند، توجیه کنید"

وی با نشان دادن مدارکی که از جانب سازمان مجاهدین خلق به وی ارائه شده بود گفت: "من در اینجا مقدار زیادی اسناد و مدارک دارم که نشان

می‌دهند، مسلمانان در کشور شما دستخوش چه تبعیضات، زندان‌ها و گرفتاری‌هایی هستند. موضوع جاسوسی مطلقاً بهانه‌ای بیش نیست... لذا با کمال تأسف و در نهایت اطمینان می‌گویم که در کشور زیبایی مثل ایران باید به دهها هزار اعدام و زندان و تبعیض‌های گوناگون پایان داد... و شما اگر می‌خواهید کشور را اصلاح کنید، افکار مردم را یکسان و همگون کنید. با رفتار غیردمکراتیک به هدف‌تان نمی‌رسید، لذا من نتیجه می‌گیرم که دولت ایران بویژه در زمینه‌ی آموزش و شغل، به تبعیض ادامه می‌دهد. گروه‌های دیگری هستند که تا ابد از شغل و فعالیت شغلی در ایران، محروم شده‌اند... اسلام خواهان عدالت است و عدالت یکی است و دو نوع عدالت وجود ندارد. همچنین اسلام احترام به وجود و زندگی انسان را تعلیم می‌دهد. در کشور شما باید برادری و عدالت ایجاد کرد؛ درحالی‌که شما عده‌ی زیادی را از مشاغل خود اخراج کرده‌اید، بطوریکه خود و خانواده‌هایشان از گرسنگی می‌میرند. همچنین عده‌ای را بخاطر عقاید مذهبی و یا سیاسی‌شان مورد خشم و انواع اذیت و آزارها قرار داده‌اید. لذا من می‌خواهم که به گزارش عمومی امسال کنفرانس، یک پاراگراف مخصوص به ایران (نوعی قطعنامه) اختصاص داده شود که طی هشدار به دولت ایران، از وی مبارزه علیه تبعیض و احترام به مبانی کنوانسیون ۱۱۱ خواسته شود."

سپس آقای آلفرد ویسکیرشن (A. Wisskirchen) (از آلمان) نقطه‌نظر گروه خود را به شرح ذیل اعلام نمود: "ایران به تعهدات خود احترام نمی‌گذارد... سال قبل همین صحنه وجود داشت که حالا درحال تکرار است... نماینده‌ی ایران درباره‌ی مواردی که کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، به آنها اشاره کرده بود سکوت کرد. معیارهای دولت ایران معیارهای صحیحی نیستند. نماینده‌ی این دولت گفت تنها محرک ما قرآن است اگر از قرآن چنین تعبیر و تفسیری بدهند اشکالات، هر روز بیشتر می‌شوند... ما پیشنهاد آقای هوت هویس را در مورد یک پاراگراف مخصوص به ایران که نشان‌دهنده‌ی نقض اصول

سازمان ما توسط این کشور (رژیم خمینی) است تأیید می‌کنیم." آقای مارک بلوندل دبیر کل کنفدراسیون عمومی کار فرانسه ناطق دیگری بود که درباره‌ی ایران صحبت کرد. وی ضمن یادآوری اینکه رژیم ایران به مذاهب و صاحبان عقاید دیگر احترامی نمی‌گذارد، با خواندن بخشی از مدارکی که وسیله‌ی نماینده‌ی شورا به او داده شده بود، گفت: "این سند را من از روزنامه‌ی اطلاعات می‌خوانم، وزیر کار این کشور می‌گوید ما کودکان ۵ ساله را استخدام نمی‌کنیم بلکه باید ۱۵ سال داشته باشند. آیا عقل حکم نمی‌کند که عوض کودکان، مردم بالغ را، صرفنظر از اعتقادات مذهبی و ملی اقلیت‌هایی که متعلق به آنها هستند استخدام کنید؟..."

سپس آقای تم اتی (T. Etty) نماینده و مسئول امور بین‌المللی "اتحادیه‌ی جنبش سندیکاهای هلند" چنین ادامه داد: "تاکنون ما همه به یک زبان صحبت می‌کردیم و مطالب یکدیگر را می‌فهمیدیم. تفاهم و درک متقابلی وجود داشت. تصور نمی‌کنم که این آقایان (با نشان دادن نمایندگان خمینی) بفهمند و واقعا تعجب خواهم کرد که این آقایان قادر به فهمیدن باشند، لذا نمی‌دانم از کجا شروع کنم، چه بگویم و چطور صحبت کنم. شکنجه و آدم‌کشی که رژیم این آقایان دائما بدان اشتغال دارد بدتر از تبعیض در شغل است." در این لحظه نماینده‌ی رژیم با اخطار نظامنامه‌ی حرف ناطق را قطع نمود و از رئیس آفریقائی اجلاس کمیسیون خواست که به او اجازه‌ی ادامه‌ی سخنانش را بدهد و گفت: "اینجا دادگاه نیست که دولت ایران را محاکمه کنند. ناطق (آقای اتی) فقط صلاحیت صحبت در مورد کنوانسیون ۱۱۱ را دارد و نه چیز دیگر...". رئیس جلسه به نماینده‌ی رژیم گفت تصور نمی‌کنم آقای اتی از موضوع دور شده باشد و به او اجازه داد که به نطق خود ادامه دهد. آقای اتی ادامه داد: "آقای رئیس بهترین دلیل درستی گفتار من همین عدم تحمل و دخالت نماینده‌ی دولت ایران است... نماینده‌ی ایران گفت ارزش‌های سازمان بین‌المللی کار از ماتریالیسم و مادیت غربی سرچشمه می‌گیرند و مخالف اسلام‌اند. این مثال نشان می‌دهد که اینها فاسداند. نمایندگان رژیم ایران گفتار

## محکومیت رژیم خمینی در کنفرانس بین‌المللی کار...

سال گذشته خود را دائماً تکرار می‌کنند. و این در حالی است که جامعه‌ی ایران و مردم این کشور بطور دائم درگیر انواع تبعیض‌ها هستند. چرا کمیسیون کارشناسان به این انواع دیگر تبعیض توجه نکرده است؟

در ایران زنان را مجبور به پوشیدن چادر می‌کنند. تا آنجا که در بانک ایرانی لندن از زنان خارجی نیز درخواست حجاب می‌کنند. بنا به مقرراتی که در ایران بوجود آورده‌اند زنان برای کار کردن به اجازیه کتبی شوهر احتیاج دارد. آیا شوهر نیز به اجازیه زن احتیاج دارد؟ هر نوع اعتراض در مورد شرایط کار و شغل در ایران با اخراج خاتمه می‌یابد. در اهواز صدها نفر از کارخانه‌ی فولاد اخراج شده‌اند. ما در این مورد اسناد فراوان داریم. در اینجا ناطق اسناد ارائه شده از طرف مجاهدین را نشان داد و گفت: من سال قبل گفتم و حالا هم مجدداً تکرار می‌کنم: موضوع تبعیض در مورد شغل و سایر زمینه‌ها بخصوص در مورد مجاهدین خلق اعمال می‌شود و سایر نیروهای مخالف سیاسی نیز قربانیان دیگر این نوع رفتارند. چرا نام اینها در گزارش کارشناسان نیامده است. مگر اینها قربانیان اعمال و تبعیضات وحشتناک و وحشیانه‌ی رژیم ایران که ۴۰ هزار نفر از آنها را اعدام کرده است، نیستند. رژیمی که در حال حاضر دهها هزار زندانی سیاسی را در شرایط وحشیانه‌ی نگهداری می‌کند. در ایران سندیکا و فعالیت‌های سندیکائی وجود ندارد...

سپس آقای کس هاگن (Kees Hagen) نماینده‌ی دولت هلند و مسئول امور بین‌المللی وزارت کار و امور اجتماعی آن کشور رشته‌ی سخن را بدست گرفته و چنین گفت: "نماینده‌ی دولت ایران اظهار داشت که کنوانسیون‌ها و اصول بین‌المللی کار را در صورتی که مخالف با اسلام نباشند اجراء می‌کند من معتقدم که چون کشور او کنوانسیون ۱۱۱ را امضاء کرده باید آنرا اجرا کند. آنچه که در ایران می‌گذرد از آن جمله در زمینه‌ی تبعیض، آنهم در چنین سطحی در دنیا بی‌سابقه است. ایران سیاست آگاهانه‌ای برای آزار اقلیت‌ها بویژه

اقلیت‌های مذهبی تعقیب می‌کند. لذا موضوع عبارت از اختلاف عمیق بین قبول اصول و اجرای آنها است. در نتیجه دولت ایران باید قوانین خود را با این اصول تطبیق داده و همچنین میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که امضاء کرده است، احترام بگذارد. اما این کشور عملاً به تعهدات خود پشت پا زده و از هیچگونه تبعیضی روگردان نیست."

ناطق بعدی آقای ک. توماس (K. Thomas) عضو سابق شورای عمومی کنفرانس اتحادیه‌های کارگری انگلستان و نماینده‌ی این سازمان در کنفرانس بین‌المللی کار بود. وی ضمن بیانات مفصلی گفت: "ما به اسلام احترام می‌گذاریم. ما به اینجا آمده‌ایم که ببینیم چطور کشورها اصولی را که آزادانه پذیرفته‌اند اجرا می‌کنند. ما اینجا آمده‌ایم که از آزادی کار و انواع آزادی‌ها در زمینه‌ی شغلی دفاع نماییم. کمیسیون نظارت بر اجراء کنوانسیون‌ها چنین هدفی دارد که بدون جانبداری از هر کسی آنرا انجام می‌دهد. اما در ایران حقوق کارواین کنوانسیون‌ها بشدت نقض شده و می‌شوند... شما دیدید که ما درباره‌ی همه‌ی کشورها اعم از روسیه شوروی، نروژ، سوئیس و... یکنوع بررسی می‌کنیم و همه با معیارهای معینی مورد کنترل قرار می‌گیرند. شما در ایران مبنای کنوانسیون ۱۱۱ را بطور دهشتناکی زیر پا گذاشته‌اید و در عین حال به این کنفرانس ما هم می‌آئید و ادعا می‌کنید که ما به همه چیز و از جمله به اصول کنوانسیون احترام گذاشته و می‌گذاریم! اگر شما این اصول را قبول ندارید رد و افشاء کنید؛ تا ابد که نمی‌شود که کار برخلاف کرد و در عین حال ادعای عکس آنرا نمود!"

نماینده‌ی خمینی با وقاحت تمام در جواب به همهمی مطالب فوق سخنانی گفت که بیش از پیش باعث رسوائی رژیم خمینی گردید. وی از جمله چنین گفت: "همه‌ی مباحث شما از عدم آشنائی با اسلام نتیجه می‌شود و منابعتان هم شایعه و بریده‌ی روزنامه است که قابل استناد نیستند. به شما چه که ما

می‌خواهیم زن‌ها چادر بگیرند! مگر ما می‌آئیم به شما بگوئیم چرا زنان بی‌چادراند و یا چرا الکل مصرف می‌کنند!

هر کس در ایران مجازات شده بعلت عقیده نبوده، بلکه بعلت فعالیت ضد رژیم بوده است. گفتید در اینجا سعی در گسترش آزادی‌ها می‌شود... ما می‌گوئیم که آزادی جز در نتیجه‌ی ایمان به خدا بدست نمی‌آید. آخر شما نمی‌فهمید؛ باین دلیل پرسیدم که چرا حقوقدانان مسلمان جزو کمیسیون کارشناسان نیستند. مجاهدین خلق در یکشنبه ۲۲ نفر از رهبران رژیم را کشتند و به فرانسه پناهنده شدند. گجا اعتصابات در ایران سرکوب شده‌اند. در ایران ما مسئله‌ی کار و حقوق را حل کرده‌ایم. فقط یک اعتصاب شد که وسیله‌ی یک تروریست و زن او راه افتاده بود، ما آنها را اخراج کردیم و اعتصاب تمام شد.

ارقام مربوط به زندان و اعدام و شکنجه مضحک‌اند، لذا ترجیح می‌دهم جواب ندهم!!"

### نتیجه کار کنفرانس

در پایان مذاکرات، رئیس جلسه نتیجه را که اهم آن بقرار زیر است، برای درج در

صورت‌جلسه (که عیناً چاپ و منتشر شده است) اعلام نمود: ۱ - کمیسیون سخنان نماینده‌ی ایران را شنید و اضطراب عمیق خود را در برابر آنچه در این کشور می‌گذرد، بیان می‌دارد. کمیسیون طی فراخوانی از دولت ایران می‌خواهد که در موضع خود تجدید نظر نموده از هر نوع تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، عقاید سیاسی، وابستگی‌های ملی و اجتماعی اکیدا خودداری نموده و عمل خود را با اصول کنوانسیون ۱۱۱ تطبیق دهد. کلیه‌ی این نتایج در پاراگراف ویژه‌ی کار، منعکس و منتشر خواهد شد. (درباره‌ی کل مذاکرات فوق‌الذکر مراجعه شود به صورت‌جلسه‌ی مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۴ شماره‌ی ۱۷ صفحات ۳۳ تا ۴۰)

۲ - خاطرنشان می‌شود که بر مبنای اطلاعیه‌ی مطبوعاتی رسمی کنفرانس بین‌المللی کار که در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۴ در ژنو بین مطبوعات توزیع شد، از ۵۸ کشوری که در کمیسیون نظارت بر اجرای کنوانسیون مورد بازخواست واقع شدند، ۱۰ کشور از جمله ایران، گزارشی به کنفرانس در مورد اجرای

## کشاورز نمونه؟!!

رژیم، به یک سری روضه‌خوانی‌ها و شعر و شعار و وعده و وعید دروغین به کشاورزان محروم برگزار نمودند. چرا که رژیمی که در طول حاکمیت ننگین خود جز به خاک سیاه نشاندن مستضعفین، چپاول بدون وقفه‌ی آنها و کشتار زحمتکشان و نوجوانان آنها در جبهه‌ها، هدف و عملکرد دیگری نداشته، در باصطلاح "هفته‌ی کشاورز" نیز جز عوامفریبی و شعار اساساً چه پیامی می‌تواند برای روستائیان و کشاورزان ستم‌دیده داشته باشد؟!!

جالب اینکه حتی نمایش باصطلاح انتخاب "کشاورز نمونه" نیز نمونه و سمبلی از ماهیت عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی رژیم و تبلوری از ویژگی‌های جنگ‌طلبی و سرکوبگری آن می‌باشد. از جمله در ردیف

در شرایطی که بدلیل عدم تقسیم زمین بین روستائیان، بازگشت فئودال‌ها به روستاها، عدم هرگونه کمک و ندادن تسهیلات فنی و آموزشی به کشاورزان و وضعیت اسفبار بهداشت در روستاها و... روستائیان سبروز در آتش فقر و فاقه می‌سوزند و یا در صورت امکان، گروه‌گروه از محیط مرگ‌زده‌ی روستا و ایلات و عشایر فرار کرده و در شهرها سکونت می‌کنند، رژیم ضدخلفی خمینی یک نمایش بوج دیگر تحت عنوان "هفته‌ی کشاورز" راه انداخته و ضمناً طی آن "کشاورز نمونه" هم تعیین کرده است!

البته همچنانکه انتظار می‌رفت سردمداران و کارگزاران ریز و درشت رژیم "هفته‌ی کشاورز" را صرفنظر از تبلیغات، در جهت سیاست‌های جنگ‌طلبانه و سرکوبگرانه‌ی

اصول مذکور ندادند و کمیسیون نظارت به این نتیجه رسیده که در ۵۶ کشور از کشورهای مذکور، اجرای کنوانسیون‌ها و اصول مربوط به حقوق کار، طی سال گذشته تکامل پیدا کرده و به جلو رفته‌اند ولی از جمله دو کشوری که در این رابطه به عقب و به قهقرا رفته‌اند اول ایران و بعد هائیتی است. اطلاعیه‌ی فوق اضافه می‌کند که جمعا درباره‌ی ۵ کشور از ۱۳۹ کشور و عضو سازمان بین‌المللی کار در گزارش کنفرانس، پاراگراف ویژه‌ی (نوعی قطعه‌نامه و سرزنش) گنجانیده شده است که ایران از آنجمله است (مراجعه شود به اطلاعیه‌ی مطبوعاتی کنفرانس بین‌المللی کار - ژنو ۲۶ ژوئن ۱۹۸۴ صفحه‌ی ۷).

به این ترتیب با فعالیت‌های وسیع شورای ملی مقاومت و اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان، رژیم خمینی نه تنها نتوانست در یکی از مهمترین کنفرانس‌های بین‌المللی بر سیاست‌های ضدکارگری و ضدبشری خود سرپوش بگذارد، بلکه با فرستادن بالاترین نماینده‌ی خود (وزیر کار) در راس هیئتی عریض و طویل فقط فرصتی به دیگران داد تا بار دیگر به عمق سیاست‌های ضدبشری و ارتجاعی او پی ببرند.

\* \* \*

معیارهای انتخاب "کشاورز نمونه" همکاری نزدیک با نهادهای سرکوبگر قرار داده شده است و در همین رابطه نیز باصطلاح کشاورز نمونه‌ی شیراز، سرپرستی یکی از کمیته‌های ضدخلفی را بهعهده داشته است و هم‌اینک "رئیس هیئت مدیره‌ی شرکت تعاونی ۲۴ روستا" می‌باشد!

در استان تهران، معیار اساسی و محوری نمونه بودن را شرکت کشاورزان در جبهه‌های جنگ تشکیل می‌دهد. و استاندار خائن تهران (طاهری)، در مورد کشاورزان نمونه‌ی این استان با وقاحت تمام می‌گوید: "یکی از آنها دو فرزندش در جبهه‌هاست و دومی (حسین قمی) دو فرزندش و یک نوه‌اش به درجه‌ی رفیع شهادت نائل شده‌اند و دو فرزند دیگرش در نهادهای انقلابی (!) خدمت می‌کنند."

(کیهان - ۲۵ اردیبهشت و ۵ خرداد ۶۳)

برای تحقق صلح و آزادی همه‌ساله‌ها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه‌رویم!



## بودجه سال ۶۳

## خیانت عظیم یک رژیم، فقر و ستم‌زدگی یک خلق

بقیه از صفحه ۴

نقدینگی است که مهمترین عامل تورم است. یک بررسی سریع نقدینگی از سال ۵۷ تاکنون افزایش غیرقابل تصور و بیسابقه‌ای را نشان می‌دهد. نکته‌ی حساس اینست که این پول اصولاً در بخش خدمات و توزیع و وابستگی جذب شده است. مخصوصاً از آن بخش معاملاتی (که) دولت پوشیده نگه می‌دارد. . . . طبق آمارهای که بانک مرکزی داده، فقط در سال ۶۱ ارزش افزوده‌ی بخش خدمات و وابستگی بیش از ۲۶۰ میلیارد تومان بوده. این نقدینگی متعلق به ۳ درصد مردم (بخوانید غارتگران اصلی اموال خلق) است. (۱) کیهان - ۱۴/ اسفند / ۶۲

او سپس در کشاکش بحث‌های درونی مجلس ارتجاع و در پاسخ به نوبرخش خائن، با زست مستضعف پناهی‌های خاص مرتجعین، به این خیانت عظیم، بطور واضح‌تری اعتراف می‌کند و می‌گوید: "این چه نظام اقتصادی است که اجازه می‌دهد بخش خدمات و بازرگانی آن، ظرف یکسال بیش از ۲۶۰ میلیارد تومان ارزش افزوده داشته باشد، آنهم به ضرر محروم‌ترین اقشار جامعه و به قیمت نابودی کشاورزی و فشار طاقت‌فرسای تورم بر اقشار متوسط جامعه، مانند کارمندان، کسبه‌ی جز، کشاورز، کارگر و روستایی." (همان منبع)

حجم این غارت بیکران که بخش خصوصی (توزیع و تجارت و بازرگانی) طی تنها یکسال از اموال و سرمایه‌های خلق بدون کمترین محدودیت قانونی و مالیاتی به یغما برده است را بانکی خیانت‌پیشه یکماه پیش از آن چنین برملا کرده بود: "در بررسی‌های انجام شده در سال ۶۱، حدود ۲۸۰ میلیارد تومان درآمدهای بخش خدمات و بازرگانی است؛ ولی مالیات آن گجا رفته، معلوم نیست؟! با توجه به اینکه در دست معدودی است." (اطلاعات - ۲/ بهمن/ ۶۲) مصارف این حجم از غارت بیکران و ثروت انباشته‌ای که نصیب بخش خصوصی می‌شود نیز معلوم است. جنگ، سرکوب و حیف و میل و فساد دارودسته‌ی خمینی، بیهوده نیست که لاجوردی جلاد که سر در آخور بزرگ‌ترین تجار بازار مانند عسکراولادی و امثالهم دارد، وقیحانه اعلام می‌کند که هزینه‌های سرکوب حوزه‌ی جنایت خود (اوین) را او و شرکای جنایتکارش بصورت خودکفا تامین می‌کنند. (راديو رژيم - ۹/ خرداد/ ۶۳)

بنابراین با افزایش نقدینگی، بخش مهمی از پول و دارائی ناچیز مردم از دستشان خارج شده و نهایتاً به جیب ۳ درصد از جمعیت کشور (بنا به اعتراف خود مقامات رژیم) سرازیر شده است.

البته ابعاد معادله‌ای که عمیقاً به ضرر خلق ایران و در

خدمت سر پا نگهداشتن رژیم ضدبشری خمینی و غارت و چپاول مشتی رجاله تغییر یافته است، آنگاه بهتر روشن می‌شود که مقایسه‌ای بین نسبت "افزایش نقدینگی و افزایش اسکناس منتشره" بکنیم.

بر طبق آمار موجود، در زمینه‌ی میزان نقدینگی، از سال ۵۷ تا سال ۶۲ (با احتساب نقدینگی ۸۰۰۰ میلیارد ریال در پایان سال ۶۲)، ۲۱۰ درصد بر حجم نقدینگی افزوده شده است؛ درحالیکه میزان افزایش اسکناس منتشرشده، تا ۴۰۰ درصد می‌رسد. که بدین ترتیب نسبت کاهش قدرت خرید مردم حتی از نسبت افزایش نقدینگی بیشتر می‌گردد.

## تورم و گرانی

## محصول بلافصل

## چاپ اسکناس

## و افزایش نقدینگی

محصول بلافصل چاپ اسکناس و افزایش نقدینگی، گرانی و تورم است. همانطور که گفتیم افزایش حجم پول در گردش رابطه‌ی مستقیمی با افزایش تولیدات داخلی و بالاخص تولیداتی که مورد مصرف مردم می‌باشد، باید داشته باشد. بدیهی است هنگامیکه حجم پول در اثر چاپ اسکناس افزایش پیدا کند، اما تولید داخلی به هر دلیلی افزایش نداشته باشد، نتیجه‌ی مستقیم آن

پائین آمدن ارزش پول و سپس تورم و گرانی است. البته رژیم در سال‌های اخیر بسیار سعی کرده است که با توسل به سیاست خائنانه‌ی واردات، افزایش قیمت‌ها را در یک حدی تخفیف دهد. اما مسلم است که در مقابل ۴۰۰ درصد افزایش حجم پول و چاپ اسکناس بدون پشتوانه، هیچ چیز قادر نیست از افزایش چند صد درصدی قیمت‌ها جلوگیری کند. (۲)

حتی بررسی "شاخص قیمت‌هائی" که آمار و ارقام خود رژیم ارائه داده است، رشد بالای تورم و افزایش لحام‌گسیخته‌ی قیمت‌ها را نشان می‌دهد. به جدول زیر که شاخص قیمت‌ها را از فروردین ماه ۵۸ تا پایان اسفند ۶۲ نشان می‌دهد توجه کنید: (۳)

همانطور که ملاحظه می‌کنید، براساس آمار و ارقام منتشر شده از سوی بانک مرکزی رژیم، قدرت خرید مردم از فروردین ماه ۵۸ تا اسفندماه ۶۲ حدود ۲/۵ برابر کاهش یافته است. اما می‌دانیم که آمار و ارقام فوق‌الذکر، براساس قیمت رسمی (نرخ دولتی) کالاها محاسبه

پاورقی:

۱- تاکیدات از ماست  
۲- برای تفهیم بهتر اثرات چاپ اسکناس در افزایش تورم و نقش واردات در این زمینه، مثالی با کمک گرفتن از اعداد و ارقام می‌زنیم. (این مثال صرفنظر از سایر پارامترها و معادلات اقتصادی است): فرض کنید در سال ۶۲ در کل کشور ۱۰۰ تومان کالا وجود داشته باشد و در مقابل آن نیز ۱۰۰ تومان اسکناس برای خرید و فروش این کالاها موجود بوده است. اما وقتی رژیم با کسری بودجه‌ای در حدود ۳۰٪ مواجه می‌شود، و راه دیگری برای جبران آن ندارد، دست به انتشار ۳۰ تومان اسکناس می‌زند. حال اگر از این ۳۰ تومان، ۱۵ تومان برای خرید اسلحه و جنگ‌افزار از خارج، ۱۰ تومان برای سایر هزینه‌ها مثل هزینه‌های جنگ، خدمات و... (می‌دانید که عمده‌ی رقم کسری بودجه مربوط به هزینه‌های جنگ و سرکوب است) ۵ تومان باقیمانده را برای خرید کالا و وارد کردن آن به داخل و احیاناً سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی هزینه کرده باشد. مفهوم آن اینست که رژیم از ۳۰ تومان اسکناسی که چاپ کرده، تنها ۵ تومان آن جذب کالاها‌ی مصرفی وارداتی و تولیدی می‌گردد و ۲۵ تومان بقیه، اسکناسی است که بدون ورود کالای مصرفی و تولیدی،

شده در حالیکه بدلیل بحران کمبود و گرانی در رژیم خمینی، قیمت‌های رسمی با قیمت‌های بازار آزاد - یعنی قیمتی که مردم براساس آن کالا بدستشان می‌رسد - فاصله‌ی زیادی دارد. از اینروست که محاسبه‌ی نرخ افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم، با احتساب فاصله‌ی بسیار زیاد بین نرخ قیمت‌های رسمی و قیمت‌ها در بازار آزاد (بازارسیاه)، واقعی‌تر بدست می‌آید. با نگاهی به جدول مقایسه‌ی قیمت‌های رسمی (دولتی) و قیمت‌های بازار آزاد، که در پایان همین مقاله ملاحظه خواهید کرد، این واقعیت بخوبی روشن می‌شود.

این بحران کمرشکن تورم و کاهش قدرت خرید مردم درست درحالیست که "حداقل دستمزد" کارگران میهنان برای پنجمین سال متوالی ثابت مانده و درآمد حقوق‌بگیران (کارمندان، معلمان و...) نیز تغییری نکرده است. و این باز درحالیست که مالیات بر درآمد حقوق‌بگیران طی همین سال‌ها بیشتر شده و سهم دیگری از دسترنج ناچیز آنان از همین طریق به یغما رفته است. (۴)

بقیه در صفحه بعد  
وارد معادله‌ی اقتصادی مملکت شده است. در نتیجه تنها بابت چاپ این حجم از اسکناس و تنها بابت این سیاست ضد خلقی تورمی معادل

$$\frac{25}{100 + 5} \times 100 = 24\%$$

در جامعه ایجاد شده است؛ و در این معادله (یعنی هرگاه که افزایش حجم اسکناس بیشتر از تولید شده، باشد) آن گسانی بیشتر از همه تحت فشار قرار می‌گیرند و متضرر می‌شوند که دارای کالا، یعنی زمین، خانه و ماشین و... نیستند؛ عبارت دیگر این زحمتگشان و کارگران میهنان هستند، که قربانی مستقیم و درجه‌ی اول این سیاست ضد ملی و ضد میهنی خمینی هستند.

۳- آمار و ارقام از فروردین ماه ۵۸ تا مهرماه ۶۲ به نقل از جداول آماری بانک مرکزی رژیم مندرج در روزنامه‌ی (کیهان - ۲۳/ بهمن/ ۶۳) می‌باشد. آمار و ارقام از مهرماه ۶۲ تا پایان اسفند ماه ۶۲، بر اساس مقایسه‌ی شاخص بهای کالاها نسبت به دوره‌های مشابه سال قبل که توسط بانک مرکزی در مطبوعات رژیم اعلام گردیده، توسط ما محاسبه شده است.

۴- نسبت پرداخت مالیات حقوق‌بگیران و شاغلین طی سال‌های ۵۷ تا ۶۲ از یک پنجم به یک دوم افزایش یافته است. (جمهوری ۱/ ۶۲/ ۶۳)

جدول شاخص قیمت‌ها از فروردین ۵۸ تا اسفند ۶۲

سال	ماه‌های سال											
	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
۱۳۵۸	۱۶۵/۱	۱۶۶/۹	۱۶۲/۷	۱۶۷/۳	۱۶۹/۱	۱۶۸/۴	۱۷۳/۷	۱۷۹/۴	۱۸۷/۲	۱۹۶/۱	۲۰۶/۸	۲۱۱
۱۳۵۹	۲۱۳	۲۲۰/۲	۲۲۶/۳	۲۲۴/۵	۲۲۰/۵	۲۲۱/۳	۲۲۵	۲۲۴/۶	۲۴۱/۹	۲۵۲/۳	۲۶۴/۱	۲۶۸/۵
۱۳۶۰	۲۷۳/۷	۲۸۵/۸	۲۸۳/۴	۲۷۳/۸	۲۶۸/۸	۲۶۸/۶	۲۶۹/۴	۲۷۲/۲	۲۷۷/۸	۲۸۵/۵	۲۹۵/۳	۳۰۱/۸
۱۳۶۱	۳۰۴/۵	۳۰۳/۴	۳۰۸/۶	۳۰۴/۹	۳۰۲	۳۰۷/۲	۳۱۲/۱	۳۲۰/۵	۳۲۷/۵	۳۳۴/۴	۳۴۵/۱	۳۴۷
۱۳۶۲	۳۵۶/۴	۳۶۹/۴	۳۶۵/۸	۳۶۱/۲	۳۴۹/۱	۳۴۰/۵	۳۳۹/۷	۳۳۰/۲	۳۵۸	۳۶۴/۹	۳۹۱/۲	۳۹۶/۳

شاخص پایه "۱۰۰" برای سال ۱۳۵۳ می‌باشد.  
شیوه‌ی استفاده از این جدول بدین صورت است که اگر شاخص پایه برای سال ۱۳۵۳ را ۱۰۰ فرض کنیم، شاخص قیمت کالاها در فروردین ۵۸، ۱۶۵/۱ و در اسفند ماه ۶۲، ۳۹۶/۳ می‌باشد. به عبارت دیگر اگر کسی میزان مشخصی کالا را در فروردین سال ۵۸ به قیمت ۱۶۵ ریال می‌خریده است، حالا در اسفند ماه ۶۲ برای خرید همان مقدار کالا باید ۳۹۶ ریال پول بپردازد، یعنی قیمت‌ها ۲/۵ برابر افزایش پیدا کرده است.

بودجه سال ۶۳

خیانت عظیم یک رژیم، فقر و ستم زدگی یک خلق

بقیه از صفحه قبل

همچنین خوبست بدانیم طی همین مدت تورم و افزایش قیمت‌ها، روی کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم مثل گروه خوراکی‌ها، پوشاک و کالاهای مصرفی خانگی بیشتر عمل کرده است. به عبارت دیگر "فشار تورمی" بر نیازهای اولیه و اساسی مردم بیشتر بوده که طبعاً همین فشار بیشتر، بر مصرف‌کنندگان این نوع کالاها - یعنی محرومترین اقشار جامعه - وارد آمده است. بعنوان مثال درحالیکه میانگین شاخص کل کالاها از سال ۶۰ الی ۶۱ از ۲۷۹/۷ به ۳۱۸/۱ رسیده یعنی ۳۸/۴ واحد افزایش داشته است (نتیجه‌گیری از جدول شاخص قیمت‌ها)، شاخص گروه خوراکی‌ها طی همین سال از ۳۴۲/۴ به ۴۰۴/۴ رسیده یعنی ۶۲ واحد افزایش یافته است. (اطلاعات ۶۳/۳/۱)

در سال ۶۳ نیز باید منتظر تورمی به مراتب بیشتر از سال‌های

قبل و آنچه که رژیم اعلام کرده است بود. غلامحسین نادى نماینده‌ی مجلس ضدخلفی در اسفند ماه گذشته به میزان تورم در آینده و سپس نقش خانمانسوز استقراض از سیستم بانکی در افزایش آن اشاره کرد و گفت: "تکیه‌ی ۳۰ درصد از بودجه بر اعتبارات سیستم بانکی که خود عامل تورم شدید در جامعه است بگونه‌ای که اگر ریالی از این به بعد از سیستم بانکی استقراض نگردد ۲۶ درصد تورم خواهد بود و ۳۰۰ میلیارد ریال که اضافه گردد ۷ درصد به تورم می‌افزاید." (کیهان ۵/اسفند/۶۲)

در حالیکه دیدیم استقراض از سیستم بانکی در سال ۶۳ چیزی نزدیک به یک هزار میلیارد ریال می‌گردد، که در اینصورت تورم رسمی در سال ۶۳ را باید چیزی بین ۴۰ الی ۵۰ درصد پیش‌بینی نمود. از اینروست که سردمداران و دست‌اندرکاران بودجه در

اظهارات درونی خود از اینکه تورم بیشتر از ۵۰٪ نشود راضی و خوشحالند. چرا که رژیم امسال با دو پارامتر بسیار جدی در افزایش تورم روبروست که نمی‌تواند به هیچ شیوه راه‌گیزی از آن پیدا کند. در وهله‌ی اول همان مسئله‌ی کسر بودجه و سیاست خائنانه‌ی چاپ اسکناس بدون پشتوانه است که روند افزایش نقدینگی و مآلاً روند رشد نرخ تورم و افزایش قیمت‌ها را بیش از پیش تسریع خواهد کرد. و از طرف دیگر واردات کالا بدلیل سیاست جنگ‌افروزانه‌ی خمینی و ناامنی خلیج فارس نسبت به گذشته محدود خواهد شد و این پارامتر دیگر نمی‌تواند نقش تخفیف‌دهنده در افزایش قیمت‌ها را آنطور که در سال‌های گذشته بوده است، داشته باشد.

پایان

ردیف	نوع جنس	واحد	قیمت رسمی (دولتی)	بازار آزاد
۱	خیار قلمی	کیلو	۷۰ تا ۹۰ ریال (سال گذشته)	۱۵۰ ریال
۲	هندوانه	"	۵۵	۲۰۰
۳	انگور	"	۱۵۰	۴۰۰
۴	نارنگی	"	۲۱۰	۴۰۰
۵	سیب زمینی	"	"	۳۰۰
۶	پیاز	"	"	۱۵۰ تا ۱۹۰ ریال
۷	گوشت گوسفند (با استخوان)	"	۷۵۰	۱۰۵۰
۸	ماهی سفید	"	"	۲۵۰ تا ۳۰۰ ریال
۹	قزل‌آلا	"	"	۱۵۰۰ ریال
۱۰	دودی	دانهای	"	۲۵۰۰
۱۱	سیگار آزادی	یک بسته	۱۰۰ ریال	۲۵۰
۱۲	" بهمن	"	۱۳۰	۲۵۰
۱۳	وینستون معمولی	"	"	۶۰۰
۱۴	" بلند	"	"	۷۵۰
۱۵	مانتو - شلوار پارچه‌ای	عدد	۳۷۰۰ ریال	۱۰۰۰۰۰
۱۶	کت و شلوار	یک دست	۹۲۰۰	۳۰۰۰۰۰
۱۷	" مخملی	یک دست	۲۴۵۰	۲۰۰۰۰۰
۱۸	کاپشن خارجی	"	"	۷۰۰۰۰۰
۱۹	شلوار چین	"	"	۱۸۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال
۲۰	چوب‌بر مردانه خارجی	یک جفت	"	۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰
۲۱	شلوار تاونی	یک دست	۱۲۰۰ ریال	۲۰۰۰۰
۲۲	رینگ پیستون و انت	یک دست	۱۶۰۰۰	۶۰۰۰۰۰
۲۳	" تیونتا	"	"	"
۲۴	دیسک و انت مزدا	"	۴۲۰۰	۲۰۰۰۰۰
۲۵	سوپات مینی بوس	"	۵۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰
۲۶	بلبرینگ بولوس	"	۷۷۷	۱۵۰۰۰۰

لیست حاضر، فهرست قیمت برخی از کالاهای که از طریق دیماه ۶۲ تا پایان خردادماه ۶۳ از روزنامه‌های رژیم جمع‌آوری شده است

جابجائی مهره‌های رژیم

پس از انتخابات فرمایشی اخیر

و دلجوئی از کاندیداهای مانده از مجلس

پس از پایان گرفتن انتخابات قلبی دوره‌ی دوم مجلس ضدخلفی، کارگردانان و کارگزاران رژیم، سرگرم دلجوئی از مهره‌های سرسپرده و نقل و انتقال آنان می‌باشند. چرا که خمینی بارها برای ساکت کردن آنها در جریان باندبازیهای انتخابات، وعده داده بود که "این پست یا آن پست" مهم نیست و "از مجلس ماندگان"، در جاهای دیگر خواهند نشست! برخی مانند امثال توکلی خائن (وزیر سابق کار)، پس از ناکامی در ورود به "مجلس"، مجدداً به همان سمت قبلی خود (معاونت وزارت پست و تلگراف) برگمارده شده‌اند، برخی نیز امثال نعمت‌الله تقا (استاندار خائن فارس)، به سمت دیگری (معاون وزارت آموزش و پرورش)، منصوب شده و بسیاری مجلس‌نشینان خیانت‌کار نیز پس از ناکامی در انتخابات اخیر در پست‌های گوناگون گماشته شده‌اند، از جمله الویری

خائن باصطلاح نماینده‌ی دماوند، به سمت معاونت سازمان برنامه و بودجه منصوب شده است. نیاز به توضیح ندارد که هدف اصلی از این جابجائی‌ها و امتیاز-دادن‌ها، تخفیف تضادها و کشمکش‌های درونی رژیم ضد مردمی خمینی می‌باشد و الا اغلب این مزدوران، هیچگونه تجربه و تخصصی در سمت‌های اعطائی ندارند! از سوی دیگر تعدادی نیز مورد تصفیه حساب باندهای رقیب قرار گرفته‌اند و پس از استعفا، جهت شرکت در انتخابات، دیگر در پست‌های قبلی‌شان ابقاء نگردیده‌اند و اینک به مصداق "از آنجا رانده، از اینجا مانده"، جهت دستیابی به یک پست و منصب، به چانه زدن با مقامات گوناگون ارتجاع مشغولند. دیلاً به کلیشه‌ی تعدادی از این نقل و انتقالات که در روزنامه‌های رژیم منعکس گردیده توجه نمائید:

**اطلاعات**  
بقیه معاون وزارت صنایع

برادر علی دانش منسرد که به‌عبارت شرکت در انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی از سمت معاونت مالی، اداری و امور مجلس وزارت صنایع استعفا داده بود. طی حکمی از طرف برادر سید مصطفی حائمی وزیر صنایع مجدداً به همان سمت منصوب و مشغول بکار شد.

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۳

**کیهان**  
انتصاب قائم مقام وزارت امور خارجه

استاد سید سید علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه طی مصد بهارتنی چهارم به سمت قائم مقام وزارت امور خارجه منصوب شد.

علی محمد بهارتنی چهارم نماینده چهارم در اولین دوره مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون امور دفاعی مجلس بود.

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۳

**جمهوری اسلامی**  
انتصاب در وزارت کشاورزی

مهندس مرتضی الویری به سمت معاونت مهندسی و امور مجلس سازمان برنامه و بودجه منصوب شدند.

یادآوری میشود که مهندس مرتضی الویری نماینده مردم دماوند در اولین دوره مجلس شورای اسلامی و عضو هیات رئیسه و رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس بود.

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۳

**کیهان**  
انتصاب در وزارت پست و تلگراف

مهندس مرتضی الویری به سمت معاونت مهندسی و امور مجلس سازمان برنامه و بودجه منصوب شدند.

یادآوری میشود که مهندس مرتضی الویری نماینده مردم دماوند در اولین دوره مجلس شورای اسلامی و عضو هیات رئیسه و رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس بود.

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۳

## نگاهی بدینوسد جا و کشدها

سیاست‌های خانانۀ خمینی  
در  
انهدام و نابودی کشاورزی مملکت

بقیه از صفحه آخر

زمین‌هایی که پس از انقلاب توسط دهقانان صادره گردیده بود، مضافاً بر سیاست‌های جنگ‌افروزانۀ خمینی که با مایه گذاشتن از جان و مال کشاورزان عملاً زمینۀ نابودی کشاورزی و ویرانی بیش از پیش روستاها را فراهم نموده است؛ همچنین عدم اراده‌ی امکانات اولیۀ کشاورزی از قبیل بذر، سم، کود، تراکتور، سوخت و... علاوه بر گرانی و تورم وحشتناک موجود در جامعه و فشارها، تضییقات و سیاست‌های ضد خلقی رژیم برای خرید ارزان قیمت و غارت محصولات کشاورزان و... همه و همه باعث شده است تا کشاورزان زحمتکش و ستم‌دیده، برای تأمین مخارج زندگی مشقت‌بار خود (و حتی تهیه‌ی گندم و آرد مورد نیازشان) به شهرها هجوم آورده و آوارگی و زندگی رقت‌بار در شهرها را بر کشاورزی "ضربه" روستا ترجیح دهند.

جالب اینکه علیرغم همه‌ی این فشارهای طاقت‌فرسا، سردمداران جنایتکار رژیم طبق معمول، همه‌ی مسائل و مشکلات جانگناه کشاورزان را به جنگ ضد خلقی خود صادره نموده و برای "تسلی" "آلام روزافزون کشاورزان به "موعظه" "پرداخته و آنها را به تحمل فشارهای باز هم بیشتر دعوت نموده‌اند. سرانجام نیز بر اساس طینت ضد بشری خود برای آنها خط و نشان کشیده و "جرم" کشاورزانی را که از فرط تنگدستی و سیه‌روزی، خانه و گاشانه‌ی خود را رها کرده و برای یافتن قوت لایموتی، راه مهاجرت به شهرها را پیش می‌گیرند؛ با "قرار سرباز از میدان جنگ" قرین دانسته‌اند!!

اما ورای همه‌ی این دجالگری‌ها و سیاست‌های ضد خلقی، مدت‌هاست که مسئله‌ی کشاورزی رو به انهدام کشور و افت روزافزون تولیدات کشاورزی، در چارچوب بحران‌ها و تنگنای گریبانگیر رژیم خمینی، بصورت یک بحران لاینحل در مقابل رژیم قد غلم کرده و اعتراضات گسترده‌ی کشاورزان را که جز ستم و ویرانی و سیه‌روزی، چیز دیگری از این رژیم پلید و ضد بشری ندیده‌اند، برانگیخته است؛ بحرانی که همانند بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، راه حلی جز سرنوشتی محتوم این رژیم ویرانگر در یک قیام مسلحانۀ عمومی بر آن متصور نیست.

مجموعه فاکت‌ها و اظهارنظرهایی که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، گوشه‌ای از واقعیات موجود را در این زمینه نشان می‌دهد:

\* خمینی در دیدار با بااصلاح کشاورزان نمونه (کیهان - ۲۶/اردیبهشت/۶۳): "کشاورزان در هر کشوری که مثل کشور ما باشد، اصل در امور هستند."  
\* پیام موسوی نخست‌وزیر جنایتکار رژیم به‌مناسبت بااصلاح هفتۀ کشاورز (کیهان - ۲۵/اردیبهشت/۶۳): "کشاورزی محور توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی کشور است و می‌بایست همه‌ی نیروها و خلاقیت‌ها برای احیاء آن و رسیدن به خودکفائی کشور بسیج گردند."  
\* موسوی نخست‌وزیر جنایتکار رژیم (کیهان - ۳۰/اردیبهشت/۶۳): "دولت محور رشد کشور را کشاورزی قرار داده است."  
\* یکی از نمایندگان مجلس

زمین‌های زراعی که در سال‌های گذشته تحت عنوان اصلاحات اراضی به کشاورزان کشور فروخته شده است گفت: طبق سوائی که... از حضرت امام خمینی شده است، ایشان اینگونه معاملات را باطل اعلام کرده‌اند.

\* کیهان (۳/خرداد/۶۳): "در حال حاضر بیش از یک میلیون هکتار از زمین‌های حاصلخیز کشور بلا تکلیف بوده و به همین سبب بدون آنکه کشتی اساسی در آن‌ها، صورت گیرد، رها شده است."

\* مدیر کل کشاورزی آذربایجان غربی (کیهان - ۳/اردیبهشت/۶۳): "تولید این محصول (گندم) که در سال ۶۰ حدود ۳۳۸ هزار و ۴۶۶ تن بوده در سال ۶۱ به حدود ۱۹۳ هزار و ۶۹۹ تن رسید و بد علت پوسیدگی زراعت پائیزه، ۵۰ درصد کاهش یافت. همچنین تولید انگور ۲۸ درصد و سیب زمینی ۲۴/۵ درصد کاهش یافتند."

\* رئیس بانک کشاورزی استان بوشهر (اطلاعات - ۱۵/فروردین/۶۳): "سال گذشته حدود ۱۵۰۰۰۰ هکتار گندم دیم کشاورزان این استان (بوشهر) بعلت زنگ‌زدگی و سرما خسارت دید."  
\* زرهانی نماینده‌ی مجلس ضد خلقی (کیهان - ۶/آذر/۶۲): "واردات گندم ما در سال ۶۰، ۱/۵ میلیون تن بوده و امسال به حدود ۳ میلیون تن رسیده است."

\* استاندار مازندران (کیهان - ۲۱/شهریور/۶۲): "گشت پنبه‌ی ما آمار تلخی را به همراه دارد. ما در قبل از انقلاب ۱۸۰ هزار هکتار زمین زیر گشت پنبه داشتیم که متأسفانه این مقدار بعد از انقلاب به ۵۰ هزار هکتار رسید."

\* عیسی کلانتری وزیر کشاورزی رژیم خمینی (کیهان - ۷/شهریور/۶۲): "حدود ۳۰٪ از محصولات کشاورزی بخاطر احوال و عدم هماهنگی و نداشتن برنامه‌های لازم از بین می‌رود."

\* واشنگتن پست (۱۸/دسامبر/۸۳ - ۱۷/آذر/۶۲): "تهران از زمان انقلاب آنقدر کالا از پاکستان خریداری کرده که در مقام دومین مشتری خارجی آن کشور قرار گرفته است و قراردادهای درازمدتی نیز برای خرید گندم، شکر، برنج، کود شیمیائی و پارچه با اسلام آباد امضاء کرده است."

\* نادى نماینده‌ی مجلس ضد خلقی (کیهان - ۱/خرداد/۶۲): "کالاهای کشاورزی از ۱۸۸/۲۹۵ تن در سال ۵۷ به ۶۶/۹۲۴ تن در سال ۶۰ کاهش یافته."

\* کیهان (۲۴/اردیبهشت/۶۳): "فعالیت کشاورزی اعم از آنها که در الگوی تولید دهقانی عمل

می‌کنند یا آنها که در واحدهای بزرگ تولیدی-تجاری گارمی‌کنند، دچار رکود و توقف می‌باشد و حجم و سطح این مشکلات نیز مرتب در حال افزایش می‌باشد."

\* کیهان (۲/خرداد/۶۳): "دولت، کشاورزان را مجبور می‌کند محصول گندم و چغندر قند خود را به دولت بفروشند"  
\* وزیر کشاورزی و جهاد رژیم (کیهان - ۱/خرداد/۶۳): "مادامی که هزینه‌ی تولید گندم بیش از دو برابر قیمتی باشد که دولت از کشاورز خریداری می‌کند، وضع کشاورزی بدتر از این خواهد شد."

\* امام جمعی جنایتکار لاهیجان (اطلاعات - ۲۵/مرداد/۶۲): "حدود ۱۵۰۰ هکتار باغات جای بخاطر عدم رسیدگی به حالت متروکه درآمده... هر کیلو جای ۸۲ ریال هزینه دارد اما (چایکاران) این مقدار جای حدود ۶۳ ریال به دولت می‌فروشند."  
\* کتیرائی نماینده‌ی مجلس ضد خلقی (کیهان - ۲۸/مهر/۶۲): "پائین بودن قیمت خرید گندم و سایر محصولات کشاورزی توسط دولت است که باعث می‌شود کشاورزی صرف نکند."

\* مجلس (کیهان - ۲۵/فروردین/۶۳): "درآمد حاصل از گلپه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری و سایر فعالیت‌های تولیدی روستائی و عشائری از اول سال ۶۲ به مدت ده سال از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌باشد. تبصره - این معافیت در صورتی است که کشاورزان سیاست‌های دولت را در زمینه‌ی کشاورزی رعایت کنند."

\* یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی رژیم (اطلاعات - ۵/دی/۶۲): "دلیل هجرت روستائیان و دست کشیدن آنها از کشاورزی در بسیاری از مناطق این است که زراعت برای کشاورزی ما صرف ندارد."

\* غلامحسین نادى نماینده‌ی مجلس ضد خلقی رژیم (اطلاعات - ۳۱/اردیبهشت/۶۲): "کشاورز مجبور می‌شود گندمش را سبز به دام بدهد و به انتظار کیلوثی ۳۰ ریال ننشیند."

\* عباسعلی بهاری نماینده‌ی مجلس ضد خلقی (کیهان - ۳/اردیبهشت/۶۳): "مروز کشاورزان ما از نظر ماشین‌آلات کشاورزی و لوازم و سوخت بسیار در فشارند."

\* ناطق نوری (کیهان - ۷/آذر/۶۲): "قبلاً در روستاهای اطراف شهرها خودشان گندم کشت می‌کردند و نان درست می‌کردند، ولی الان اکثر بخش‌های اطراف شهرها می‌آیند آرد و نان از شهرها می‌برند."

\* کیهان (۱۸/اردیبهشت/۶۳): "در شرایط فعلی جامعه‌ی ما قیمت محصولات کشاورزی حداکثر ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است، ولی قیمت مایحتاج ضروری کشاورزان نزدیک به ۶۰۰ تا ۷۰۰ درصد افزایش نشان می‌دهد."

\* مدیر کل کشاورزی آذربایجان شرقی (اطلاعات - ۳/اردیبهشت/۶۳): "این مساله (مهاجرت روستائیان و کشاورزان به شهرها) که روند فاجعه‌آمیزی به خود گرفته است، عمدتاً ناشی از سختی شرایط معیشت و کاهش درآمد در بخش کشاورزی است."

\* مشکینی در نماز جمعی قم (کیهان - ۱۵/اردیبهشت/۶۳): "از کارگران و کشاورزان می‌خواهم که در کارخانه‌ها و مزارع به جدیت کار کنند تا مدتی را بر خود فشار آورند تا مملکت په مرحله‌ی خودکفائی نائل آید."

\* رفسنجانی در دیدار با بااصلاح کشاورزان نمونه (کیهان - ۲۴/اردیبهشت/۶۳): "به مراتب زندگی یک کشاورز بهتر و سالم‌تر از زندگی آن کارگر شهری است"

\* طباطبائی مدیر کل کشاورزی استان مرکزی (کیهان - ۷/خرداد/۶۳): "کشاورزانی که بخاطر جاذبه‌های کاذب شهری مهاجرت می‌کنند، همانند سربازی هستند که در زمان جنگ از جبهه فرار می‌کنند."

\* کیهان (۲۰/اردیبهشت/۶۳): "کشاورزی در چنان... روند نزول و افول راه می‌پیماید و در چنان کلاف سردرگمی گیر کرده که نه به‌عنوان تنگنا و نه به‌عنوان مشکل و نه به‌اسم بحران می‌توان از آن نام برد."

\* یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی خمینی (کیهان - ۱۴/آبان/۶۲): "آیا وقت آن نرسیده که معلوم شود ایران بناست صنعتی باشد یا کشاورزی و یا هر دو و یا هیچکدام و برای هر شق آن چه برنامه‌ای ریخته شده است تا سرمایه‌های این مملکت بیش از این بیبوده بهدر نرود."

\* کیهان (۲۰/اردیبهشت/۶۳): "مهاجرت، تورم بهای محصولات کشاورزی و کاهش سهم کشاورزی در تولید ملی همه جلوه‌هایی از جلوه‌ی این مشکلات اساسی و نگران‌آور هستند که نشان می‌دهد بحران کشاورزی نه تنها همچنان گریبانگیر جامعه‌ی ماست، بلکه آهنگ افزایش آن از سالی به سال دیگر در حال جهش است."

\* یکی از کارشناسان کشاورزی در مصاحبه با کیهان (۲۵/اردیبهشت/۶۳): "واقعیت این است که محور قرار گرفتن کشاورزی در سال جدید شعار بیش نخواهد بود."

**پاسخ به نامه‌های رسیده**

\* آلمان - خواهر "ناهدی"؛  
نامه‌ی شما که همراه با گزارش "شهادت مقاومت..." بود، به دستمان رسید. ضمن تشکر از برخورد مسئولان، از شما می‌خواهیم که در صورت رسیدن نامه‌های بعدی این هسته‌ی مقاومت، ما را سریعاً در جریان قرار دهید.

\* ایرلند شمالی - برادر "اکبر"، کتابی را که جهت تکمیل بخش آرشیو نشریه‌ی مجاهد فرستاده بودید، دریافت کردیم. از همکاری شما صمیمانه تشکر می‌کنیم.

\* سوئد - برادر "ف.ع.م"؛ نامه‌ای که فرستاده بودید بدستمان رسید. بهترین راه حل فعال کردن خانواده‌تان، کار آموزشی و توضیحی با آنان است. بنابراین برای آنها نامه نوشته و خود آنها را به هر صورت که صلاح می‌دانید متوجه مسائل کنید. در مورد اطلاع از سلامتی برادری که سوال کرده بودید اقدام خواهیم کرد و چنانچه به نتیجه‌ی مشخصی رسیدیم به شما اطلاع خواهیم داد.

بقیه در صفحه ۲۰

خواهران و برادران عزیز؛  
این هفته، صفحه‌ی پاسخ به نامه‌های رسیده را به درج پیام‌هایی در رابطه با نامه‌هایی که از خارج کشور دریافت داشته‌ایم، اختصاص داده‌ایم. ذیلاً توجه شما را به تعدادی از آنها جلب می‌کنیم.

\* کانادا - برادر "سعید-ع.ن"؛ نامه‌تان که به تاریخ ۶۳/۲/۱۲ نوشته شده بود، بدستمان رسید. از اخباری که فرستاده بودید، استفاده خواهیم کرد. اطلاعات بیشتری درباره‌ی برادری که از وضعیت شهادتش سوال کرده بودید، برایمان بنویسید تا بتوانیم راجع به آن تحقیق کنیم.

\* آلمان - برادر "حفیظ"؛ نامه‌ی ارسالی شما بدستمان رسید. ضمن تشکر از احساس مسئولیت انقلابی‌تان در قبال مبارزه و خلق قهرمانان، از شما می‌خواهیم که با خواهران و برادران "انجمن دانشجویان مسلمان" در محل اقامتتان تماس گرفته و فعالیت‌های مبارزاتی خود را آغاز کنید.

**اخبار کوتاه**

\* اخبار واحدهای عملیاتی به نقل از اطلاعیه ستاد عملیات مجاهدین - تهران  
\* مقاومت انقلابی مسلحانه و اظهار عجز رژیم خمینی  
\* به‌دار آویختن یکی از اسرای مجاهد در همدان  
\* گشت سرکوبگر جدید  
\* تحویل ۴ فروند ناوچه جنگی از انگلستان  
\* تضادهای دامنه‌دار بین‌ایادی خمینی در شهرهای مختلف کشور  
\* "اقتصاد جنگی"  
\* مسئله خلیج و مشکل هندوانه!  
\* تلاش رژیم برای ساختن مین‌های دریائی  
\* "تبلیغ" و "ضد تبلیغ"!  
در صفحه ۵

**اطلاعیه ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق در کردستان**  
در صفحه ۱۸

**نگاهی به نوشته‌ها و گفته‌ها****سیاست‌های خائنانه خمینی در انهدام و نابودی کشاورزی مملکت**

اخیراً دست‌اندرکاران و گردانندگان رژیم ویرانگر خمینی، با راه انداختن یک نمایش تبلیغاتی و عوام‌فربانه تحت عنوان "هفته‌ی کشاورز"؛ باز هم از "اصل بودن" و "اولویت" کشاورزی در برنامه‌ی دولت سخن به میان آورده و با دادن یکسری وعده و عیده‌های پوچ و توخالی و صدور یک "قطعنامه‌ی" مطنطن، تلاش کردند تا بر سیاست‌های خائنانه و بغایت ضد مردمی خود که موجبات نابودی و انهدام کشاورزی مملکت را فراهم نموده، سرپوش گذارند و چنین وانمود کنند که گویا از "مسئله‌ی کشاورزی" غافل نبوده و چنانکه نخست وزیر خمینی ادعا کرده است: "کشاورزی را محور رشد مملکت" قرار داده‌اند!!

این درحالیست که اعترافات و آمار و ارقام ارائه شده از سوی مقامات رژیم در زمینه‌ی انهدام و افت تولیدات کشاورزی (که تنها منعکس‌کننده‌ی بخشی از واقعیات می‌باشد)، عمق خیانت‌های بی‌حد و حصر خمینی را در این زمینه به‌نمایش می‌گذارد.

عدم حل "مسئله‌ی ارضی" بعنوان یکی از ابتدائی‌ترین حقوق دهقانان زحمتکش، بازگشت فتوای‌های خونخوار به روستاها در گنف حمایت پاسداران سرکوبگر خمینی برای تصاحب بقیه در صفحه ۲۷

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان

BM BOX 9090  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND

اتریش

Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه

B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آن را به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان

Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه  
BANK SOCIETE GENERAL  
N:58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002  
در داخل فرانسه  
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم‌میهنان!  
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تأثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبنه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه  
A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_

بهای اشتراک:

سه ماهه  معادل ۱۲ دلار  
شش ماهه  / ۲۳ دلار  
یکساله  / ۴۴ دلار

**دستورهای روز:**

گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر و تصاحب شکست طلبم احتیاج و تدارک قیام‌رہانی بخش عمومی